

محبت امام زمان (ع)

(جلد اول)

نویسنده: سید علی اکبر صداقت

سرشناسه: صداقت، سید علی اکبر. ۱۳۳۴
 عنوان و پدیدآورنده: محبت امام زمان (ع) ج اول / تحقیق و تألیف سید علی اکبر صداقت
 مشخصات نشر: قم، سرای کتاب ۱۳۹۶
 مشخصات ظاهری: ۲۱۹ص
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۰۸۰-۵-۲
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
 موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم
 موضوع: مهدویت - انتظار
 موضوع: اخلاق شیعی
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ع ۴ ص / ۴/۴۲۲۴ BP
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲
 شماره کتاب شناسی ملی: ۴۹۲۲۲۱۵

انتشارات سرای کتاب

۰۹۱۰۷۷۱۷۱۸۷

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب:..... محبت امام زمان (ع) ج ۱
 تحقیق و تألیف:..... سید علی اکبر صداقت
 ناشر:..... سرای کتاب
 تیراژ:..... ۵۰۰ جلد
 نوبت چاپ:..... اول
 سال نشر:..... ۱۳۹۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۲۷- کم‌گویی، کم خوری و کم‌خوابی.. ۱۹	مقدمه ۱۳
۲۸- گدای او ۱۹	۱- کتاب عشق ۱۴
۲۹- کرم ۱۹	۲- با دل ۱۴
۳۰- بازار عشق ۱۹	۳- درخشیدن ۱۴
۳۱- انتظار ۱۹	۴- تشکر ۱۴
۳۲- حسرت ۲۰	۵- ازدیاد حبّ ۱۴
۳۳- غم روی غم ۲۰	۶- اخلاق نیکو ۱۴
۳۴- قهقرا ۲۰	۷- رغبت ۱۵
۳۵- عاشق روی ۲۰	۸- میل ۱۵
۳۶- نظری کن ۲۰	۹- دیدار دوستان ۱۵
۳۷- عید ۲۱	۱۰- عیادت ۱۵
۳۸- نام‌گذاری ۲۱	۱۱- دوری از خلاف‌کاران ۱۵
۳۹- وصال ۲۱	۱۲- زهد ۱۶
۴۰- درهای بسته ۲۱	۱۳- بغض دنیا ۱۶
۴۱- مهر تو ۲۱	۱۴- حلم ۱۶
۴۲- بذر محبت ۲۲	۱۵- شناخت ۱۶
۴۳- مرهم ۲۲	۱۶- ازدیاد یاد ۱۶
۴۴- زمستان ۲۲	۱۷- ترک حبّ ذات ۱۶
۴۵- نگاه محبتی ۲۲	۱۸- حیا ۱۷
۴۶- سائل کوی تو ۲۲	۱۹- بخشنده ۱۷
۴۷- حاضر دائم ۲۲	۲۰- رفق ۱۷
۴۸- شعاع مهر ۲۳	۲۱- سوره طه ۱۷
۴۹- دست‌آویز ۲۳	۲۲- ایثار ۱۷
۵۰- پیر شدم ۲۳	۲۳- آسان‌گیر ۱۸
۵۱- بنده بی‌بضاعت ۲۳	۲۴- سخاوتمند ۱۸
۵۲- عنایت ۲۴	۲۵- حق‌گویی ۱۸
۵۳- آتش عشق ۲۴	۲۶- فرایض ۱۸
۵۴- دژهای ای ۲۴	

- ۳۰..... ۸۳- تقوا
- ۳۰..... ۸۴- درخواست
- ۳۰..... ۸۵- نان خور امام
- ۳۱..... ۸۶- چه شود
- ۳۱..... ۸۷- توفیق
- ۳۱..... ۸۸- استمداد
- ۳۱..... ۸۹- ببوسم
- ۳۱..... ۹۰- مددی
- ۳۲..... ۹۱- اسباب امام دوستی
- ۳۲..... ۹۲- شب فراق
- ۳۲..... ۹۳- قربانت
- ۳۳..... ۹۴- خانه اوست
- ۳۳..... ۹۵- لب محب
- ۳۳..... ۹۶- محبت دوطرفه
- ۳۳..... ۹۷- سروران
- ۳۳..... ۹۸- چشم به راه
- ۳۳..... ۹۹- حیرانیم
- ۳۴..... ۱۰۰- وصل یار
- ۳۴..... ۱۰۱- دل آرا
- ۳۴..... ۱۰۲- آستان تو
- ۳۴..... ۱۰۳- دام مهرت
- ۳۵..... ۱۰۴- خریدارانت
- ۳۵..... ۱۰۵- نهفته
- ۳۵..... ۱۰۶- خود دوستی
- ۳۵..... ۱۰۷- امام دوستی
- ۳۵..... ۱۰۸- لذت بخش
- ۳۶..... ۱۰۹- خدا کند
- ۳۶..... ۱۱۰- نشانه دوستداران حضرت مهدی (ع)
- ۲۴..... ۵۵- هستی مجازی
- ۲۴..... ۵۶- نگاهت
- ۲۵..... ۵۷- دریا
- ۲۵..... ۵۸- نه برای تو
- ۲۵..... ۵۹- بی شراره
- ۲۵..... ۶۰- رشته مهر
- ۲۶..... ۶۱- برای تو
- ۲۶..... ۶۲- لذت با تو
- ۲۶..... ۶۳- بحر کرامت
- ۲۶..... ۶۴- لطف تو
- ۲۶..... ۶۵- کلید
- ۲۷..... ۶۶- آرزو داریم
- ۲۷..... ۶۷- عاشق کن!
- ۲۷..... ۶۸- تخم محبت
- ۲۷..... ۶۹- سینه تنگ
- ۲۷..... ۷۰- آینه ناز
- ۲۸..... ۷۱- وصل یار
- ۲۸..... ۷۲- آتش محبت
- ۲۸..... ۷۳- شرمندگی
- ۲۸..... ۷۴- مهر تو
- ۲۸..... ۷۵- حقوق امام
- ۲۹..... ۷۶- سحر
- ۲۹..... ۷۷- سبب تقرب
- ۲۹..... ۷۸- نالان
- ۲۹..... ۷۹- صدقه
- ۲۹..... ۸۰- صلح رحم
- ۳۰..... ۸۱- سپاس‌گزاری
- ۳۰..... ۸۲- دست دعا

- ۱۱۱- به سان درخت ۳۶
- ۱۱۲- دل من ۳۷
- ۱۱۳- بگشا ۳۷
- ۱۱۴- زلال تر ۳۷
- ۱۱۵- وصف عشق ۳۷
- ۱۱۶- محبت ۳۸
- ۱۱۷- تمنای همه ۳۸
- ۱۱۸- همجنس محبوب ۳۹
- ۱۱۹- انصراف ۳۹
- ۱۲۰- به یاد امام ۳۹
- ۱۲۱- جذب ۴۰
- ۱۲۲- سوی تو ۴۰
- ۱۲۳- تعلق قلبی ۴۰
- ۱۲۴- خالص ۴۰
- ۱۲۵- حیلۀ نفس ۴۱
- ۱۲۶- می‌نوازی ۴۱
- ۱۲۷- عاشق پنج روزه ۴۱
- ۱۲۸- سلطان عشق ۴۲
- ۱۲۹- سیر عشق ۴۲
- ۱۳۰- تمجید امام ۴۲
- ۱۳۱- مهر عالم آرا ۴۳
- ۱۳۲- درد عاشق ۴۳
- ۱۳۳- مظروف ۴۳
- ۱۳۴- میل ۴۴
- ۱۳۵- هجر تو ۴۴
- ۱۳۶- چشیدنی ۴۴
- ۱۳۷- طبیب ۴۵
- ۱۳۸- علت فاصله ۴۵
- ۱۳۹- در عشقت ۴۵
- ۱۴۰- نقش سبو ۴۵
- ۱۴۱- مؤمن ۴۶
- ۱۴۲- اعلان دوستی ۴۶
- ۱۴۳- اعتبار ۴۷
- ۱۴۴- محبت جانان ۴۷
- ۱۴۵- هرزه سودایی ۴۷
- ۱۴۶- پر زنند ۴۷
- ۱۴۷- خوبی‌های محبوب ۴۸
- ۱۴۸- جان فدای محبوب ۴۸
- ۱۴۹- درجات عاشقی ۴۸
- ۱۵۰- سوختن ۴۹
- ۱۵۱- دعا برای محبوب ۴۹
- ۱۵۲- پروانه‌وار ۴۹
- ۱۵۳- کاشتنی ۵۰
- ۱۵۴- دنبال یکی ۵۰
- ۱۵۵- کهنه صندوق ۵۰
- ۱۵۶- برتر ۵۰
- ۱۵۷- واژهٔ عشق ۵۱
- ۱۵۸- وصال ۵۱
- ۱۵۹- وّد ۵۱
- ۱۶۰- فاضل طینت ۵۲
- ۱۶۱- ارادت ۵۲
- ۱۶۲- تحمّل ۵۳
- ۱۶۳- معیار ۵۳
- ۱۶۴- احسان ۵۴
- ۱۶۵- درد بزرگ ۵۴
- ۱۶۶- ارتباط روحی ۵۴

- ۱۶۷- سرمایه ۵۵
- ۱۶۸- الفت ۵۵
- ۱۶۹- عاشق تصویر ۵۵
- ۱۷۰- درد سر ۵۵
- ۱۷۱- برتر ز جان ۵۵
- ۱۷۲- فوق معلم ۵۶
- ۱۷۳- ابتهاج ۵۶
- ۱۷۴- بارش رحمت ۵۶
- ۱۷۵- خسارت بزرگ ۵۷
- ۱۷۶- شرح عشق ۵۷
- ۱۷۷- خلیل ۵۷
- ۱۷۸- پای مولا ۵۷
- ۱۷۹- چشم دل ۵۸
- ۱۸۰- ابزار محبت یابی ۵۸
- ۱۸۱- محتاجم ۵۸
- ۱۸۲- ریشه محبت ۵۸
- ۱۸۳- ارشاد ۵۹
- ۱۸۴- عاشق حضرت علیه السلام .. ۵۹
- ۱۸۵- تخلیه ۵۹
- ۱۸۶- مهر تابانی ۵۹
- ۱۸۷- مهرورزی ۶۰
- ۱۸۸- نثار ۶۰
- ۱۸۹- ریسمان ایمان ۶۱
- ۱۹۰- انگیزنده صورت ۶۱
- ۱۹۱- دلبرا ! ۶۲
- ۱۹۲- فرار ۶۲
- ۱۹۳- تأسّف ۶۲
- ۱۹۴- قرب معنوی ۶۳
- ۱۹۵- چشم حقیقت بین ۶۳
- ۱۹۶- مجاز به مجاز ۶۴
- ۱۹۷- بی وفایی ۶۴
- ۱۹۸- بهانه ۶۴
- ۱۹۹- بی سر و سامان ۶۵
- ۲۰۰- محبوب ازلی ۶۵
- ۲۰۱- کم رنگ ۶۵
- ۲۰۲- دوستدار ۶۵
- ۲۰۳- محبوب مجازی ۶۶
- ۲۰۴- مجذوب ۶۶
- ۲۰۵- خیال وصل ۶۶
- ۲۰۶- دام ظاهری ۶۷
- ۲۰۷- صد مهربان ۶۷
- ۲۰۸- مولع ۶۷
- ۲۰۹- مشتاق من ۶۷
- ۲۱۰- دل آرام ۶۸
- ۲۱۱- قائم ۶۸
- ۲۱۲- قابلیت ۶۸
- ۲۱۳- دعوت مولا ۶۹
- ۲۱۴- حاضر دائم ۶۹
- ۲۱۵- درد و سوز ۶۹
- ۲۱۶- نوبهار ۷۰
- ۲۱۷- جهد کن ۷۰
- ۲۱۸- حبیب ۷۰
- ۲۱۹- گریان شد ۷۱
- ۲۲۰- محنت محبت ۷۱
- ۲۲۱- تمنا ۷۱
- ۲۲۲- یار، کار خود ۷۱

- ۲۲۳- بال و پر ۷۲
- ۲۲۴- خبر ۷۲
- ۲۲۵- وصل تاخت ۷۲
- ۲۲۶- تغییر حالات ۷۳
- ۲۲۷- دریا ۷۳
- ۲۲۸- راه گشایی ۷۳
- ۲۲۹- کم صبری ۷۴
- ۲۳۰- نیم نگاهی ۷۴
- ۲۳۱- دوری و حزن ۷۴
- ۲۳۲- به عشق او ۷۵
- ۲۳۳- بیم زوال ۷۵
- ۲۳۴- دل آرا ۷۵
- ۲۳۵- بی نهایت ۷۶
- ۲۳۶- بیشتر بکوش ۷۶
- ۲۳۷- قطره‌ای ۷۶
- ۲۳۸- مورد خشم‌اند ۷۶
- ۲۳۹- یوسف زهرا ۷۷
- ۲۴۰- خانه عنکبوت ۷۷
- ۲۴۱- دوستی جسمانی ۷۸
- ۲۴۲- طریق عشق ۷۸
- ۲۴۳- چشم به راه ۷۸
- ۲۴۴- بلبل آسا ۷۹
- ۲۴۵- مردگان‌اند ۷۹
- ۲۴۶- پرتو ۷۹
- ۲۴۷- درد انتظار ۷۹
- ۲۴۸- اجلال دوست ۸۰
- ۲۴۹- مراتب دوستی ۸۰
- ۲۵۰- فیض از بالا ۸۰
- ۲۵۱- وادی عشق ۸۰
- ۲۵۲- چشم مجنونی ۸۱
- ۲۵۳- ایمان ثابت ۸۱
- ۲۵۴- می محبت ۸۱
- ۲۵۵- هم‌نشینی ۸۱
- ۲۵۶- اصل ۸۲
- ۲۵۷- مه جبین ۸۲
- ۲۵۸- گرفتار مجاز ۸۲
- ۲۵۹- غم محبوب ۸۳
- ۲۶۰- عشق روی ماه ۸۳
- ۲۶۱- بلا مانند آتش ۸۳
- ۲۶۲- محبت یوسف زهرا ۸۴
- ۲۶۳- شکوه محبانه ۸۴
- ۲۶۴- قلب جای یکی ۸۴
- ۲۶۵- رسیدنی ۸۴
- ۲۶۶- پناه عاشقان ۸۵
- ۲۶۷- فرمان برداری ۸۵
- ۲۶۸- فکر بلبل ۸۵
- ۲۶۹- دیدار ۸۵
- ۲۷۰- نام محبوب ۸۶
- ۲۷۱- شیدای ۸۶
- ۲۷۲- آرامش ۸۶
- ۲۷۳- احباب ۸۷
- ۲۷۴- لبریز ۸۷
- ۲۷۵- جمع‌الجمعی ۸۸
- ۲۷۶- شب هجران ۸۸
- ۲۷۷- به یاد ما ۸۹
- ۲۷۸- جای تأثر ۸۹

- ۲۷۹- دیده مجنونی..... ۸۹
- ۲۸۰- محتاجیم ۹۰
- ۲۸۱- ادرکنی! ۹۰
- ۲۸۲- انس از او ۹۰
- ۲۸۳- حبّ یار ۹۱
- ۲۸۴- بذل روح ۹۱
- ۲۸۵- جمال یار ۹۱
- ۲۸۶- اغیار ۹۱
- ۲۸۷- قلب خالی ۹۲
- ۲۸۸- جلوه کن ۹۲
- ۲۸۹- طفیل او ۹۲
- ۲۹۰- خسارت بزرگ ۹۳
- ۲۹۱- رخ ماه ۹۳
- ۲۹۲- سپاسگزاری ۹۳
- ۲۹۳- ماه تابان ۹۴
- ۲۹۴- خلوت شب ۹۴
- ۲۹۵- یک محبوب ۹۴
- ۲۹۶- آیینۀ نو ۹۴
- ۲۹۷- سیرت ۹۵
- ۲۹۸- تجزیه ۹۵
- ۲۹۹- شفاعت ۹۵
- ۳۰۰- اکسیر اعظم ۹۶
- ۳۰۱- خیال محبوب ۹۶
- ۳۰۲- مدّعیان ۹۶
- ۳۰۳- فروغ دل ۹۷
- ۳۰۴- تزکیه ۹۷
- ۳۰۵- گمشده ۹۷
- ۳۰۶- تیر عشقت ۹۸
- ۳۰۷- آسیبها ۹۸
- ۳۰۸- مَقْرَبین ۹۹
- ۳۰۹- بهانه ۹۹
- ۳۱۰- حشر با محبوب ۹۹
- ۳۱۱- جلوه‌گر ۱۰۰
- ۳۱۲- صفت ممتاز ۱۰۰
- ۳۱۳- لایق کن ۱۰۰
- ۳۱۴- کوی صلاح ۱۰۰
- ۳۱۵- خزان ۱۰۱
- ۳۱۶- از باب لطف ۱۰۱
- ۳۱۷- آسیب‌پذیری ۱۰۱
- ۳۱۸- معشوق ۱۰۱
- ۳۱۹- صورت حیوانی ۱۰۲
- ۳۲۰- قرعاً دوستی ۱۰۲
- ۳۲۱- ثنای تو ۱۰۲
- ۳۲۲- پروانه ۱۰۳
- ۳۲۳- نیک بختی ۱۰۳
- ۳۲۴- پیوند معنوی ۱۰۳
- ۳۲۵- ازدیاد معرفت ۱۰۴
- ۳۲۶- نور محبّت ۱۰۴
- ۳۲۷- کیفیت عمل ۱۰۴
- ۳۲۸- زیارت دوستان امام (ع) ۱۰۴
- ۳۲۹- منظور محبّت ۱۰۵
- ۳۳۰- قرب حضرت علیه السلام ۱۰۵
- ۳۳۱- طاقت بلاکشی ۱۰۵
- ۳۳۲- بگشاید (دیده) ۱۰۵
- ۳۳۳- زیارت حضرت علیه السلام ۱۰۶
- ۳۳۴- حال محبت ۱۰۶

- ۳۳۵- خوشا ۱۰۶
- ۳۳۶- حشر با محبوب ۱۰۶
- ۳۳۷- آخرین امام ۱۰۷
- ۳۳۸- غایب ز میانہ ۱۰۷
- ۳۳۹- سود دوستی ۱۰۷
- ۳۴۰- محبت حضرت ۱۰۸
- ۳۴۱- لوح ضمیر ۱۰۸
- ۳۴۲- نام مہدی ۱۰۸
- ۳۴۳- مقام محبت ۱۰۸
- ۳۴۴- منزل یار ۱۰۹
- ۳۴۵- پایداران ۱۰۹
- ۳۴۶- معشوق شیعه ۱۰۹
- ۳۴۷- دوستدار مہدی ۱۱۰
- ۳۴۸- علم تقلیدی ۱۱۰
- ۳۴۹- شرب حب ۱۱۰
- ۳۵۰- سنخیت ۱۱۱
- ۳۵۱- عشق می‌ورزند ۱۱۱
- ۳۵۲- دل مؤمنان ۱۱۱
- ۳۵۳- دوستی در سرشت ۱۱۲
- ۳۵۴- دوستی خلیفہات ۱۱۲
- ۳۵۵- دوستی عملی ۱۱۲
- ۳۵۶- حقیقت دوستی ۱۱۳
- ۳۵۷- درک قائم اہل بیت ۱۱۳
- ۳۵۸- ملاقات خدا ۱۱۳
- ۳۵۹- محبت مجازی ۱۱۴
- ۳۶۰- یاد یار غائب ۱۱۴
- ۳۶۱- یار ہمدل ۱۱۴
- ۳۶۲- مظهر رحمت ۱۱۵
- ۳۶۳- اراداً خدا ۱۱۵
- ۳۶۴- گنج مہدوی ۱۱۵
- ۳۶۵- کتمان سر ۱۱۶
- ۳۶۶- عدم اختیار ۱۱۶
- ۳۶۷- بندہ حاجت خواہ ۱۱۷
- ۳۶۸- حیرت ۱۱۷
- ۳۶۹- امتحان خلیل ۱۱۷
- ۳۷۰- دوستی اہل بیت ۱۱۸
- ۳۷۱- سراپردہ ۱۱۸
- ۳۷۲- گریہ دوستی ۱۱۸
- ۳۷۳- دوست نزد دوست ۱۱۹
- ۳۷۴- کنار دوست ۱۱۹
- ۳۷۵- مختص دوستان ۱۱۹
- ۳۷۶- حبیب خدا ۱۲۰
- ۳۷۷- قدر محبت ۱۲۰
- ۳۷۸- خلوت دوست ۱۲۰
- ۳۷۹- محبوب ناظر ۱۲۱
- ۳۸۰- می‌سوزد ۱۲۱
- ۳۸۱- اسم فرزندان ۱۲۱
- ۳۸۲- دعوی محبت ۱۲۲
- ۳۸۳- غایب مباش ۱۲۲
- ۳۸۴- وقت امتحان ۱۲۳
- ۳۸۵- بی‌خبران ۱۲۳
- ۳۸۶- فدا شدن ۱۲۳
- ۳۸۷- دل مردہ ۱۲۴
- ۳۸۸- طبع عاشق ۱۲۴
- ۳۸۹- واژہ محبت ۱۲۴
- ۳۹۰- مستغنی ۱۲۴

- ۳۹۱- نمی میرد ۱۲۵
- ۳۹۲- عشق حسی ۱۲۵
- ۳۹۳- مثمر ثمر ۱۲۵
- ۳۹۴- فروکش ۱۲۵
- ۳۹۵- تزاید ۱۲۶
- ۳۹۶- ناپایدار ۱۲۶
- ۳۹۷- پاکی ۱۲۶
- ۳۹۸- مسجد جمکران ۱۲۶
- ۳۹۹- ثبت نشده ۱۲۷
- ۴۰۰- قنطره ۱۲۷
- ۴۰۱- شعلۀ عشق ۱۲۷
- ۴۰۲- فداکارانه ۱۲۸
- ۴۰۳- تمرین ۱۲۸
- ۴۰۴- جایگاه ۱۲۸
- ۴۰۵- افراطی ۱۲۹
- ۴۰۶- فراتر ۱۲۹
- ۴۰۷- دوطرفه ۱۳۰
- ۴۰۸- زیادی طینت ۱۳۰
- ۴۰۹- بویی نبرده اند ۱۳۰
- ۴۱۰- نه چراغی ۱۳۱
- ۴۱۱- وسط راه ۱۳۱
- ۴۱۲- مجذوب ۱۳۱
- ۴۱۳- ناسنجیده ۱۳۲
- ۴۱۴- ذلیل مجاز ۱۳۲
- ۴۱۵- نور دوستی ۱۳۲
- ۴۱۶- مراقبت ۱۳۳
- ۴۱۷- قصه دراز ۱۳۳
- ۴۱۸- شور و شعله ۱۳۳
- ۴۱۹- خاموشی ۱۳۴
- ۴۲۰- عنایت محبتانه ۱۳۴
- ۴۲۱- حریم محبوب ۱۳۴
- ۴۲۲- سر ۱۳۵
- ۴۲۳- اخفاء محبت ۱۳۵
- ۴۲۴- نیت خالص ۱۳۵
- ۴۲۵- تعلیم و تعلّم ۱۳۵
- ۴۲۶- میل ۱۳۶
- ۴۲۷- شناخت امام ۱۳۶
- ۴۲۸- نوشیدن ۱۳۶
- ۴۲۹- صفای قلب ۱۳۷
- ۴۳۰- طبعی ۱۳۷
- ۴۳۱- سرعت بخشی ۱۳۷
- ۴۳۲- نگهداری ۱۳۸
- ۴۳۳- حمایت ۱۳۸
- ۴۳۴- ثبات در دوستی ۱۳۸
- ۴۳۵- چه وقت؟ ۱۳۹
- ۴۳۶- بُعد و قرب ۱۳۹
- ۴۳۷- مودت ۱۴۰
- ۴۳۸- حسرت ۱۴۰
- ۴۳۹- آموختنی نیست ۱۴۰
- ۴۴۰- دام ۱۴۱
- ۴۴۱- معشوق مطلق ۱۴۱
- ۴۴۲- دامن آلوده ۱۴۱
- ۴۴۳- زیاد خواهی محبت ۱۴۲
- ۴۴۴- تعدیل ۱۴۲
- ۴۴۵- محرم ۱۴۲
- ۴۴۶- ارزشمند ۱۴۳

- ۴۴۷- ہبوط ۱۴۳
- ۴۴۸- خبری نشد ۱۴۳
- ۴۴۹- ممنونم ۱۴۴
- ۴۵۰- احتیاج ۱۴۴
- ۴۵۱- مواہب ۱۴۴
- ۴۵۲- فنای بعد فنا ۱۴۴
- ۴۵۳- کشش ۱۴۵
- ۴۵۴- بہترین دوست ۱۴۵
- ۴۵۵- ہزاران نفر ۱۴۵
- ۴۵۶- دل و عقل ۱۴۵
- ۴۵۷- در دوست ۱۴۶
- ۴۵۸- نائب و منوب ۱۴۶
- ۴۵۹- درخت محبت ۱۴۶
- ۴۶۰- شیفتگی حقیقی ۱۴۶
- ۴۶۱- جان ما ۱۴۷
- ۴۶۲- حشر با محبوب ۱۴۷
- ۴۶۳- حصن یار ۱۴۷
- ۴۶۴- نسیم جان بخش ۱۴۷
- ۴۶۵- دوستی واقعی ۱۴۸
- ۴۶۶- تولّای یار ۱۴۸
- ۴۶۷- طبع خام ۱۴۸
- ۴۶۸- نَقال ۱۴۹
- ۴۶۹- سوق بہ حقیقت ۱۴۹
- ۴۷۰- محافظت کن! ۱۴۹
- ۴۷۱- یار ماست ۱۴۹
- ۴۷۲- خجل باشم ۱۵۰
- ۴۷۳- افزون نمایید ۱۵۰
- ۴۷۴- همانند آفتاب ۱۵۰
- ۴۷۵- شراب موَدّت ۱۵۱
- ۴۷۶- برآوردنہ نیاز ۱۵۱
- ۴۷۷- بوی تو ۱۵۱
- ۴۷۸- خریدار موَدّت ۱۵۱
- ۴۷۹- چراغ مہدوی ۱۵۲
- ۴۸۰- التجاء ۱۵۲
- ۴۸۱- بی قراری ۱۵۲
- ۴۸۲- نور مطلق ۱۵۲
- ۴۸۳- ہمت ۱۵۲
- ۴۸۴- تولّای ما ۱۵۳
- ۴۸۵- عاشق حال خود ۱۵۳
- ۴۸۶- یک نگاہی ۱۵۳
- ۴۸۷- شاخہ تر و خشکیدہ ۱۵۳
- ۴۸۸- بہانہ ۱۵۴
- ۴۸۹- نکتہ ہا ۱۵۴
- ۴۹۰- فیض خاص ۱۵۴
- ۴۹۱- بہ خاطر تو ۱۵۴
- ۴۹۲- صید چشمان ۱۵۵
- ۴۹۳- محافظہ کاری ۱۵۵
- ۴۹۴- مگردان ۱۵۵
- ۴۹۵- جاودانہ ۱۵۵
- ۴۹۶- دل خوشی ۱۵۶
- ۴۹۷- مہمانی ۱۵۶
- ۴۹۸- عذرخواہی ۱۵۶
- ۴۹۹- بزم عشاق ۱۵۶
- ۵۰۰- عاجزانہ ۱۵۷
- ۵۰۱- الہام ۱۵۷
- ۵۰۲- دل ہای شیفتہ ۱۵۷

- ۵۰۳- عقل جزئی..... ۱۵۷
- ۵۰۴- به اندازه خودم..... ۱۵۸
- ۵۰۵- مؤثر کن..... ۱۵۸
- ۵۰۶- سیال..... ۱۵۸
- ۵۰۷- مزه دوستی..... ۱۵۸
- ۵۰۸- روح مترصد..... ۱۵۹
- ۵۰۹- عاشق کن!..... ۱۵۹
- ۵۱۰- یاری کن!..... ۱۵۹
- ۵۱۱- عمرها..... ۱۵۹
- ۵۱۲- درخواست..... ۱۶۰
- ۵۱۳- وسواس..... ۱۶۰
- ۵۱۴- به کرمیت خواهمت..... ۱۶۰
- ۵۱۵- نگارستان..... ۱۶۰
- ۵۱۶- حجاب اکبر..... ۱۶۱
- ۵۱۷- تماشای محبوب..... ۱۶۱
- ۵۱۸- کشته گردم..... ۱۶۱
- ۵۱۹- پرتو جمال..... ۱۶۱
- ۵۲۰- به فریادم برس!..... ۱۶۲
- ۵۲۱- نسوختن دل..... ۱۶۲
- ۵۲۲- تناسب نیست..... ۱۶۲
- ۵۲۳- بمیران!..... ۱۶۲
- ۵۲۴- جلوه..... ۱۶۳
- ۵۲۵- فاصله..... ۱۶۳
- ۵۲۶- تسکین..... ۱۶۳
- ۵۲۷- نجوا..... ۱۶۳
- ۵۲۸- واقعی باشد..... ۱۶۴
- ۵۲۹- سائل..... ۱۶۴
- ۵۳۰- ریشه دوانده..... ۱۶۴
- ۵۳۱- التفات..... ۱۶۵
- ۵۳۲- پناه می‌برم..... ۱۶۵
- ۵۳۳- افکندی..... ۱۶۵
- ۵۳۴- شفابخش..... ۱۶۵
- ۵۳۵- دل‌تنگی..... ۱۶۶
- ۵۳۶- فغان..... ۱۶۶
- ۵۳۷- قلب نسوخته..... ۱۶۶
- ۵۳۸- ثواب کارها..... ۱۶۶
- ۵۳۹- عقل عاجز است..... ۱۶۶
- ۵۴۰- گردنه‌ها..... ۱۶۷
- ۵۴۱- سرخوشم..... ۱۶۷
- ۵۴۲- سبب دور شدن..... ۱۶۷
- ۵۴۳- خودبینی..... ۱۶۸
- ۵۴۴- چشیده باشند..... ۱۶۸
- ۵۴۵- مهار نفس..... ۱۶۸

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

با عنایت حضرت محبوب عالم چون از تحریر و چاپ کتاب چهارجلدی به نام وظایف شیعیان در زمان غیبت کبری فارغ شدم، توفیق مهدوی شامل حال این فقیر گردید، تا مطالبی در موضوع محبت و مودت و عشق حضرت مهدی علیه السلام را به تحریر درآورم؛ پس با این موضوع (محبت امام زمان علیه السلام) ابتدا در فضای مجازی در برنامه‌های پیام‌رسان اجتماعی معمول یادداشت‌ها را درج نمودم و در حال حاضر بارگذاری مداوم آن مطالب ادامه دارد، و در مرحله بعد چاپ آن در دست اقدام می‌باشد. تبیین این موضوع، یکی به خاطر نیاز شیعیان امام عصر (عج) بوده، و دیگر آنکه در این باره به تفصیل کاری انجام نشده بود و اگر هم کتابی طبع شده بود، کوتاه و مختصر بوده و همه فروع و جزئیات عشق مهدوی (ع) را درج نکرده بودند. ما هم ادعا نداریم، که حق این موضوع را تماماً ادا کرده باشیم، ولی از باب این مثل که:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

مطالبی نوشته شد و می‌شود؛ امید است این مطالب در راستای ترویج فرهنگ مهدویت و جاری شدن مهر حضرت قائم علیه السلام در دل‌های شیعیان نافع افتد و حضرتش هم به لطف و کرمش این اکسیر اعظم را به همه دوستانش و این حقیر عطا بفرماید.

سید علی اکبر صداقت

خرداد ۱۳۹۸

۱- کتاب عشق

کتاب عشق با نام تو باز است

دو چشمت قبله راز و نیاز است

۲- با دل

با دل باید امام زمان **علیه السلام** را دوست داشت نه با زبان خشک و خالی و بدون کیفیت.

۳- درخشیدن

دوستی حضرت نوری است که اگر کسی لایق و طالب آن باشد به او بتابد، درخشیدن گیرد.

۴- تشکر

امام را به خاطر نعمت‌ها و تفضلاتی که به ما کرده است، دوست بداریم و تشکر از صاحب منعم و معطی، دوستی‌آور است.

۵- ازدیاد حبّ

کاری کنیم که او را محبوب شیعیانش کنیم تا پیروان، او را دوست بدارند و در نتیجه آثار این عمل هم در ازدیاد حبّ ما تأثیر دارد؛ اگر حضرت ما را به نحو خاص تکریم کند به دوستی او مشغول می‌شویم و این تفضّل نمی‌شود مگر به نیاز و استمداد و خواهش ما از او.

۶- اخلاق نیکو

دارنده اخلاق نیکو، که زینت برای امام عصر علیه السلام باشد موردنظر حضرت و محبوب می‌گردد.

۷- رغبت

اگر با میل و رغبت کارهایی را که موردپسند حضرت است انجام دهیم، ان شاءالله به لطف او مورد محبتش قرار می‌گیریم.

۸- میل

هر چه میل ما به غیر حضرت کم شود به همان اندازه محبت ما به او زیاد می‌گردد.

۹- دیدار دوستان

رفتن به دیدن دوستان امام عصر **علیه السلام** سبب فزونی حب می‌گردد؛ چراکه دوستان او بویی از جنابش دارند و ملاقات با آنان رایحه را معطر می‌کند.

۱۰- عیادت

عیادت کردن مریضانی که محب و شیعه حضرت بقیةالله هستند، سبب بیشتر شدن محبت به او می‌شود.

۱۱- دوری از خلاف کاران

یکی از ابزار طلب دوستی حضرت حجت این است که با معصیت کاران و کسانی که دل امام را به درد می‌آورند، ارتباط نداشته باشیم و کارهای خلاف آنان را مبعوض بداریم.

۱۲- زهد

چون پیرو امام زهد واقعی در دنیا بورزد، موجب لطف او می‌گردد و کم‌کم عدم زهد به دنیا سبب ازدیاد حب به امام عصر علیه‌السلام را فراهم می‌کند.

۱۳- بغض دنیا

هرگاه خواستی امام تو را دوست بدارد، باید دل را از تعلقات دنیوی خالی کنی و به عبارت دیگر دنیادوستی را مبعوض بداری.

۱۴- حلم

وقتی کسی غضب می‌کند، در وقت خشم امام را انگار جلوی چشمش مجسم کند که دارد او را می‌بیند، پس حلم می‌ورزد، امید می‌رود که دوستی او بر این محبت تفضل شود.

۱۵- شناخت

به هر اندازه که حضرت قائم علیه‌السلام را بشناسیم به همان اندازه او را دوست می‌داریم البته اگر به معرفت و لوازم آن آسیب نرسد.

۱۶- ازدیاد یاد

بدان ای عزیز که با زیاد یاد کردن امام البته با توجه، مورد لطف او قرار می‌گیری و این رمزی است که عشاق واقعی بدان رسیده‌اند.

۱۷- ترک حبّ ذات

چون خود دوستی و حب ذات با مجاهدت و توسل کم شود، به همان نسبت دوستی حضرت محبوب در دل بیشتر می‌گردد.

۱۸- حیا

هر چه محب، پوشش حیای درون و بیرونش بر او غالب باشد، در منظرگاه و تیررس عنایت امام خود قرار می‌گیرد.

۱۹- بخشنده

چون امام بخشنده مطلق است، پس محب او که این صفت را تماماً دارا باشد ان شاء الله مورد توجه امامش می‌گردد.

۲۰- رفیق

حضرت حجت صفت رفیق و ملائمت را دوست می‌دارد، پس ما با دوستان او رفیق شویم و در امور زندگی با آنان با ملائمت برخورد کنیم، تا به خاطر این سیره، الطاف مهدوی شامل حال ما گردد.

۲۱- سوره طه

امام صادق (ع) فرمود: «خواندن سوره طه را ترک مکنید که خداوند آن را و هر که آن را بخواند دوست دارد.» (ثواب الاعمال، ص ۱۳۴) پس پیرو صاحب الامر، آن را به قصد دوستی بخواند و ثواب آن را هدیه به حضرتش نماید، چون امام مغیث است دادخواهان به خود را دوست دارد که او را می‌خوانند و تنها به او پناه می‌برند.

۲۲- ایثار

صفت امام ایثار است (حشر: ۹) پس ایثارگران واقعی، مورد عنایت قرار می‌گیرند و هر که مورد عنایت قرار گیرد نامش در دفتر دوستداران ثبت می‌شود.

۲۳- آسان گیر

هر کس که زبردست انسان است از رعیت و شاگرد و کارگر و امثال این‌ها، چون ضعیف و محتاج‌اند راحت گیرد (آسان گیرد)، امید است آن کس در زمرهٔ محبتین امام عصر **علیه السلام** قرار گیرد.

۲۴- سخاوتمند

امیرالمؤمنین **علیه السلام** فرمود: «خداوند هر شخصی را که دستانش باز و گشاده (سخاوتمند) و در دین استوار باشد دوست دارد.» (غررالحکم، ح ۱۰۷۸) وقتی خداوند سخاوتمندان را دوست داشته باشد حضرت حجت هم آن‌ها را دوست می‌دارد. از صفات ممتاز در دنیا و آخرت، یکی خوش‌اخلاقی و دیگری سخاوت (انفاق وجود) است که صاحبش هر کس باشد مورد توجه حقانی قرار می‌گیرد.

۲۵- حق‌گویی

گفتن حرف حق و صدق شیعه را حق‌گو می‌کند، همان‌طوری که امامش ناطق به حق است، پس راستی و کلمات به حق، دوستی را به بار می‌آورد.

۲۶- فرایض

انجام فرایض واجب‌الاجراء است و هر پیروی دستورات مولایش صاحب‌الزمان را اجرا کند، مورد خوشحالی امام می‌گردد و بر اثر تداوم این کار رشتهٔ دوستی مولا و بنده فزونی می‌یابد.

۲۷- کم‌گویی، کم‌خوری و کم‌خوابی

همان‌طور که خداوند کم‌گو و کم‌خور و کم‌خواب را دوست می‌دارد، (تنبيه الخواطر، ح ۱۱۰۱) حضرت محبوب عالم هم شیعه‌ای را که دارای این سه صفت باشد دوست دارد.

۲۸- گدای او

من گدایم، گدای رحمت او تشنه‌ام تشنه‌ محبت او
آن‌که گدای حضرت محبوب است در واقع غنی است و آن‌کس که
به عشق او مبتلا شده آن را بلا نمی‌دانیم.

۲۹- کرم

محب او، به کرمش می‌نگرد و دوست دارد از لطف و نگاهش
مسرور می‌شود. بی‌فروغ رخس، غم دل‌چسب را می‌گیرد که به سر
رساندن شب‌های تار بی‌تابش ممکن نخواهد بود.

۳۰- بازار عشق

بازار عشق بی تو تهی شد ز مشتری
بیهوده خلق جانب بازار می‌روند

۳۱- انتظار

محب تا به درگاه محبوب عالم در هجران است، همچو نی در نوای
است و رسیدن به او بی‌انتظار ممکن نخواهد شد.

۳۲- حسرت

چون جمال دل‌آرای محبوب آشکار نمی‌شود، لذا محب پر و بالی ندارد و در حسرت به سر می‌برد و در صف دیدار روی ماهش نشسته تا شاید جمال آشکار شود.

۳۳- غم روی غم

حضرت محبوب بسیار نشانه دارد، اما محب ضعیف در غم‌خانه گیر کرده و نشان خاص نمی‌یابد و جلوه‌اش را درک نمی‌کند و به مرادش نمی‌رسد و غم روی غم، حسرت روی حسرت افزون می‌گردد.

۳۴- قهقرا

عاشق در زندان غم معشوق عالم اسیر و گرفتار است. وای از وقتی که عاشق از عشق به او ببرد و به قهقرا برود و به جدایی مطلق بیفتد.

۳۵- عاشق روی

همه خوبان جهان عاشق روی تو اند
عاشق روی تو و سائل کوی تو اند

۳۶- نظری کن

محب زبان قال و حالش این است ای محبوب، از تو خبری به من نرسیده، مگر نمی‌دانی که من ضعیفم، پس بر حال من نظری کن.

۳۷- عید

عید دوستدار، وقتی است که چشمش به جمال محبوبش بیفتد، پس آن وقت همه ثانیه‌ها و دقیقه‌ها و روزها و شب‌ها برای او عید است.

۳۸- نام‌گذاری

از نشانه‌های دوستی به حضرت بقیة الله علیه السلام نام‌گذاری فرزندان پسر به القاب حضرتش می‌باشد مانند قائم، حجت، مهدی، محمد، صاحب و

۳۹- وصال

از بهترین خاطره‌ها آن است که به محضر مبارک حضرت محبوب رسید، که آن را نه به زبان نه به قلم وصف نتوان کرد.

۴۰- درهای بسته

ای مهدی جان! می‌خواهم تو را دوست بدارم، اما گره کور به کارهایم خورده و درها بسته شده و کارم فرو بسته شد، به حق هر آن کس که دوستش داری به من وامانده نظری از محبتت بینداز.

۴۱- مهر تو

ای مهر تو ممکن به همه واجب و لازم باشد به خدا خیمه عالم به تو قائم

۴۲- بذر محبت

کاش محبت تخم و بذری داشت و آن را شیعه می‌کاشت و می‌خورد
آن وقت محب واقعی می‌شد.

۴۳- مرهم

دل مجروح مرهم می‌خواهد، دلمان از دنیادوستی مجروح است و
مرهمی جز بذر محبت حضرت محبوب آن را مداوا نمی‌کند.

۴۴- زمستان

یابن الحسن چون از ساحت مقدّست دورم، بهارم زمستان است و
نشاطی در قلبم نیست و اشکم هم اگرچه می‌آید، ولی به خاطر
کارهایم کارساز نیست یا غایة آمال المحبین.

۴۵- نگاه محبتی

ما اسیر احسان و کرم توایم و بهترین عیدی برایمان نگاه محبتی
توست که نصیبمان شود.

۴۶- سائل کوی تو

من که عاشق تو نیستم و ادعایی ندارم ولی سائل کوی و تشنه
محبت هستم؛ آیا سائل را جز معطی ترحم می‌کند؟!

۴۷- حاضر دائم

غایب ز نظر هستی و هم حاضر دائم
در ابر نهران مهر جان تاب تویی تو

۴۸- شعاع مهر

ای کوکب رحمت و ای نکومنظر، قلب بدون حُبّ تو قلب نیست،
بتاب و برافکن پرده از سیمای دلربایت تا شعاع مهر تو قلبم را منور
کند و تخم عشقت را بکارد.

۴۹- دست آویز

چگونه کوه گناهم ز پا دراندازد
مرا که رشته مهر تو دست آویز است

۵۰- پیر شدم

ای سایه لطف الله، ای پناه بی پناهان! عمری را در دنیادوستی صرف
کردم، حال پیر و متنّبّه شدم که عمرم به خسران گذشت، پس حال
که کلبه قلبم احزان شده و احتیاج مبرم به لطف و محبت تو دارد،
قدمی بر این کلبه احزان بگذار تا شب تاریک دل روشن گردد و لب
خاموش ما به یادت گویا گردد.

۵۱- بنده بی بضاعت

اگر ادعا کنم که نوکرت هستم، لاف می زنم، اگر بگویم شیعه تو هستم،
ادعای بدون مایه است. اگر به زبان محبّ توام شاید! پس به حق
مولا امیرالمؤمنین علیه السلام، در این ورطه ای که رفتم و بیراه بوده،
قسم می دهم از پشت ابر نهران مهر جان تاب خود را شامل این بنده
بی بضاعت کن تا محبّت از لسان تو به قلبم سرایت کند.

۵۲- عنایت

گرچه مهرت بر همه لازم و واجب است، ولی این مهر به عنایت است؛ کسی که مخدوم باشد بی‌عنایت راه به جایی نمی‌برد، پس این فقیر درگاهت را به عنایتی از مهرت مشعوف بدار.

۵۳- آتش عشق

آتش عشق تو در سینه نهفتن تا کی
همه شب از هجر نخفتن تا کی

۵۴- ذره‌ای

می‌خواستم عاشقت شوم، اما دل از صحت اغیار ملول شد و امواج
فتنه‌ها از هر طرفی ما را گرفت و در کشتی شکسته، نشسته و به
حال غرقاب افتاده‌ایم؛ پس ای امام منتظر! اگر ذره‌ای از دوستی‌ات
داشتم با اغیار نمی‌نشستم و کشتی‌ام نمی‌شکست.

۵۵- هستی مجازی

گفت از وجود تو همه وجود یافتند، از هستی تو همه هست پیدا
کرده‌اند، حال این وجود و هستی مجازی‌ام چنان مرا احاطه کرده
که از دوستی‌ات فاصله گرفتم و خیال می‌کنم وجود حقیقی مستقل
دارم. پس ای نازنین من از فاضل طینت (زیادی سرشت) شما خلق
شده‌ام، این بودم را به دام محبت گرفتار کن تا بدانم و بفهمم که
همه هر چه بود از توست.

۵۶- نگاهت

مرده شود زنده ز یک فیض نگاهت

شاهان نظری کن ز کرم سوی محبتان

۵۷- دریاب

یا بقیة الله فی الارضین! روزها و هفته‌ها و ماه‌ها و سال‌ها گذشت و غروب شد و از طلوع و خروج و قیام و ظهورت خبری نشد، عمرها گذشت از وصل و از دیدارت خبری نشد، پس به حق دوستان خاص الخاصت که اوتاد و ابدال‌اند، «گاه‌گاهی به نگاهی دل ما را دریاب»

۵۸- نه برای تو

ای عزیز! غم و اندوهم برای خودم است نه برای تو. انتظار جمعه می‌برم برای خودم نه برای تو. چشمان به خشک‌سالی افتاده، بغض گلویم را نه برای تو، بلکه برای کاستی‌ها و ضعف‌ها و نقص‌های شخصی خودم و زندگی‌ام گرفته است. اگر سی درصد محبت تو را داشتم به این روز نمی‌رسیدم؛ پس التماس می‌کنم که این حقیر سرا پا تقصیر را به محبتی خاص مرهون بفرمایی.

۵۹- بی شراره

به راه عشق تو باید به تاب و تب سوزیم
که بی شراره شدن وصل یار ممکن نیست

۶۰- رشته مهر

یا صاحب‌الزمان! کوه گناهانم مرا از پا انداخته و اندوه و بلا مرا به خود مشغول کرده، اما زبانم از وصف خالی نیست و دل هم از یادت بی‌بهره نیست «مرا رشته مهر تو دست‌آویز است»

۶۱- برای تو

بهترین آمال و آرزوی محب آن است که همه کارهایش برای محبوب باشد که خلاصه‌اش این است «با تو و برای تو» باشد.

۶۲- لذت با تو

محبوب! هر لذتی تمام‌شدنی و زودگذر است مگر لذت با تو، که نشانه بهاری دارد و این برای دوستدار جز با عنایت ممکن نیست؛ هر چه هستیم جیره‌خوار تو هستیم و هر عنایت بهاری از آمدن تو بهاری است.

۶۳- بحر کرامت

مهرش نرود از دل ما، تا به قیامت
سرچشمه جود است و بود بحر کرامت

۶۴- لطف تو

ای آفتاب صبح امید! ما را بیم و تشویش گرفته و ناشکیبایی و گم‌شدن در خطاها ما را احاطه کرده است و قفل بر لبمان زده شد.

۶۵- کلید

لطف تو کلید هر قفلی است؛ لب محب سراپا تقصیر خود را با کلیدت باز کن، تا با بردن نام و فضیلت زمزمه و نجوای محبانه‌ام باز شود.

۶۶- آرزو داریم

ای مهر درخشان! زمان غیبت کبری طولانی شد اما ما لیاقت دیدار پیدا نکردیم، ولی آرزو داریم نظری محبانه به دل مرده ما کنی، تا از فیض نگاهت دل مرده ما زنده شود.

۶۷- عاشق کن!

ای فروغ امید! ما بی تو همانند گله بی چوپانیم؛ با تجلیات همانند خورشید دلمان را با فروغت عاشق کن، تا به تاب و تب بسوزیم البته بدون عنایت از ما کاری ساخته نیست.

۶۸- تخم محبت

از ازل در دل ما تخم محبت کشتند
 نبود بهتر از این مهر گیاهی ما را

۶۹- سینه تنگ

ای قطب جهان! سینه‌مان تنگ است و مجال آه کشیدن ندارد. سیه‌رو شدیم و بنده خوبی برایت نبودیم، چه شود از دولت دوستی‌ات بر این سینه تنگ و رو سیه ما احسانی بفرمایی.

۷۰- آینه ناز

ای مظهر الطاف خدا! گر چه لایق نیستیم و کاری برایت نکردیم؛ همیشه فیض از جانب شماست و شما از بس کریمی به بدی ما نمی‌نگری. از گدایت ناز کشیدی با اینکه وجودت همه آینه ناز است. مرا اسیر محبت خود بگردان.

۷۱- وصل یار

میان واژه‌ها تنها تو را می‌خواهم ای مولا
گناه عاشق این باشد که وصل یار می‌خواهد

۷۲- آتش محبت

ای نیرِ اعظم! غم تو از غم ماست. ببخش از کارهایمان که سبب غم
تو می‌شویم؛ اگر به باغ دلمان آتش محبت بیفکنی مطلوب‌ترین
میوه آن، ناله‌های عاشقانه و سوز و گداز و نجوای محبانه می‌شود،
پس ما را به عنایت مرهون این سوز دوستی بفرما.

۷۳- شرمندگی

یا حجت قائم! به خاطر اعمالم دوستی‌ام به شما کم‌رنگ است و این
سبب شرمندگی من از شماست. صفت شما سحیت و کرم است و
عادت شما احسان کردن است، پس دوستی‌ام به شما را پر رنگ
بفرما که با این ذره‌ای از دریای احسان شما کاسته نمی‌گردد.

۷۴- مهر تو

در رهت دیده گریان همه
مهر تو مایه ایمان همه

۷۵- حقوق امام

اسبابی که در ازدیاد محبت به حضرت تأثیرگذار است به جا آوردن
حقوق اوست. چون حقی از او جامه عمل می‌پوشد، خودبه‌خود
موجب سرور او نسبت به کارگزار می‌شود و این رمزی است که
قابل انکار نیست.

۷۶- سحر

از اوقاتی که برای راز و نیاز و مناجات با حضرت مفید است موقع سحر است که نفس استراحت کرده و سر و صدایی نیست و نجوا کردن و توجه به ساحت مقدسش نافع است. پس ای شیعه از این زمان غافل مباش و آن را غنیمت بشمار.

۷۷- سبب تقرب

بدان! هر چیزی از خوبی‌ها و حسنات برای خودت می‌پسندی و انتخاب می‌کنی و دوست می‌داری، اول آن را برای حضرت قائم انجام بده و دوست بدار که سبب تقرب تو می‌گردد.

۷۸- نالان

ز هجرت دوستانت دیده گریان تمام عاشقانت زار و نالان

۷۹- صدقه

از ابزار محبوب شدن نزد امام، صدقه دادن برای او آن هم خالص و مخفی، بسیار مطلوب است.

۸۰- صله رحم

شیعه نباید ارتباط با امامش را قطع کند اگر از صله استفاده کند مانند صله رحم خویشاوندان، آن می‌تواند مقدمه‌ای برای فزونی ارتباط و صله با حضرت گردد.

۸۱- سپاس‌گزاری

سپاس‌گزاری از حضرت مهدی علیه‌السلام و از الطاف و احسان او سبب می‌گردد که شاکر مشمول رحمت و اسعهاش شود و در زمرهٔ دوستانش قرار گیرد.

۸۲- دست دعا

بیا بردار ای محبوب یزدان به درگاه خدا دست دعا را

۸۳- تقوا

جای شکی نیست که تقوا و پرهیزگاری، انسان را دوست امامش قرار می‌دهد و سفارش اکید همهٔ بزرگان در طول تاریخ همین موضوع بسیار مهم بوده است.

۸۴- درخواست

نکند به ذهنت بیاید که اگر از امامت چیزی درخواست می‌کنی عیب است، چراکه وظیفهٔ دانی به عالی همین است که توفیق درخواست به صواب از حضرت دوست صادر شود و تو را موفق به خواهش و تمنا و درخواست از او نماید.

۸۵- نان‌خور امام

خداوند به ما توفیق دهد به پیروان و امت حضرت حجت سود و نفع برسانیم که همه نان‌خور اویند و سر سفرهٔ او ارتزاق می‌کنند. پس نفع به عیال (نان‌خور) امام رساندن، گویای دوستی شخص، به او می‌باشد.

۸۶- چه شود

اگر ای مه ز ره مهر بیایی چه شود
نظری جانب عشاق نمایی چه شود

۸۷- توفیق

ای شیعه! چون عمل هر کار خیر و نیکی به تو توفیق داده شد، آن عمل را محبوب تو می‌کند و این محبوب داشتن کار نیک از فیض محبتانه حضرت دوست می‌باشد. فکر نکنی خودت آن را مستقلاً انجام می‌دهی و بدون عنایت موفق می‌شوی.

۸۸- استمداد

ترک معصیت و تخلیه از رذایل با اراده قوی و همت عالی انجام می‌گیرد. «دیو چو بیرون رود فرشته درآید» از حضرتش برای این مسئله بسیار مهم استمداد لازم است. چون از فیوضات محبانه‌اش، فیض به درخواست کننده رسید، کم‌کم معصیت جای خود را رها می‌کند و فرشته دوستی پیام دوست را می‌آورد.

۸۹- بیوسم

کاشکی باد صبا باشم که ره یابم به کویش
تا از آن محبوب موی عنبر آسا را بیوسم

۹۰- مددی

ما گرفتار توئیم یابن الزهراء مددی
عاشق زار توئیم یابن الزهراء مددی

۹۱- اسباب امام دوستی

احادیثی در باب «اسباب خدادوستی» وارد شده که عبارت‌اند از :
 اخلاق خوب، رغبت به آنچه نزد خداست، دوستی برادران دینی،
 بغض در راه خدا، زهد در دنیا، دشمن دنیا بودن، فرو بردن خشم،
 معرفت ذکر، تقوی، حلم، سخاوت، غیرت، رفق، قرائت قرآن، اغاثه
 دادخواهان، ایثار، آسان‌گیری، دست‌گشاده و دین‌دار، قول حق،
 اعتدال در نفقه، رخصت دادن، نماز اول وقت، کم گفتن، کم
 خوابیدن، کم خوردن، قیام به حق، تواضع، احسان، ازدواج،
 سحرخیزی، صدقه، ترک شهوت، صبر بر اذیت همسایه، وضو، نماز،
 صلہ رحم، سپاس‌گزاری، عفو، فرو بردن خشم، ترس از خدا، ذکر مرگ،
 درخواست، نفع رساندن به خلق، کار نیک، ترک معصیت (در سایه
 محبت ص ۱۵-۷ از نگارنده). پس تمام این‌ها را دوستدار حضرت
 انجام دهد، انگار برای دوست ورزیدن نسبت به امام زمان
 علیه‌السلام اثر وافی دارد.

۹۲- شب فراق

زحد گذشت صبوری چه شد دگر یا رب
 شب فراق محبان به سر نمی‌آید

۹۳- قربانت

ای کوثر ولایت همه ما فدایت! ای شمع بزم هستی جانمان قربانت!
 مهرت از دلمان بیرون نمی‌رود چراکه لطف‌هایت در طول زندگی‌مان
 ماندنی بوده و خاطره‌ها از بین نمی‌رود.

۹۴- خانه اوست

معشوق اگر پا در سرای عاشق بنهد لذتی وصف ناشدنی دارد. چون منظر چشم عاشق خانه اوست.

۹۵- لب محب

لب محب از جام محبوب زنده گردد، همین طور که دل محب به نام او زنده گردد.

۹۶- محبت دوطرفه

محبت یک طرفه رنج و غم است. محب بدون محبوب در قبض کامل به سر می برد، پس ای اختر یگانه، ای یار نازنین، مرا از دوستی ات محروم منما.

۹۷- سروران

محمل بدار ای ساربان تندی مکن با کاروان
کز عشق آن سرو روان گویی روانم می رود

۹۸- چشم به راه

ای مهرورز! اگر به نگاهی ما را بنوازی چقدر خوش تر است. محب دنبال و تشنه گوشه چشمی از شماست، گرچه دل غبارآلوده داریم و از درگاہت به دوریم ولی چشم به راه نوازش محبتی از تو هستیم.

۹۹- حیرانیم

ما آن قدر ضعیفیم که توان جستجوی پیدا کردن تو را ای محبوب نداریم و در کار خود حیرانیم؛ اگر محب واقعی بودیم روزنه ای برای

یافتنت به دست می‌آمد، ولیکن محب بیچاره چطور به سویت قدم بردارد تا بتواند گلی از گلشن زیباییت بچیند.

۱۰۰- وصل یار

گناه عاشق این است که وصل یار را می‌خواهد. من مهرت را که مایه ایمن من است دارم، اما کلبه تاریکم جلوه می‌خواهد شما عنایت نما به این خواهان وصلت که رشته مهرت گسسته نگردد و من دچار هجران مطلق نشوم.

۱۰۱- دل آرا

ذره منم، مهر دل آرا تویی قطره ناچیزم و دریا تویی

۱۰۲- آستان تو

ای بقیه‌الله! ای بهترین محبوب! درست است که خطاکارم، اما از آستان تو به جایی نمی‌روم؛ من تو را نمی‌بینم اما تو ما را می‌بینی. محب چشم‌داشت به درگاه محبوب دارد، چه آستانی از آستان تو بهتر؟!

۱۰۳- دام مهرت

ای بهار باغ ولایت! روزها شب شود و شب‌ها روز، اما من امیدم به فروغ مهرت می‌باشد. راهی به جز تو نیست و هر دری بر روی ما بسته است، پس این سائل را از عطر و بویت معطر نما، تا شب و روز در دام مهرت گرفتار شود.

۱۰۴- خریدارانت

ای یوسف فاطمه! گرچه خریدار توایم و بر سر بازار تو هستیم اما زری نداریم تا نام خریدار بر ما بنهند، ما همانند آن پیرزن که با کلاف نخی خریدار یوسف بود، با بی‌بضاعتی منتظریم تا شاید نام ما را در زمرهٔ خریدارانت بنویسند.

۱۰۵- نهفته

عشقت نهفته در دلم مهتر سرشته با گلم
کی می‌شود حل مشکلم یا بن الحسن یا بن الحسن

۱۰۶- خود دوستی

رمزی است دقیق بر منتظران حضرت و آن این است که دوستی امام را بر خود دوستی باید مقدم داشت؛ چه آنکه حب ذات همان خود دوستی است و محبّت از این صفت باید خود را رها کند تا به دوستی امام برسد.

۱۰۷- امام دوستی

بعضی به جایی رسیدند که امام دوستی را به میراث بردند و لطف حضرتش سبب روشنایی آنان گردیده و دلشان از محبّت او خالی نشده است.

۱۰۸- لذت بخش

بدان آن کس که عاشق امام زمان علیه السلام است خستگی در راه، او را بی حال نمی‌کند و به اعتراض کردن نمی‌افتد؛ چون خستگی در

راه محبوب، شیرین و لذت‌بخش است، و کسی این را درک می‌کند که این وادی را چشیده باشد.

۱۰۹- خدا کند

نماز خالص عشقی رجاء منتظرانی
زلال چشمه ایمان خدا کند که بیایی

۱۱۰- نشانه دوستداران حضرت مهدی علیه السلام

احادیثی در باب «نشانه دوستداران خدا» وارد شده که عبارت‌اند از: خستگی ندارند، نیکی به نیکان را دوست دارند، دوستی اهل بیت، مناجات شبانه، انس به خدا، دوستی ذکر حق، دین‌داری، علم، آخرت، ایمان، دوری از دنیا، بلا، سخاوت، شجاعت، طاعت را کوچک شمردن، نماز، برتری آخرت بر دنیا، عبادت به خاطر دوستی و... (در سایه محبت، ص ۱۷-۲۱ اثر نگارنده) پس تمام این‌ها را دوستدار حضرت انجام دهد، انگار برای دوستی ورزیدن نسبت به امام زمان علیه السلام، اثر وافی خواهد داشت.

۱۱۱- به سان درخت

بدان که محبت، گرچه امری پوشیده و مخفی است و فعلی باطنی و قلبی، ولی آثار و دلایل آشکار و شاخه‌های بسیار دارد. محبت به سان درخت پر برگ و باری است که بر شاخه‌هایش گل‌های رنگارنگ نشسته. بعضی از آثار آن در زیان و بعضی در اعضاء و جوارح انسان آشکار می‌گردد.

همان‌طور که نمی‌توان درخت را از بروز دادن گل‌هایش منع کرد، نشاید که صاحب محبت را از اظهار آثار آن جلو گرفت. همان‌طور

که درخت هرچه بیشتر رشد کند و پرورش یابد، گل‌ها و شکوفه‌هایش فزون‌تر می‌شود؛ همچنین هرچه محبت نیرومند گردد، آثار و نشانه‌های آن بیشتر می‌شود (مکیال مکارم ۱/۳۶۵) این گفته دربارهٔ دوستان حضرت مهدی صدق می‌کند، که هرچه رشتهٔ دوستی‌شان بیشتر شود، با دوام‌تر و محکم‌تر خواهد شد.

۱۱۲- دل من

خاک من گِل شود و گُل شکفد از گِل من
تا ابد مهر تو بیرون نرود از دل من

۱۱۳- بگشا

بی رخت بسته به روی همه درهای امید
بگشا بر رخ احباب دری از رحمت خویش

۱۱۴- زلال‌تر

دل بندگان و شیعه، ظرف و جام می‌مهدوی است؛ هر کدام پاک‌تر و زلال‌تر باشد، شراب محبت بیشتر نصیبش شود. حضرت مهدی به ظواهر افراد نمی‌نگرد، بلکه به دلی که آماده و از کینه و هوی و هوس به دور باشد می‌نگرد. به هر کس به اندازهٔ ظرف وجودی، شراب محبت داده می‌شود، پس باید کوشید که ظرف دل صاف‌تر شود تا لایق نوشیدن گردد.

۱۱۵- وصف عشق

وصف عشق چیزی نیست که بتوان به قلم آورد تا دیگران بفهمند.
چون قلم در وصف این حالت رسید

هم قلم بشکست و هم کاغذ درید (مثنوی)
 ای عزیز! عشق امام را دنبال کن که در دو سرا باقی است.
 عشق آن زنده بگزين کو باقی است
 وز شراب جان فزایت ساقی است (مثنوی)
 ای خضر راه گمشدگان در مسیر عشق
 چشم انتظار، هر چه نشستم نیامدی

۱۱۶- محبت

خواجه عبدالله انصاری (متوفی ۴۸۱ هـ ق) گوید: «محبت علاقه‌ای است قلبی بین همت و انس که میان عبد و معبود است. محبت موجب می‌شود که عبد بذل کند آنچه در دست اوست و منع کند از اینکه غیر محبوب جایگزین محبوب گردد. محبت اولین وادی از اودیه فناست. اولین چیزی که در این وادی از سالک سلب می‌گردد علاقه به غیر است. عقبه‌ای است که سالک از آن گذشته باشد به منازل محو می‌رسد.» (منازل السائرین) حال ای دوستدار حضرت قائم! ما در این وادی محبت حضرتش، علاقه غیر محبوب، جایگزین محبوب شده است یا نه؟ از دلمان بپرسیم!!

۱۱۷- تمنای همه

ای روی تو مهر عالم‌آرای همه
 وصل تو شب و روز تمنای همه

۱۱۸- همجنس محبوب

ای شیعه! هر محبوبی که انتخاب کنی به همان گرایش و جذب می‌شوی. تو باید همجنس محبوب عالم شوی و شیوه او را برگزینی تا سنخیت پیدا کنی و موردنظر خاص محبت او واقع شوی.

ذره ذره کاندترین ارض و سماست

جنس خود را همچو کاه و کهرباست (مثنوی)

۱۱۹- انصراف

چون همه انسان‌ها بالطبع برای کمال و بقاء خود، خویشان را دوست می‌دارند و حب ذات دارند و این غریزی است و در سرشت‌ها وجود دارد؛ اگر بخواهد محبوبی غیر خود را همانند حضرت حجت بگزیند، باید انصراف از حب ذات پیدا کند تا فانی در امام عصر **علیه السلام** شود و جانش را فدای او کند و الا نمی‌شود.

عاشقان تو جدا و تو جدا می‌گردی

ما به قربان تو گردیم کجا می‌گردی

۱۲۰- به یاد امام

استاد فرمود: شب‌ها وقت خواب به یاد امام زمان **علیه السلام** می‌خوابم و صبح که بیدار می‌شوم سلام عرض می‌کنم و به یادش بیدار می‌شوم و هر روز به فکر اویم و به اندازه خودم برای او دعا و ثنا می‌کنم.

فرمود ما برای خودمان حساب و نمره باز نمی‌کنیم که چه هستیم بلکه فکر ما این است با او باشیم و برای او باشیم.

لازمه این کار این است که از خلق منصرف و خود را از دیگران کوچک‌تر و پائین‌تر می‌دانیم تا ذهنمان به غیر او مشغول نباشد.

۱۲۱- جذب

هر چیزی، چیزی را می‌کشد، کفر کافر را، گرم گرمی را، آهن را آهن را، آب ماهی را، سرد سردی را، نور نور را، ظلمت تاریکی را، پس آن که مجذوب به محبوب عالم باشد به طرف او کشیده می‌شود. اگر ربط و جذب واقعی باشد حتماً می‌رسد؛ اما اگر جذب و کشش مجازی باشد به محبوب نمی‌رسد.

۱۲۲- سوی تو

با آن که روی ماه تو از دیده شد نهران
عشاق را همیشه بود دیده سوی تو

۱۲۳- تعلق قلبی

بدان که عشق به امام زمان **علیه السلام** معنایش این نیست که انسان همه چیز از زن و فرزند و خویشان و کار را رها کند تا به معشوق برسد، بلکه تعلقات قلبی به این‌ها را باید رها کرد. در واقع اصل و کل اوست و ضرورت اقتضا می‌کند که این‌ها به عنوان لوازم زندگی باشند.

ای خنک جانی که در عشق جلال
بذل کرد او خانمان و ملک و مال (مثنوی)

۱۲۴- خالص

بدان که شرط صحّت محبت و مهر قبولی آن است که محب کارهایش برای امام عصر **علیه السلام** از روی غرض نباشد و به دنبال عوض نگردد، بلکه خالص و مخلص در کارهایش باشد تا مهر صواب محبت بدان بخورد.

تو بیا به محفل عاشقان که جمال نور قدم تویی
تو فروغ ملک وجود من که سراج قدس حرم تویی

۱۲۵- حیلۀ نفس

مطلبی است فنی که منتظر امام قائم، این را به ذهن بسپارد و آن اینکه در راه محبوب، نفس در وقت‌هایی که خودش استاد است منتظر را به حُبِّ چیزهای دیگر مشغول می‌کند و به یادش می‌آورد و زیبایی و حُسن آن چیز را جلوه‌گر می‌کند تا از یاد معشوق منصرف شود.

به عبارتی هوای اولی جلو روی و شوق به جلو است، ولی نفس کم‌کم این میل را به پشت سر که غیر محبوب است می‌کشانند. مثلاً، کتابی نوشته و مردم تعریف کردند. فرزندی دارد که محاسن او زیاد است، زن سازگار و مؤدبی دارد، مال بدون زحمتی نصیبش شده، اتفاقاً کسی او را می‌خواهد به حج ببرد، آقایی از نمازش تعریف کرده و... وقتی این‌ها به یادش می‌آید حب به آن‌ها او را از حب به محبوب عالم منصرف و کم‌کم بی‌رنگ می‌کند و نباید گول این هوای نفس را بخورد.

۱۲۶- می‌نوازی

شنیدم عاشقان را می‌نوازی مگر من زان میان بیرونم ای دوست؟

۱۲۷- عاشق پنج روزه

نفس دنبال مقاصد چند روزه دنیوی است؛ لذا هر مدتی کسی را به‌عنوان آدم خوب و مدیر و... که می‌تواند زندگی‌اش را تأمین کند و او را به مقصد نفسانی برساند، برمی‌گزیند. چطور نفس ما را دستور

نمی‌دهد دنبال حضرت معشوق باشیم، چون او را نمی‌بینیم و یا درکش نمی‌کنیم و یا آلاء و نعمت‌های داده‌ او را فراموش می‌کنیم و یا اندک می‌شماریم.

عاشق آن عاشقان غیب باش

عاشقان پنج روزه کم تراش (مثنوی)

۱۲۸- سلطان عشق

ای عزیز! تا سلطان عشق حضرت بر تو امضاء نشد، اگر تکیه بر تقوا و عبادت و دعا و انفاق و امثالهم کنی و برای آن‌ها جایگاهی باز کنی اشتباه است، چون عشق بیاید تمام این‌ها از دفتر خط زده شوند و فقط عشق او حاکم می‌شود.

هر کجا سلطان عشق آمد، نماند

قوّت بازوی تقوا را محل (سعدی)

۱۲۹- سیر عشق

هر سیر، ابتدایی دارد اما انتها و مقصد آن نامعلوم است چون حضرت محبوب قابل ادراک نیست یعنی گُنه امام را نمی‌شود درک کرد، پس سیر اولی معلوم است اما سیر عشق معشوق هم نامعلوم است؛ آن قدر عشق سوزنده است که بسیاری در آن سوختند، مگر از طرف حضرتش عنایتی شود تا این عاشق بتواند زندگی روزمره‌اش را پیش ببرد.

۱۳۰- تمجید امام

باید هر تعریف به جایگاه خودش باشد. وقتی از کسی مدح می‌کنیم و محاسن او را می‌شماریم پس غرق در آن کس می‌شویم.

پدر و مادر و استاد و فرزند، دوست، همسایه، شاگرد هر کدام از این‌ها در جایگاه خود قابل تعریف و محبت است. اما تعریف و تمجید و اظهار دوستی به امام عصر علیه السلام بالاتر از این‌هاست. نکند افراط در محبت دیگران از دوستی حضرت کاسته شود که این آفت بزرگی است.

۱۳۱- مهر عالم آرا

نه طاقتی نه صبری، تا چند پشت ابری؟
ای مهر عالم آرا عجل علی ظهورک

۱۳۲- درد عاشق

«درد عاشق به جز معشوق نیست» یعنی کسی که عاشق حضرت حجت شد، دردی غیر او ندارد؛ لازمه این صفت آن است که دیگر دردها را فراموش و یا زود از آن‌ها درگذرد.

۱۳۳- مظروف

بدان قیمت هر ظرفی به خاطر مظروفی است که در آن است. اگر ظرف دلمان تویش پول و ریاست و... باشد ارزشش همان می‌شود؛ که در معنی ابتر است و اگر مظروف ما محبت مولایمان حضرت بقیة الله باشد، دیگر قیمتی نتوان برای آن نوشت و ارزیابی کرد. قیمت همیان و کیسه از زر است

بی زر آن همیان کیسه ابتر است (مثنوی)

۱۳۴- میل

بدان! که میل اولین حرکت محبت است. چون میل قوی شود عشق گردد.

همین میل است کاهن را درآموخت

که خود را بر دو آهن ربا دوخت
اگر میل از بین برود جدایی پیش می‌آید. میل ما به حضرت در چه حدی است؟ آیا به اندازه‌ای راه رفتیم که جذب آهن ربای محبت او شده باشیم یا میلمان بدون حرکت عملی بوده و در یک جا در جا می‌زنیم و تبدیل به محبت نشده است؟!

۱۳۵- هجر تو

غم عشقت به قلبم خانه کرده دلم را هجر تو دیوانه کرده

۱۳۶- چشیدنی

بدان که شرح و بیان هر چیزی تا اندازه‌ای می‌شود گفت؛ جز مسائل ماورائی و معنوی مانند جذبه، عشق و... کسی که می‌خواهد در دفتر و بیان، عشق به حضرت را بیان کند آیا می‌تواند؟ چون خود عشق مقوله‌ای رسیدنی و چشیدنی است و برای کسانی که بویی از آن نبردند، راهی برای دست‌یابی به آن به گفتگو نخواهد بود.

هر چه گویم عشق را شرح و بیان

چون به عشق آیم خجل مانم از آن

چو شب به راه تو ماندم که ماه من باشی

چراغ خلوت این عاشق کهن باشی

۱۳۷- طیب

اگر کسی واقعاً عاشق حضرت مهدی علیه السلام باشد زبان قال و حالش این است:
ای خوشا این عشق خوش سودای ما
وین طیب جمله علت های ما (مثنوی)

۱۳۸- علت فاصله

بعضی ها پرسیده اند که چطور می شود شخصی سال ها جزء محبین شمرده می شود و آخر عمر دست از محبت امام برمی دارد. آیا به مجاز مُحَبِّ بوده یا به حقیقت؟ اگر به حقیقت بوده فاصله نمی گرفته!! جواب داده شد که پیامبر (ص) فرمود: «ارواح لشگریان گروه بندی شده ای هستند که در آن عالم با هم ائتلاف داشتند، پس در دنیا با هم با یکدیگر موافقت دارند و آنان که در آن عالم همدیگر را نپذیرفتند در این عالم ناسوت هم با یکدیگر توافق ندارند.» (بحار الانوار ۲/۲۶۵) از این حدیث شریف استفاده می شود که اینان در آن عالم ارواح سنخیت و ائتلاف نداشتند که اینجا بعد از مدتی از زنجیر محبت امام عصر علیه السلام فاصله گرفتند.

۱۳۹- در عشقت

ای به دل ها در عشقت جاودانه جاودانه
می کشم بار غمت را عاشقانه عاشقانه

۱۴۰- نقش سبو

ما اگر صورت محبوب را ندیدیم اما وصفش را در کتابها و بیان آنان که به دیدارش موفق شدند، شنیدیم. تا چند ما عاشق صورتها

باشیم، با ندیدن جمالش، گرفتار نقش سبو (کوزه) گردیم. چون به مظروف و محتوا علم نداریم به دنبال ظرف و کوزه می‌گردیم و عاقبت به مجاز و گمراهی دچار می‌شویم.

۱۴۱- مؤمن

پیامبر (ص) فرمود: «مؤمن نیست مگر مرا از خود و خویشان خود بیشتر دوست بدارد.» (المعجم الکبیر، ج ۷، ح ۶۴۱۶) از این روایت دقیق استفاده می‌شود که کسی خود را و اقوام و دوستان خود را بیشتر از امام زمان **علیه السلام** دوست بدارد مؤمن واقعی نیست. به مؤمن کامل واقعی شراب ظهور محبت را عطا کردند، لذا امام خود را بیشتر از همه چیز دوست می‌دارد.

ز عشقت گر چه با دردم و در هجرانت اندر غم
وز عشق تو نه بس باشد ز هجران تو بس ما را

۱۴۲- اعلان دوستی

روایت است از امام صادق (ع) که به هشام بن سالم فرمود: «اگر کسی را دوست داشتی او را از این کار مطلع بساز که دوستی بین شما را محکم‌تر می‌گرداند.» (الکافی ۲/۶۴۴) پس ما هم به امام زمان خود اعلان کنیم و اقرار نماییم که تو را دوست داریم تا رشته محبتمان محکم‌تر گردد تا به مقام خلیلی حضرت برسیم. همان‌طور که حضرت ابراهیم از خداوند تقاضای اطمینان قلب کرد که یک تأویل آن را نوشته‌اند: «دلم بر دوستی و خلیل بودن تو اطمینان پیدا کند.» (مکیال مکارم به نقل از مرآة العقول مجلسی، ج ۱۲، ص ۵۳۹)

۱۴۳- اعتبار

اگر طواف رویش ز کرم نصیب گردد
بر عاشقان صافی بسی اعتبار دارم

۱۴۴- محبت جانان

ای پیرو حضرت محبوب، قدر و شرافت تو به جسمت نیست بلکه
به عقل و جان توست. قدر جان از پرتو جانان بود. پس جانی که از
محبت جانان خالی باشد آن جان همانند قیمت تن است. از کالبد
دارای فعل و انفعالاتی است ولی در برابر جان بی‌رمق که محبت
محبوب را ندارد، ارزشی ندارد.

۱۴۵- هرزه سودایی

غیر معشوق آر تماشایی بود
عشق نبود هرزه سودایی بود (مثنوی)

یعنی غیر عشق حضرت محبوب که جان‌ها فدای او باد، اگر به عشق
دیگر مبتلا شوی، آن عشق مجازی است و قابلیت هر نوع آفت را
دارد. فقط تماشای جمال حضرت مهدی است اگر کسی به این دیدار
موفق شد دیگر جمالی او را جذب خود نمی‌کند.

۱۴۶- پر ززند...

کی می‌شود جمال دل آرایت آشکار
تا عاشقان روی تو مستانه پر ززند

۱۴۷- خوبی‌های محبوب

از نشانه‌های زبانی محبت، یادآوری خوبی‌ها و زیبایی‌های محبوب است، به هرگونه که خوشایند حضرتش باشد. (مکیال مکارم ۱/۳۶۶)

۱۴۸- جان فدای محبوب

عاشق مجازی علامتش بی‌جان بودن است. جان آدمی که از عالم امر آمده حقیقی بوده است؛ چون به دار دنیا مبتلا شد، جانش را آفت‌ها گرفت. جمال حضرت دوست صد برابر جمال زیبا رویان است، پس جان را فدای آن محبوب کن تا به حب مجازی مبتلا نشوی.

۱۴۹- درجات عاشقی

عاشقی درجات دارد. اگر کسی عاشق امام زمان **علیه‌السلام** شد باید از خواب و خوراک و زندگی و رفتار بیفتد تا به او عاشق گویند. جواب آن است که ظرف عاشقان با دیگران در تمام موارد محبت به محبوب فرق می‌کند و لازم نیست چهره‌اش زرد باشد تا نام عاشق بر او نهند.

عشق معشوقان دوزخ افروخته

عشق عاشق جان او را سوخته (مثنوی)

اگر عاشقی دلش برای حضرت نسوخت او عاشق حقیقی نیست چون عشق امام همانند آتشی است که جان عاشق را می‌سوزاند. پس آنکه ادعای عشق او کند اما اثری از سوختگی در او نباشد معلوم می‌گردد او در یکی از درجات محبین است نه در درجات عاشقین.

۱۵۰- سوختن

هر محبی از شوقی که به محبوبش دارد به نوعی مشغول و در حال سوختن است.
بلبل از شوق گل و پروانه از سودای شمع

هر یکی سوزد به نوعی در غم جانانه‌ای

چون دل محب از فیض محبوب پروریده شده، مشعل افروز است یعنی چشمه فیض به دیگران هم می‌تواند فیض رسانی کند، تا از شوقی که در دل‌های آنان می‌ریزد، به دام محبت حضرت محبوب گرفتار شوند.

۱۵۱- دعا برای محبوب

از نشانه‌های محبت در زبان، دعا کردن و خواستن تمام خوبی‌ها برای محبوب می‌باشد. ایمان در حقیقت جز محبت خدا و رسول و ولی او نیست و لازم است آنچه را در دل معتقدیم به زبان بیاوریم و گرنه آثار ایمان بر آن مترتب نخواهد شد. (مکیال مکارم ۱/۳۶۶)

۱۵۲- پروانه‌وار

خوش به حال کسانی که به عشق امام عصر علیه السلام واصل شدند؛ و دور یار پروانه‌وارند و از این لذتی بالاتر نیست.
عاشقانی کز درون خانه‌اند

شمع روی یار را پروانه‌اند (مثنوی)

۱۵۳- کاشتنی

از مناجات الزاهدین برمی آید که محبت همانند درخت کاشتنی است (و أَعْرَسَ فِي أَفْئِدَتِنَا أَشْجَارَ مَحَبَّتِكَ). ما از خداوند می خواهیم بذر درخت محبت حضرت حجت را در دل های ما بکارد.

۱۵۴- دنبال یکی

طرف دم از عشق به حضرت ولی عصر می زند ولی در لابه لای کلمات و حرف هایش معلوم می شد که او دنبال یکی نیست، و حُبِّ ذات او را به مدح خویش وادار کرده و از یکی فاصله گرفته است. هست معشوق آنکه او یکتو بود منتها و مبدأ تو او بود (مثنوی)

۱۵۵- کهنه صندوق

شیخ بهایی در اشعارش می گوید: هر سینه ای خالی از مهر گلرخان باشد، او همانند کهنه انبانی که پر ز استخوان است می باشد. سینه اگر خالی ز معشوقی باشد سینه نبود بلکه همانند کهنه صندوقی را می ماند. بعد می فرماید:

یعنی آن کس را که نبود عشق یار بهر او پالان و افساری بیار

واقعاً کسی که عشق یار حقیقی حضرت محبوب را تحصیل نکرد و به او عطا نکردند؛ پس گلی از گلزار مهدوی نچید و در بی خبری به سر برد و سینه اش همانند کهنه صندوقی را می ماند.

۱۵۶- برتر

عشق امام علیه السلام همیشه سبز و تر است. غم و قبض و شادی و بسط عاشق بالاتر از این دو است.

عاشقی زین هر دو حالت برتر است
بی بهار و بی خزان سبز و تر است (مثنوی)

۱۵۷- واژه عشق

گفته‌اند عشق را از عشقه گرفته‌اند و آن گیاهی است دارای برگ‌های درشت و ساقه‌های نازک و بلند که به درخت می‌پیچد و بالا می‌رود. پس آب درخت را می‌خورد و کم‌کم درخت را می‌خشکاند. حال اگر کسی عاشق واقعی حضرت شد این‌چنین نیست که عشق او را لاغر و خشک و زرد می‌کند و دیگر توان برای کار دنیا کردنش را ندارد مگر آنکه از باب قوس نزول، مأمور به زندگی روزمره شود تا کسی از حالش باخبر نشود، و الا نمی‌توان با حال عشق حقیقی با مردم حشر و نشر کند!

۱۵۸- وصال

عقل معاش و دو تا چهار تا در تبیین عشق شخص واصل خجل است، یعنی وقتی کسی به وصال امام زمان **علیه السلام** رسید دیگر جز حضرت محبوب چیز دیگری نمی‌تواند عقل معاش آن را توصیف کند.

عقل حیران که چه عشق است و چه حال
من بگیریم یا بخندم در وصال (مثنوی)

۱۵۹- وُدّ

بدان ای خواننده محترم که کلمه وُدّ و ودود و مودّت در قرآن آمده است و وُدّ بالاتر از حُبّ است چراکه در حُبّ بُعد و قرب است ولی در وُدّ بُعد و قرب نیست انگار عین‌الیقین است و وصال؛ چراکه

وصل ثابت است نه مواصلت که در اوقات در دگرگونی واقع می‌شود.
(فرهنگ نوربخش ۱/۱۹۳)

مودّت، حُبّ عملی است که منتظر باید امام زمان خود را در دوستی عملاً نشان بدهد لذا پیامبر (ص) به مردم فرمود: «من اجر رسالت نمی‌خواهم مگر مودّت خویشانم.» (شوری: ۳۳) فرمود حُبّ خویشاوندانم و این جمله دارای اهمیت فوق‌العاده و دقیق است.

۱۶۰- فاضل طینت

ای عزیز! ما که عاشق نشدیم اما وصف آن را شنیدیم و مطالعه کردیم و نوشتیم. پس کسی پرسد شما چه شدید؟ گویم ما از فاضل طینت (زیادی سرشت) امام خلق شدیم، معرفت و محبتی داریم اما چند درصد، نمی‌دانیم، ولی شکر شیرینیم
عشق قهار است و من مقهور عشق
چو شکر شیرین شدم از شور عشق (مثنوی)

۱۶۱- ارادت

محبت میل جمیل است به جمال به دلالت مشاهده حُبّ تعلق خاصی است از تعلقات ارادت که محب را به محبوب می‌کشاند.
(رسائل شاه نعمت‌الله ولی)
اگر ما حُبّ حضرت مهدی را داریم در واقع ارادت او است که ما را به سویش می‌کشاند.
ولیکن حُبّ، در دگرگونی‌ها به بُعد و قرب کشانده می‌شود. حبیب از بنده به سوی مولایش می‌آید ولیکن در فراز و نشیب زندگی و حوادث دچار نقصان هم می‌شود؛ لذا مواظبت بر حالت قرب به محبوب بسیار ضروری است.

گفت: چرا بعضی محبین حضرت سر و صدا دارند و بازگویی و شور و مستی، آیا این از ضعف نیست که می‌خواهد بگوید که من محب امام زمانم؟ در جواب گفته شد:

عشق معشوقان نهان است و ستیر
عشق عاشق با دو صد طبل و نفیر (مثنوی)

۱۶۲- تحمل

هرکسی خود را بالذات دوست می‌دارد و پس از آن فرع بالذات را هم دوست می‌دارد. مانند: زن، خانه، بچه، زمین، پول، سلامتی و.... درواقع همه‌چیز را برای خودش می‌خواهد و لذا زحمت‌های بسیار می‌کشد و زخمی می‌شود و مقروض می‌گردد برای دوستی اصل و فرع.

بچه پدر و مادر را اذیت می‌کند و آن‌ها زحمت زیادی در طول زندگی برای تربیت او می‌کشند، چون بچه را دوست دارند که نتیجه و قائم مقام اوست، پس تحمل می‌کنند. دوستان حضرت به‌منزله خانواده اویند، بیش از هزار سال داریم با اعمالمان او را اذیت می‌کنیم و او را غمناک می‌گردانیم، چون شیعه او هستیم و او را دوست می‌داریم او ما را تحمل می‌کند.

۱۶۳- معیار

خشنودی حضرت حجت معیار است نه خشنودی نفس خویش. اگر در راه محبوب و معشوق عالم باشی، هر درد و رنجی که پیش آید و هر قضا و قدری که غالب شود، لب به شکایت نخواهی گشود، چراکه در طریق نباید خشنودی نفسانی غالب باشد، بلکه در راه رضایت او هر چه پیش آمد را خریدار شد.

۱۶۴- احسان

در زیارت جامعه کبیره آمده است: «عادتکم الاحسان: سیره شما نیکی کردن است.» حال از خود می‌پرسیم سال‌ها عمر کردیم و امام عصر علیه‌السلام احسان‌های زیادی به ما کرد، ما در مقابل احسان و نیکی او چه کردیم، درحالی‌که قاعده این است «شخص بنده احسان است.» چرا فراموش‌کار نیکی‌های مُدام حضرت شدیم؟ چرا تشکر از احسان‌های او نمی‌کنیم؟ چرا احسان هر روز بیشتر می‌گردد، دوستی ما به او که محسن مطلق است بیشتر نمی‌شود؟

۱۶۵- درد بزرگ

شیعه در زمان غیبت در فراق مولای خود است و این درد بزرگی است. اما وصال برای قلبی رخ می‌دهد و دل خوشی بزرگی است. محب در ایام غائب بودن مولایش نباید دنبال لقاء جسمانی باشد بلکه روحاً خود را در طریق محبت کار ساز می‌کند و آنی از رشته محبتی کوتاه نیاید.

۱۶۶- ارتباط روحی

قوی‌ترین محبت آن است که امام به پیروان خود دارد و بعد از آن محبتی است که شیعه به امام خود دارد که او را در ذات و صفات کمالیه تام و فوق همه کمال داران می‌داند و نفس هم ذاتاً مشتاق کمال و جمال مطلق است و او را دوست می‌دارد و در زمان ما حضرت حجت علیه‌السلام فوق کمالات است و ادراک ما جنبه روحی دارد و از قوه حس و جسمانی خارج است.

۱۶۷- سرمایه

هر کس سرمایه دارد، و از سرمایه یا سود می‌برد یا ضرر می‌کند؛ اما محب سرمایه‌اش حُبّ محبوب عالم است و همیشه در سود است.

۱۶۸- الفت

محور همه دوستی‌های ممدوح شیعیان در درجه اول دوستی حضرت به شیعیان ناب و ممتاز خود است، لذا روح‌های شیعیان بدون آنکه از نظر جسمانی ملاقاتی داشته باشند، با یکدیگر الفت دارند؛ یعنی به محور مهدوی، همه ارواح در دایره محبت هرکدام به قطب و مرکز نزدیک‌تر باشند، محبتشان هم افزون‌تر است.

۱۶۹- عاشق تصویر

به من که عاشق تصویرهای باغ و گلم
نمای ناب تماشای تو نموده نشد

۱۷۰- درد سر

گفته‌اند کسی به بزرگی گفت: من عاشق حضرت محبوب شدم و خواب و غذا و زندگی‌ام سرد شده نزدیک است دیوانه شوم و مردم مرا با چشم دیگری می‌بینند و...
او در جواب فرمود: تمام شرح‌هایت درد سر دارد زیرا توجه به مردم می‌کنی که آن‌ها تو را با چشم دیگر می‌بینند!! (حُسن صد یوسف ص ۲۲)

۱۷۱- برتر ز جان

سلام ای صبح صادق، نور مطلق که مهتر در دل و برتر زجانست

۱۷۲- فوق معلّم

از اسکندر ذوالقرنین پرسیدند پدرت را بیشتر دوست می‌داری یا معلمت را؟ فرمود: معلم را، چون سبب حیات باقی من است و پدرم سبب حیات فانی دنیایی من است. (آئین مهرورزی، ص ۶۲)

ای شیعه، ای محب! حضرت قائم از ازل تو را برگزید و دوست داشته و الآن هم در تحت فیوضات او راه می‌روی، پس بدان او فوق معلم و پدر حق حیات باقی بر تو دارد.

۱۷۳- ابتهاج

هر چیزی که طبع انسانی به آن میل پیدا کند خواه آن چیز محسوس باشد یا معقول، پس از آن احساس خوشی و لذت می‌برد.

محبت عبارت از ابتهاج به چیزی یا از چیزی که موافق با طبیعت انسان است، اعم از این که آن چیز یک امر عقلی یا حسی باشد، یا حقیقی و ظنی. (آئین مهرورزی، ص ۴۶)

در این مقوله گویم درجات محبین به امام عصر علیه السلام از نظر حقیقی و مجازی و ظنی با هم فرق می‌کند؛ لذا ما نمی‌توانیم به محبین نمره بدهیم و این درجات از طرف محبوب تعیین می‌شود نه من و تو.

۱۷۴- بارش رحمت

کسی که زمزمه عاشقانه‌اش آرد
نزول بارش رحمت به انس و جان مهدی است

۱۷۵- خسارت بزرگ

چون ما جمال دل‌آرای حضرت محبوب را ندیدیم، مبتلا به صورت‌های نیکومنظر و بوستان و شکوفه و گل‌وبلبل می‌شویم. وقتی انسان بسنده به جمال پائین‌تر کرد، کم‌کم آن صورت‌ها ملکه می‌شود و از جمال امام مهدی علیه السلام بازمی‌مانیم و این خسارت بزرگی است.

۱۷۶- شرح عشق

کسی از بزرگی پرسید اینان که به عشق حقیقی امام زمان علیه السلام مبتلایند آیا توان گفتن شرح عشق به حضرت را دارند؟
آن بزرگ فرمود:

شرح عشق آر من بگویم بر دوام

صد قیامت بگذرد و آن نا تمام

در ننگد عشق در گفت و شنید

عشق دریایی است عمقش ناپدید (مثنوی)

۱۷۷- خلیل

خلیل: دوست مهربان و یک‌دل، دوست ویژه، دوست صادق (فرهنگ امید)

آیا حضرت حجت غیر از اوتاد و ابدال، خلیلی دارد؟ اگر دارد چرا ما آن‌ها را نمی‌شناسیم؟!

۱۷۸- پای مولا

دوست دارم زنده باشم تا جمالش را ببینم
سر به پایش افکنم تا پای مولا را ببوسم

۱۷۹- چشم دل

در واقع دوستی جمال محبوب با چشم بصیرت و دیدهٔ عقلی به صواب است. بسیار بودند جمال محمدی را به صورت ظاهر مشاهده کردند اما بعد مورد لعن و نفرت حضرتش درآمدند. پس امام قائم علیه السلام را اگرچه به ظاهر بینم خوب است مهم آن است که جمال مهدوی را با چشم دل درک کنیم و دوستش بداریم.

۱۸۰- ابزار محبت یابی

محب نباید کارهایش برای حضرت، از روی غرض و عوض باشد بلکه از جهت دوستی خالص باشد. اگرچه ابزار محبت یابی گوناگون و متفاوت باشد اما بعد از یافتن حُب، به مقصود نگاه می شود و بس.

۱۸۱- محتاجم

دلم به یاد کسی می تپد ای دوست
بیا که من به تو بیش از همیشه محتاجم

۱۸۲- ریشهٔ محبت

بدان که ریشهٔ محبت هیچ وقت نخشکد و زایل نگردد. آنکه بخشکد معلوم می شود که ریشهٔ محبت مجاز بوده است؛ پس درخت و برگ به زردی پاییزی تبدیل می شوند.

اگر نهال و درخت و برگ از محبت مهدوی کاشته و رشد کرده باشد پاییزی ندارد تا زایل گردد. البته مدعیان محبت مهدوی در درازمدت برگ و نهالشان به پائیزی گرایش دارند.

۱۸۳- ارشاد

ما می‌خواهیم حضرت ولی‌عصر را دوست بداریم و یا به دیگران بیاموزیم، می‌توانیم از ابزار و اسباب حُبّ به ارشاد لفظی و عملی استفاده کنیم.

۱۸۴- عاشق حضرت علیه‌السلام

استاد فرمود: کسی که می‌خواهد عاشق حضرت حجت شود، شخص منتظر به دو چیز خوب توجه داشته باشد، اول آنکه عشق از حضرت محبوب صادر شود و دوم عاشق قابلیت داشته باشد.
عشق از معشوق اول سرزند تا به عاشق جلوه‌ای دیگر زند
عاشقی را قابلیت لازم است طالب حق را حقیقت لازم است

۱۸۵- تخلیه

استاد فرمود: وقتی تخلیه آید که عشق و محبت حقیقی در دل رسوخ کند کم‌کم بعضی رذایل از بین می‌روند جای خود را به فضایل و محبت می‌دهند.
هر که را جامه ز عشقی پاک شد
او ز حرص و عیب کلی پاک شد (مولوی)

۱۸۶- مهر تابانی

مهر تابانی که دائم در سپهر چارمین
منتظر بهر ظهورش حضرت عیساستی

۱۸۷- مهرورزی

مدح خوبان به خاطر چند صفت و کاری است که شخص در طریقت عملی داشته بود مانند حاتم طائی به سخاوت و ادیسون به اختراع برق و... انسان هر صفت و حسن و کمالی را که کسی داشته باشد، صاحب آن را می‌ستاید و دوست می‌دارد.

ما که شیعه امام قائم علیه‌السلام هستیم، چطور نمی‌توانیم او را به همه صفات و کمالات بشناسیم و دوستش بداریم. این مهرورزی ما از ضعف ما نیست. همه کس را به صفات و کارهایشان دوست می‌داریم ولی از صفات و کمالات مهدوی ساهی هستیم.

امام سجاد علیه‌السلام در صحیفه سجادیه در مناجات محبّین چنین به خداوند عرض می‌کند: «خدایا از تو محبتت و محبت دوستانت را درخواست می‌کنم و دوستی هر عملی که مرا به قرب تو بکشاند.» (أَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَ حُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَ حُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصلُنِي إِلَيْكَ قَرِيبًا)

۱۸۸- نثار

ورچه نثار تو کنم جان، نرهم ز درد تو
نیست از آنکه تا ابد عشق تو را نهایتی

عشق ورزیدن به امام مربوط به قوه عاقله و روح است که جنبه فعلی و حقیقی دارد و ادراک این مسئله مربوط به جوارح و قوه وهم و خیال نیست. لذت روحی، دوستی عاشقانه است که از بنده محب به محبوب عالی حاصل می‌شود.

۱۸۹- ریسمان ایمان

پیامبر (ص) به یارانش فرمود: «کدامیک از ریسمان‌های ایمان محکم‌تر است؟» گفتند خدا و پیامبرش داناترند. یکی از آنان گفت: نماز، دیگری گفت: زکات، سومی گفت: روزه، چهارمی گفت: حج، پنجمی گفت: جهاد.

پیامبر (ص) فرمود: «برای هر یک از این‌ها که گفتید رتبه‌ای است ولیکن جواب پرسش من نبود، زیرا محکم‌ترین ریسمان ایمان دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا و دوستی اولیا خدا و بیزاری از دشمنان خداست.» (الکافی ۲/۱۲۵) (نمونه معارف ۴/۱۱۹)

پس ای عزیز! دوستی امام زمان **علیه السلام** و بیزاری از دشمنان او محکم‌ترین ریسمان ایمان است و از این نکته نباید غافل بود.

۱۹۰- انگیزنده صورت

عشق انگیزنده صورت است. صد هزار صورت از عشق انگیزته می‌شود. نقش بی‌نقاش نبود و نقاش بی‌نقش نبود، ولی نقش فرع و نقاش اصل است. تا عشق خانه نبود هیچ مهندسی صورت خانه نکند.

قدر و قیمت گندم به عشق آید ولی سالی به پولی ناچیز و سالی به طلا و سالی به قیمت متوسط خرید و فروش شود. صورت گندم همان است و قدر و قیمت صورت گندم به عشق و طلب آید. (فیه مافیه، ص ۶۲)

از این مثال و بیان گوئیم، ما اگر عاشق و محب حضرت مهدی هستیم هر روز و هفته و ماه و سال در خریداری جمالش به اندازه محبتی که داریم می‌باشد. باید دل عاشق صورت بی‌مثالش باشد تا در خانه دل تصویری از او داشته باشیم و الا صرف گفتار و ابراز محبتی

دلیل مجاز است، و قیمت حقیقت جز به عشق و طلب به او حاصل نمی‌گردد.

۱۹۱- دلبرا!

برندارم دل زمهرت دلبرا تا زنده‌ام
ورچه آزادم تو را تا زنده‌ام من بنده‌ام

۱۹۲- فرار

حکایت کرده‌اند که چون جنید بغدادی را به علت جنون به زندان بردند بعضی از دوستانش به زیارت وی رفتند. پرسید که شما چه کسانی؟ گفتند: ما دوستان شفیق و احباب صدیق توایم که به دیدنت آمده‌ایم. سپس او سنگی به جانب ایشان افکند و همگی بگریختند. گفت: بیگانگان دیوانه نگر، که به دعوی دوستی خیزند و از سنگی به فرسنگی گریزند. (ریاض المحبین، ص ۱۲۰)
از این حکایت، نکند ما همه دعوی دوستی حضرت قائم کنیم و در وقت امتحان و بلا فرار را بر قرار ترجیح دهیم و از سر سفره او بگریزیم!

۱۹۳- تأسف

بسیار می‌شود افرادی که پیش خودشان زمزمه و حدیث نفس می‌کنند که اگر امام زمان **علیه السلام** را ببینیم، بغلش می‌کنیم و می‌بوسیم و از او می‌خواهیم خوب بشویم و فایده‌ای برای اجتماع داشته باشیم و... چون این اشخاص رشته محبت را نچشیده‌اند، تقاضای غیر آن را بکار می‌برند و این تأسف است که نمی‌دانند در مقابل محبوب چه بگویند.

ای کعبه دل ما محراب ابروی تو
مرغ دل محبان پر می زند سوی تو

۱۹۴- قرب معنوی

شخصی اوپس قرن را در یمن دید و گفت: با آنکه حبیب خدا بوی محبت تو را در مدینه استشمام کرد، چطور از فیض حضورش محروم ماندی؟

فرمود: محب را از محبوب خود محبوب بدان و بُعد ظاهر را حاجب قرب معنوی مپندار، تو که پیامبر (ص) را درک کردی هیچ می دانی کدام دندان پیامبر (ص) در جنگ احد شکسته شد؟ گفت: نه، فرمود: دندان سنایای آن حضرت بود؛ چون همان روز که این اتفاق افتاد، همین دندان من درد کرد و بیفتاد. (ریاض المحبین، ص ۱۳۹)

ای محب حضرت ولی عصر این همه رنج و غم مسلمانان و شیعیان و مستضعفان جهان هر روز بر دل مبارک آن حضرت وارد و مجروح می کند، چه وقت من و تو دلمان به همان جراح قلب نازنینش، درد گرفت؟!

بنازم به بزم محبت که آنجا گدایی به شاهی مقابل نشیند

۱۹۵- چشم حقیقت بین

کسی چون بر ماه روی مشکین موی نظر می افکند، حواس ظاهرش در محاسن و لطافت او جمع می گردد و قوای باطنی هم محو کمالش می شود.

چون چشم حقیقت بین نباشد، این چنین می شود. پس اگر محب دیده اش بر هم نهد و عنان دل را از دست ندهد، به سلامت محبت حضرت محبوب بر دلش آید.

۱۹۶- مجاز به مجاز

دیدیم و شنیدیم که افرادی عریضه برای امام زمان علیه السلام می‌نوشتند و شعرهای عاشقانه به امام را می‌خواندند و توسل به جنابش داشتند و در نیمه شعبان و شب جمعه‌های مسجد جمکران و... اظهار محبت می‌کردند اما چون از عمق وجودشان نبوده، گرفتار حال بودند نه مقام، پس از سال‌ها رشته کاری‌شان عوض شد و وظیفه و تشخیص را در موضوع دیگر بکار گرفتند و از مجاز به مجاز دیگری رفتند!

یاد باد آنکه نهانت نظری با ما بود

رقم مهر تو بر چهره ما پیدا بود

۱۹۷- بی‌وفایی

امان از عهدشکنی و بی‌وفایی بعضی‌ها، که نفسشان طالب جدید است و عهد شکستن آنان آسان و سهل بوده است. این دلیل است که محبت به مجاز بوده و نفس بی‌قرار دل محب مجازی را هر روز به مطلوبی می‌کشانده. یا صاحب‌الزمان دوستی‌ات را به ما حقیقی کن و نفس اماره ما را از عهدشکنی و بی‌وفایی به تو نجات بده.

۱۹۸- بهانه

ما اگر دوستدار امام زمان علیه السلام هستیم، چه چیزی حاضریم فدای محبوب خود کنیم. در وقت امتحان پی دلیل و بهانه می‌گردیم و عنوان می‌داریم که به این علت نمی‌توانیم فدایت شویم، مگر خودت بیایی و کار را درست کنی! عشق را به بها می‌دهند نه بهانه.

۱۹۹- بی سر و سامان

خاطر ما ز فراق تو پریشان تا چند
دوستان از غم تو بی سر و سامان تا چند

۲۰۰- محبوب ازلی

ماها به محبوبی که سر تا پا عیب و نامرغوب است دل می‌بندیم و بعد از چند سال بر ما معلوم می‌گردد که این دوستی ناصواب بوده است. آدم معقول و منطقی دل به محبوبی می‌بندد که ازلی و همیشگی در دنیا و آخرت با محب باشد و این محبوب جز حضرت قائم کسی دیگر نیست که تمام کمالات و سجایای عالی و ممتاز را به طور مطلق دارا باشد.

۲۰۱- کم‌رنگ

در سال‌های بسیار دور عده‌ای در قم جمع می‌شدند و اظهار محبت مهدوی می‌کردند و توسلات داشتند و منتظر ظهور بودند و گاهی از شهرهای مختلف می‌آمدند و شب ۲۳ ماه رمضان انتظار دسته‌جمعی داشتند و... الآن پس از چهل سال وقتی چشم‌اندازی به آن وقت‌ها می‌شود فقط نموداری کم‌رنگ باقی مانده است. آه از کمی زاد و توشه و قلت محبت!

۲۰۲- دوستدار

مگذار به کام دشمن، ای دوست
بیچاره مرا، که دوستدار است

۲۰۳- محبوب مجازی

شخصی خوش‌گمان و با نیت گرفتار کسی شد که ظاهری آراسته و بیانی گویا و هییتی خاص داشت، کم‌کم مهرش در دل محبوب سرایت کرد. بعد متوجه شد که محبوب در بعضی مسائل به مواصلت بدون عقد حاضر می‌گردد.

پس خداوند او را متوجه کرد و او به درگاه حضرت حق پناه برد که این محبوب، به خیالم حقیقی بوده ولی او را به مجاز یافتم مرا بخش و محبت حقیقی را نصیب کن. پس خداوند او را نجات بخشید.

ما را بگو! که شصت و هفتادسال گرفتار محبوبان به خیال محبوبان حقیقی شدیم، بعد معلوم گردید او محبوب مجازی بوده است، اما با استغاثه خود را به محبوب مهدوی نرساندیم و به مواصلت با او گام برنداشتیم و باز دنبال محبوبی ناتمام برآمدیم.

عشق‌هایی کز پی رنگی بود عشق نبود عاقبت ننگی بود

۲۰۴- مجذوب

مجذوب تو و با همه بیگانه دل ما
محبوب حسان ای گل شاداب تویی تو

۲۰۵- خیال وصل

آن‌هایی که دم از محبت حضرت محبوب می‌زنند ولی در امتحان نقد بیانشان با محک تطبیق نکرده و در بازار محبت رواجی نداشته و اعتباری در وادی عشق نیافته‌اند، آن‌ها جز خیال او، در همه وادی

تخیل کنند و خیال وصل او را به مجاز رفته‌اند و به حقیقت محبت او گامی برنداشته‌اند.

۲۰۶- دام ظاهری

معشوق وقتی به نظاره عاشق است که عاشق در فکر و خیال او باشد. وقتی کسی دم از عشق زند و اما فکرش مغشوش و خیالش در دام و بند مظاهر دنیوی گرفتار باشد، چطور ارباب و مولایش به او بنگرد که جای خالی در دل برایش نگذاشته باشد.

۲۰۷- صد مهربان

گرچه گوید فارغم از عاشقان لیکن از او بر سر هر عاشقی صد مهربان برخاسته

۲۰۸- مولع

گویند صفت طمع و حرص از رذایل است و این مطلب جای شکی نیست. حال اگر انسان این دو صفت را در راه محبت امام بکار ببرد، مصداق و مفهوم اولی نامش حذف می‌شود و به جایش ازدیاد مانند: مولع (حریص)، مشتاق، شیفتگی، فازع (بی‌قرار)، صاعد (بلند)، موقر (فراوان)، متواتر (پی‌درپی) و امثال این کلمات مصداق پیدا می‌کند.

۲۰۹- مشتاق من

در حدیث قدسی خداوند به دوستانش می‌فرماید: «از بندگان، کسانی هستند که مرا دوست دارند و من هم آنان را دوست دارم. آنان مشتاق من و من هم مشتاق ایشانم، مرا یاد کنند و من هم آنان را یاد کنم؛ آنان نگاهشان به من است و من هم نگاهم به

ایشان است. (ریاض المحبین، ص ۲۹۵) آنچه از حق آمده درباره حضرت حجت علیه السلام هم نسبت به دوستانش مصداق پیدا می‌کند.

ای خوشا وقتی که بگشایم نظر در روی دوست
سر نهم در خط جانان جان دهم بر بوی دوست

۲۱۰- دل آرام

در آدمی عشقی و دردی و تقاضایی هست که اگر صد هزار عالم مُلک او بشود آرام نگیرد. این خلق به تفصیل در هر کار و پیشه‌ای و منصبی که انجام می‌دهند آرام نمی‌گیرند.

زیرا آنچه مقصود است به دست نیاید. چون به معشوق که او را دل آرام می‌گویند که دل به وی آرام گیرد، نرسیدند. جمله خوشی‌ها چون نردبانی است که از آن می‌گذرند. خوش به حال کسی که عمر گران‌بها را در این پایه‌های نردبان عمر خود ضایع نکند. (فیه مافیه) و دل به دل آرام امام زمان علیه السلام بندد.

۲۱۱- قائم

ای مهر تو ممکن به همه واجب و لازم
باشد به خدا خیمه عالم به تو قائم

۲۱۲- قابلیت

عاشقی قابلیت می‌خواهد و آن‌که ندارد نشانه‌ها همراه آن است فقط مرد خدا به سیرت باطنی می‌فهمد که این شخص قابلیت عشق حضرت محبوب را ندارد. اینکه گفته‌اند:

تا که از جانب معشوق نباشد کششی

کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد

یعنی کوشش بی‌قابلیت و بی‌امضاء حضرت شخص به درد ورزش جسمانی می‌خورد نه عاشقی قطب هستی.

۲۱۳- دعوت مولا

در کتاب ریاض المحیین صفحه ۱۴۰ نوشته: جوانی از اهل شام همه روزه خدمت امام باقر (ع) می‌رفت و می‌گفت: مرا در محبت حالتی است که اگر یک روز شما را نبینم مریض می‌شوم.

وقتی بیمار شد و سه روز امام را ندید، روح از بدنش خارج شد و وفات یافت. جمعی خدمت امام رسیدند و مردن جوان محب را متذکر شدند. امام فرمود: او را شستشو دهید و در تابوت نهید تا من بیایم. چون امام بالین جسد آمد، فرمود: ای فلان! آن جوان بی‌تأمل درخواست و لیبیک گفت و قسم خورد که چون مرا به جهان جاویدان بردند سروشی به گوشم رسید که او را بازگردانید تا دعوت مولای خود را اجابت کند (بعد از دیدار با امام آن جوان از دنیا برفت). ای منتظر و شیعه امام مهدی خدا کند ما هم چنین نصیبی داشته و محبت ما کامل و لطف محبوب در این سرا قطع نگردد.

۲۱۴- حاضر دائم

غایب ز نظر هستی و هم حاضر دائم
در ابر نهان مهر جهان‌تاب تویی تو

۲۱۵- درد و سوز

اگر کسی محب واقعی امام عصر علیه السلام باشد، لازم‌اش در ایام غیبت کبری فراق و هجران است، که فراق محب از محبوب درد و

سوز دارد. اگر محب بداند که دام وصل میسر نیست، حتماً در طول زندگانی چند روزه سختی آن را به جان می‌کشد و اگر تحمل نداشته باشد به اشکال و شکایت و اعتراض می‌افتد.

محبوب در ساحت بالایی از عالم است و این محب به اندازه قطره‌ای می‌خواهد دریای بی‌کران را پیش خود نگه بدارد. فاصله آن قدر است که قابل تصوّر نیست. پس در هجران باید بسوزد و طاقت بیاورد و تحمّل کند.

۲۱۶- نوبهار

خدا کند که نمیرد امید در عاشق

دلم خوش است که این نوبهار آیی

۲۱۷- جهد کن

هر جا و هر حال که باشی جهد کن تا عاشق (امام زمان علیه السلام) باشی. چون محبت ملک تو شد همیشه در دنیا و آخرت محب باشی. دل در همه احوال ملازم دلداری است. هر جا که می‌خواهی بروی اول دل تو می‌رود و می‌بیند و بر احوال آن مطلع می‌شود، آنگه دل باز می‌گردد و بدن را می‌کشاند. همچنان که طفل عاشق شیر است و از آن مدد می‌یابد و قوت می‌گیرد، نتوان شرح شیر را گفتن که چه نوع لذت می‌برد. پس عشق را نتوان وصف کردن، پس کوشش کن که محب واقعی باشی. (فیه ما فیه، ص ۵۳)

۲۱۸- حبیبم

کی می‌شود که خاک پای تو ای حبیبم

گردد به هر دو چشمم چون سرمه‌ای کشیده

۲۱۹- گریان شد

نوشته‌اند امام حسین (ع) زنی را به فراق و طلاق خود مبتلا کرد. زن خانۀ پدر رفت و امام ده هزار درهم برای او پول فرستاد. زن چون نظرش بر پول افتاد گریان شد. فرستادهٔ امام وقتی حال این زن را نقل کرد. امام دوباره عقد مواصلت را تجدید کرد. (ریاض المحبین، ص ۱۱۶) بلی فراق سخت‌ترین دردهاست، نکند ما با کارهایمان به طلاق و جدایی از امام مبتلا شویم که هیچ چیزی آن را نمی‌تواند جبران کند.

۲۲۰- محنت محبت

اگر دیدی کسی به عشق امام زمان **علیه السلام** بعضی کارها می‌کند که به نظر تو فایده ندارد، نمک بر زخمش نزن، ملامتش مکن، کلمات دردآور نگو، چون تو محنت محبت ندیدی و شربت محبت نچشیدی، پس از او درگذر و فقط او را تماشا کن آن هم به صواب.

۲۲۱- تمنا

ای تمنای تو شوق دیرینه‌ام بوی عشق تو را می‌دهد سینه‌ام

۲۲۲- یار، کار خود

ای محب تو کار خود کن و دست از ادامه کارهایت دمی برندار تا شاید از محبوب عالم لطف و نظر و سایه‌ای بر تو بیفتد.

اندر این ره می تراش و می خراش

تا دم آخر دمی فارغ مباش

درست است که وصال حضرت بسیار مشکل است ولی تو دست از طلب و کوشش برندار.

من کار خویش می‌کنم و یار کار خود
 نتوان به راه عشق به شرط وصال رفت
 به قول مولانا هزار تیر می‌زنیم تا یکی به هدف بخورد. شما نیاز و
 گدایی و عرض حاجت و سوز و امثال این‌ها را هیچ‌گاه ترک مکن.
 حضرت دوست، ناظر و حاضر است شاید روزی از فیاضیت خود تو
 را قبول فرماید و اگر لیاقت هم در خود نمی‌بینی خود را به راه حال
 محبتان بینداز. اگر نمی‌توانی گریه کنی تباهی کن. اگر سوز نداری
 حالت سوزی در خود ایجاد کن.

۲۲۳- بال و پر

کبوتری که زند پر به شوق دیدارت
 قسم به جان تو کز عشق بال و پر دارد

۲۲۴- خبر

به جز تو کز دل پر درد ما خبر دارد
 چه کس ز درد دل دوستان خبر دارد

۲۲۵- وصل تاخت

خوش به حال کسی که فکرش در وصال است و فرع و جزء را رها
 کرد.

ای خنک جانی که اندر وصل تاخت

فرع را بگذاشت سوی اصل تاخت (مولوی)

چون فکر به جزئیات و فروع مشغول شود از مسائل اصولی
 بازمی‌ماند و این آفت طریق مهدوی است.

گوید امام زمان **علیه السلام** بچه دارد، چند تا بچه دارد، چند سال عمر می‌کنند، کدام شهرند و امام با نوه و نبیره و ندیده گفتگو دارد و آن‌ها را کنترل می‌کند و صدها این مسائل جزئی و فرعی که شخص محب را از خورشید بازمی‌دارد.

۲۲۶- تغییر حالات

ای خواننده که در پی آنی تا چیزی از عالم مجهولات مهدوی نصیبت گردد، بدان عالم هستی همیشه به یک حال نیست. اگر دل خوش کردی به لقاء برسی و یا هر روز مورد محبت خاص حضرتش قرار بگیری و ده‌ها نظیر این نوع مسائل؛ شما اختیار نداری تا هر چیزی به خواسته‌ات بچرخد. عالم در انقلاب حالات و تغییر فصول و مزاج‌ها و موضوعات و وقایع است.

نوعماً غیر آنان که همیشه در خدمت امام عصرند بقیه حالاتش از قبض و بسط، وصل و هجران و غنی و فقر و عافیت و مریضی یکسان نیست؛ و شما ای مُحَبِّ مبتلا به این تغییر حالات هستی. گاه در سعد وصال و دل خوشی

گاه در نحس فراق و بی‌هشی (مولوی)

۲۲۷- دریا

بگیر دست مرا ای همیشه جاری عشق
ببر چو قطره مرا متصل به دریا کن

۲۲۸- راه گشایی

چون دیدی کسی ابراز محبت حضرت قائم می‌کند، اگر چیزی در این راه یافتی، کمکش کن، راهنمایی نما تا در تدارک از گذشته اقدام کند

و دلش کمی بسوزد تا کمی راه برود نه آنکه راه را بر او بندی و بگویی نمی‌توانی و نمی‌شود! بلکه راه‌گشایی و تهیه زاد محبتی، از ابزار صله و دوستی است که می‌تواند شخص محب را راه ببرد.

۲۲۹- کم‌صبری

بدان اگر واقعاً ای محب به درد فراق امامت گرفتار شدی به اندازه وقت و حال، بویی از وصال می‌دهند به شرط آنکه کم‌صبری نکنی، اعتراض‌نمایی و حالت اشتیاق و تشنگی را از دست ندهی.

هر که گردد مبتلای درد هجر از وصال دوست درمانش دهند

۲۳۰- نیم‌نگاهی

به پیشگاه تو از ذره کمترم ای مهر
به قدر نیم‌نگاهی مرا تماشا کن

۲۳۱- دوری و حزن

شنیدی؟ ای محب! که یعقوب از فراق یوسف «...وَأَبْيَضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ...: ...چشمانش از اندوه سفید شد...» (یوسف: ۸۴) و دیگر نمی‌دید.

قرآن فرمود: چشم‌هایش کور شد، زیرا کوری نابینایی است که دل‌ها را کور می‌کند نه دیده‌ها را، یعقوب را روشنایی دل بر کمال بود اما چشمش از مشاهده یوسف در حجاب بود. چون چشم عاشق در غیبت معشوق از جز او در حجاب می‌باید. (داستان‌های عرفانی، ص ۴۹۴)

آیا من و تو از فراق یوسف زهرا، به حزن دچار شدیم و چشمانمان از اندوه مریض شد، یا چشمان، از سرخوشی و مستی دنیا، به مظاهر دنیوی دل خوش کرده است؟!

۲۳۲- به عشق او

به عشق او که دل از غیر او بریدم من
به دلنوازم آن یار آشنا نرسید

۲۳۳- بیم زوال

عاشقی گفت: محنت قرب ز بُعد افزون است. جگر از محنت قرب خون است و بیم زوال هم در قرب هست. اما در بُعد و فراق همیشه امید وصال می‌رود.

کسانی که امامان را بالمعاینه دیدند و گرد آنان می‌گشتند چطور شد که عده زیادی برگشتند و ترک امام کردند و با امام جنگیدند. حال اگر ما توفیق قرب مهدوی نصیبمان شود، احتمال آن دارد خدای نکرده، خطور منفی کنیم و تعلقات ما را به خود مشغول کند و آنگاه اجازه ترک حضور از حضرتش بکنیم. پس ندیدن امام از جهاتی برای شیعیان خود لطف و تفضل است، چراکه تا مهر عاشقی از جانب حضرت محبوب نخوریم بیم زوال و ترک و شکایت می‌رود.

۲۳۴- دل آرا

کیستم تا عاشق روی دل آرای تو باشم
نیست آن قدرم که محو روی زیبای تو باشم

۲۳۵- بی‌نهایت

گرچه محب و عاشق در راه عشق حضرت محبوب ابتدا به نظرش می‌رسد که راه آسانی است بعد کمی که طی طریق محبت کرد متوجه می‌شود کار سختی است.

(که عشق آسان نمود اول *** ولی افتاد مشکلها)

در عشق مجازی وقتی عاشق به وصال رسید انگار کار تمام شد ولی در عشق حضرت محبوب کار تمام شدنی نیست چراکه معشوق بی‌نهایت است و عشق او همانند قطره‌ای است از دریای محبت، پس تأدب و توجه به این‌که معشوق حاضر و ناظر است، نکند سهوی و اشتباهی و قصوری کند تا هبوط کند، لازم است. مگر آنکه حضرت محبوب مهر دائمی بر قلبش زده باشد.

۲۳۶- بیشتر بکوش

زبان حال محبوب عالم به محب خود این است که: بیشتر بکوش، تغییر حالت بده، اصلاح نفس خود کن، رشته محبت را کاملاً از نظر قلبی در دل ثبت کن و پیاده نما و بدان باید طالب باشی و لیاقت پیدا کنی تا به اندازه ظرفیت، می‌محبت نصیبت شود.

۲۳۷- قطره‌ای

ذره‌ام کن تا که محو مهر رخسار تو گردم
قطره‌ای کن تا که غرق موج دریای تو باشم

۲۳۸- مورد خشم‌اند

«ای کسانی که ایمان آوردید دوست نداشته باشید گروهی را که مورد خشم خدا شده‌اند...» (ممتحنه: ۱۳)

چون علم باطنی نداریم و به علم ظاهری گروهی را دوست می‌داریم که فکر می‌کنیم آنان امام زمان **علیه السلام** را دوست دارند درحالی‌که باطناً کار آنان مورد رضایت حضرتش نیست.

شخص گران‌فروش است، به مادر پیرش اعتنایی نمی‌کند، در عقل معاش غوطه‌ور است، تندی اخلاق نسبت به همسرش دارد، به اسم حضرت فخرفروشی می‌کند و دنبال این است که مورد مدح دیگران قرار گیرد و... اگر ما او را به‌عنوان دوستدار حضرت حجت بگیریم، ضرر می‌کنیم چون طبق آیه فوق نهی صریح شده است. پس بکشیم کسانی را دوست بداریم که واقعاً کارهایشان مورد رضایت حضرت است و البته تشخیص باطنی این کار هم سخت است.

۲۳۹- یوسف زهرا

چشم همه عشاق ز غم اشک فشانست

ای یوسف زهرا بنما چهره نمایان

۲۴۰- خانه عنکبوت

«...بی‌گمان سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است...» (عنکبوت: ۴۱)
بی‌گمان هر دوستی که در طول دوستی امام زمان **علیه السلام** باشد خوب است، اما اگر دوستی برای دنیادوستی و دنیاپرستی باشد همانند خانه عنکبوت سست است و دیر و زود از بین می‌رود. شخص زیرک می‌داند که دوستی نافع است که همراه محبوب در دنیا و آخرت باشد و اگر آن دوستی برای دنیا باشد سست است و محبوب نیست.

۲۴۱- دوستی جسمانی

ای شیعه حضرت حجت! دوستی موقتی و جسمانی نباید گرفت که ابراهیم خلیل گفت: «... لَا أَحِبُّ الْآفَلِينَ: ... من ناپدید شونده‌گان را دوست نمی‌دارم.» (انعام: ۷۶) و هم بعضی در دنیا مردگان‌اند و دوستی آنان را نشاید کرد. یار جسمانی بود رویش به مرگ صحبتش شومست باید کرد ترک چون در آخر فرد باید ماندن

خو نباید کرد با هر مرد و زن (مولوی)

۲۴۲- طریق عشق

در طریق عشق جانان رنج ره بسیار باید آه سرد و روی زرد و دیده خون‌بار باید

۲۴۳- چشم به راه

خداوند در سوره توبه آیه ۲۴ می‌فرماید: «بگو اگر شما پدران‌تان و فرزندان‌تان و برادران‌تان و همسران‌تان و دودمان‌تان، دارایی‌هایی را که انباشته کرده‌اید و تجارتی که از کساد آن بیم دارید و خانه‌هایی که می‌پسندید از خداوند و پیامبرش و جهاد در راه او نزد شما دوست‌داشتنی‌تر است پس چشم به راه باشید تا خداوند امر (عذاب) خود را (در میان) آورد و خداوند گروه نافرمانان را راهنمایی نمی‌کند». این خطاب به ما هم در عصر غیبت و غربت امام زمان **علیه السلام** می‌باشد؛ نکند ما مصداق این آیه شویم و همه‌چیز را از خلیفه و وارث پیامبر (ص) بیشتر دوست بداریم.

۲۴۴- بلبل آسا

بلبل آسا اندر این گلزار از غم زار باید
عاشق گل را بگو تحمیل رنج خار باید

۲۴۵- مردگان اند

دوستی ورزیدن به بعضی در چند روزه عمر نباید نمود، که اینان در
واقع مردگان اند و دوستی شان پاینده نیست.

ز آنکه عشق مردگان پاینده نیست
چونکه مرده سوی ما آینده نیست (مولوی)

پس دوستی قائم آل محمد را انتخاب کن و دنبالش برو که پاینده
است هم در دنیا و هم در آخرت با تو خواهد بود.

۲۴۶- پرتو

بدان که هیچ فردی به غیر از حضرت محبوب را سزاوار محبوبیت
نیست. اگر کسی هم باشد که دوستی اش نافع بود پرتوی از آفتاب
جمال اوست. هستی همه فرع هستی اوست؛ چطور کسی را انسان
غرق در محبتش باشد که او فرع وجود حضرت جانان است.
همه احسانها از خوان نعمت محبت و فیض مهدوی است. هر جا
قامت محبتی باشد از سرو چمن قدرت حضرت می باشد.

۲۴۷- درد انتظار

درد هجران گرچه عاشق را بود دشوار آری
لیک نبود سخت تر دردی ز درد انتظار

۲۴۸- اجلال دوست

قلب جایگاه نزول اجلال حضرت دوست می‌باشد و نباید بیگانه و دشمن را در آن راه داد. خانه دل را باید از نفس اماره منزه داشت، که محبوب به خانه‌ای نزول می‌نماید که صاف و زلال باشد.

۲۴۹- مراتب دوستی

چون دوستی مراتب و درجات دارد، پس در صدر همه دوستی‌ها محبت امام عصر علیه السلام باید باشد و در طول دوستی او، دوستان خاص‌الخاص و خاص و عام هر کدام به اندازه و جایگاه خودش دوستی ورزند.

۲۵۰- فیض از بالا

محب بداند که اول امام قائم علیه السلام او را دوست می‌دارد، بعد او حضرتش را دوست می‌دارد. «...يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...» (مائده: ۵۴) چون همیشه فیض از بالا و عالی به پایین و دانی است. اول فرکانس محبت محبوب وزیدن می‌گیرد، سپس به طالب و قابل و شائق می‌رسد و این موضوعی است دقیق که جای انکار نیست.

آن محبت‌های لیلی کرد مجنون را اسیر
ور نه آن بیچاره را میل گرفتاری نبود

۲۵۱- وادی عشق

تا دل نبرد ره به سر کوی تو مولا
در وادی عشق تو گرفتار نباشد

۲۵۲- چشم مجنونی

چون عاشق در حب محبوب عالم یگانه شد، هر چیزی که به محبوبش تعلق دارد از رنگ و بو و اسم و مانند این‌ها را دوست می‌دارد. البته چشم مجنونی می‌خواهد که در هر جا نشانی را از او یافت ببوید و ببوسد و دوست داشته باشد و آلا هر بی‌رمق و بی‌حالی، دوغ خورده هرزه مستی می‌کند.

۲۵۳- ایمان ثابت

شرط محبت حقیقی، ایمان ثابت و واقعی است. «...آنان که ایمان دارند خدا را دوست دارترند...» (بقره: ۱۶۵) شدت حب همان عشق است که دوست امام باید ایمان ثابت داشته باشد و آنگاه غلبه در دلش رسوخ کرده باشد تا مصداق دوست‌دارتر به او صدق کند.

۲۵۴- می محبت

می محبت مهدوی برای دوستان است. دوستانی که بنوشند به وجد و طرب آیند و دلشان از اغیار پاک شود. چون پاک گردند خالص در حضرت محبوب شوند و آنگاه این معشوق است که آن‌ها را به وصال برساند.

مرا بشمار جزو یاورانت
مرا کن آشنا با دوستانت

۲۵۵- هم‌نشینی

نصیحت مشفقانه این است: برای ازدیاد دوستی با حضرت محبوب با دوستان و محبتین آن حضرت نشست و برخاست کنید تا از رنگ و بوی آنان بهره ببرید.

به عنبر فروشان اگر بگذری
شود جامه تو همه عنبری
و از رفت و آمد و نشست با افرادی که هیچ تناسبی با حضرت
محبوب ندارند و غوطه در دنیای دون می‌خورند، پرهیز کنید، چراکه
انفاس غیر مهدوی آنان شما را از یار جدا می‌کند.

وگر بگذری سوی انگشت گر
از او جز سیاهی نبینی دگر (فردوسی)
* انگشت گر (زغال فروشی)

۲۵۶- اصل

بدان که محبوبی اصل و شمع است و خوبی‌ها در او سوزاننده محب
است. اگر محبی در محبوبی حضرت محبوب، دچار غلبه و مستی
شود، کم‌کم حبش او را به عشق می‌سوزاند. ببینید پروانه محبوبش
را دوست دارد، آن‌قدر خود را بر آن زند تا بسوزد و از شمع جز خوبی
چیزی نداند.

۲۵۷- مه جبین

دست‌های پر دعای عاشقانت را ببین
کن نگاهی از کرم بر ما امام مه جبین

۲۵۸- گرفتار مجاز

عشق محبوب عالم شمشیر کشیده است اگر عاشقی سر را منحرف
کند و سر از او بردارد، سرش به باد رود.
عاشق او باید چنان غرق محبت‌های او شود که هیچ جمال و کمالی
در دنیا او را به خود مشغول نکند، اگر مشغول کرد، معلوم می‌شود
که او در مجاز گرفتار است.

۲۵۹- غم محبوب

محبّ حضرت قائم اگر واقعاً دوستی‌اش به حقیقت باشد نه به مجاز، حال او در وصال باشد یا در فراق، طاقت ندارد که بشنود یا ببیند، محبوب او را مردم غمناک می‌کنند و رنج به قلبش می‌رسانند. چه آنکه هر اذیت‌ی همانند تیری است که به قلب معشوق می‌خورد پس او را هم دردمند می‌کند.

۲۶۰- عشق روی ماه

هر آن کس که به دل عشق روی ماه تو داد
به شام اول قبرش یقین عذاب ندارد

۲۶۱- بلا مانند آتش

دوست مانند طلاست و بلا مانند آتش است. هرچند طلا در آتش جای بگیرد خالص‌تر شود.
دوست همچون زر، بلا چون آتش است
زر خالص در دل آتش خوش است (مولوی)

ای دوستدار حضرت حجت، نکند در بلاها و رنج‌ها اشکال و اعتراض به ذهنت بیاید که چرا حضرت تو را شفا نمی‌دهد و از غم و رنج‌ها نمی‌رهاند، مگر نمی‌دانی سنگین‌ترین بلاها و غم‌های هزارساله را امام تحمل می‌کند و برای دفع بلا از شیعیان و دوستان، دعا می‌کند. رنج مغز دوستی است و دوستی پوست است اگر محب از بلاها دوری کند، در واقع پوست بدون مغز خواهد. چون مغز در پوست نباشد قیمتی ندارد.

۲۶۲- محبّ یوسف زهرا

محاسبات الهی اگرچه سخت و دقیق است
محب یوسف زهرا غم حساب ندارد

۲۶۳- شکوه محبانه

در زمان غیبت کبری به خاطر طولانی شدن زمان و به وصال نرسیدن
امام عصر علیه السلام و هجران جز صبر چاره‌ای نیست و جای
اعتراض باقی نمی‌ماند، البته شکوه محبانه و عاشقانه اشکالی ندارد.

چون مقسم اوست کفر آمد گله
صبر باید صبر مفتاح الصله (مولوی)

۲۶۴- قلب جای یکی

نمی‌شود ما هم امام زمان علیه السلام را دوست بداریم و هم کسانی
که سنخیتی با حضرتش ندارند؛ یعنی در قلب جای دوست و مخالف
مرام او نیست. کسی به امیرالمؤمنین عرض کرد تو را دوست دارم
و فلان کس (مخالف تو را) هم دوست دارم. امام فرمود: تو دو بین
هستی یا بصیرت را بپذیر و یا کوری را. (حسن صد یوسف، ص ۱۰۳)

هست معشوق آنکه او یکتو بود
منتها و مبدأ تو او بود

۲۶۵- رسیدنی

بزرگی فرمود: اگر کسی عاشق حضرت مهدی است فکرش دائم به او
مشغول است. اگر هم به ظاهر می‌خواهد، اما به باطن سیر در هوای
معشوق عالم دارد و این نکته رسیدنی است.

۲۶۶- پناه عاشقان

به لطف خرد بپذیرم که در دیار وجود
به غیر کوی تو بر عاشقان پناهی نیست

۲۶۷- فرمان برداری

نشانهٔ محب واقعی آن است تا توان دارد از فرمان محبوب سرپیچی
نکند و به همین نکته خداوند فرمود: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي...»
بگو اگر مرا دوست می‌دارید پس مرا پیروی کنید...» (آل عمران: ۳۱)
پس اگر ما در دوستی نسبت به حضرت محبوب، در ظاهر و باطن
پیروی از او نداشته باشیم و خواست او را جلو خواست خود قرار
ندهیم، موجب رنجش او می‌گردیم.
ما دور شمع جمال او به طاعت طواف می‌کنیم. آن قدر در عشق او
طواف می‌کنیم تا در فرمان برداری از او بسوزیم.

۲۶۸- فکر بلبل

ای محب! ذکر و فکر بلبل همه در گل است و گل در حالی که ناز و
عشوه می‌کند، بلبل از یادش خسته نمی‌شود.

فکر بلبل همه آن است که گل شد یارش
گل در اندیشه که چون عشوه کند در کارش
تو هم از یاد محبوبت خسته نشوی، چو یار ناز کند تو نیاز کن.

۲۶۹- دیدار

بیا ای روشنایی شب تار
بگو با عاشقان از روز دیدار

۲۷۰- نام محبوب

محب را اختیاری نیست. گاهی به فیوضات حضرت محبوب به فکر و گاهی به ذکر و وقتی به جذب و زمانی به نشانه‌های او مشغول می‌شود. اگر هزاران نام نزد محب واقعی برده شود، فقط به اسمی که مقصود اوست لذت می‌برد.

صد هزاران نام اگر بر هم زدی

از همه مقصود او یوسف بُدی (مثنوی)

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «هر کس چیزی را دوست بدارد زیاد یاد آن چیز کند.» (خطبه ۱۹۳) نوشته‌اند از مجنون دربارهٔ خلافت بعد از پیامبر (ص) سؤال کردند گفت من در حالت خویش سرگشته‌ام.

ولی دانم ز انوار تجلی خلافت را ز عین المال لیلی

یعنی چون همه آئین و عشقش لیلی است، در جواب هم باز اسم لیلی را می‌آورد. پس ای محب حضرت مهدی، تو کمتر از مجنون نباشی. پس ذکر او باید تمام وجودت را بگیرد و فانی در او شوی و همانند زلیخا فقط از اسم یوسف خوشش می‌آمد، تو هم از اسم او خوشت بیاید.

۲۷۱- شیدای

آنکه شد شیدای مهرت با ولا مهر تو اندر دلش جا دادنی است

۲۷۲- آرامش

نوشته‌اند غلام سیاهی به نام برخ در زمان حضرت موسی بود که به دوستی او خداوند باران را نازل کرد.

خداوند به موسی فرمود: برخ بنده بسیار خوب من است فقط یک عیب در او وجود دارد و آن اینکه سحرها که برای عبادت برمی‌خیزد از نسیم سحرگاهی لذت برده و به وسیله آن آرامش می‌یابد. کسی که مرا دوست می‌دارد نباید توجه و آرامش او به چیز دیگر باشد. (شنیدنی‌های تاریخ، ص ۳۹۸)

ای مدعی محبت حضرت مهدی! من و تو در چه حالی هستیم، توجه و آرامش به چه چیزی داریم؟ آیا واقعاً غیر محبت حضرت تعلق دیگری نداریم؟!

۲۷۳- احباب

بی رخت بسته به روی همه درهای امید
بگشا بر رخ احباب دراز رحمت خویش

۲۷۴- لبریز

مطلبی است دقیق! اگر ما طالب عشق و محبت حضرت ولی‌عصر هستیم چقدر ظرفیت داریم. چون اگر مقداری بیشتر از ظرف ما جام می‌محبت بدهند لبریز می‌شود و آنگاه آن حال لبریز شدن دارای آسیب و آفت است. به این حکایت توجه کنید: طالبی نزد صاحب دلی آمد و گفت: از خدا بخواه من از محبین او شوم. صاحب دل دعا کرد و خداوند دعای او را مستجاب کرد. چند روز بعد صاحب دل او را در صحرا دید که بی‌خبر و افتاده است. عرض کرد: بار الها این بنده را چقدر محبت دادی که به این حال افتاده است؟ تقاضا می‌شود که آن را متعادل‌تر کن تا به انجام افعال روزمره مشغول شود!

خداوند بسیاری از داده‌های به او را از او گرفت و به حالت خودی بازگشت. (ریاض المحبین، ص ۲۰۹)

۲۷۵- جمع‌الجمعی

محبوبان عالم هر کس که باشند یک صورت ظاهری دارند که همگان بدان توجه دارند و یک سیرت درونی که مطلوب است. به خاطر توجه عموم به ظاهر نه درک و وجدان درون، عده بی‌شماری به ناصواب رفتند.

محبوب ما که مقام جمع‌الجمعی دارد، صورت و سیرت را کامل داراست چون ما حضور بالمعاینه او را درک نکردیم و چهره دلربایش را ندیدیم، پس گرفتار افرادی که به ظاهر آراسته و جذاب هستند می‌شویم.

اگر ما احسان‌ها و الطاف بی‌شمار او را در حق خودمان درک می‌کردیم گرفتار دیگری نمی‌شدیم و این واقعیت نیست مگر از عدم معرفت به آن جناب، پس به خودش عرضه می‌داریم ما را دوست واقعی خود نما با عنایت خاص‌الخاص به حق امیرالمؤمنین علیه‌السلام.

۲۷۶- شب هجران

یا رب چه شود این شب هجران به سر آید
محبوب سفر کرده ما از سفر آید

۲۷۷- به یاد ما

ای دوستدار حضرت قائم علیه السلام! شنیدی که: حواریون عیسی (ع) از او خواستند تا از خدا بخواهد که مائدهٔ آسمانی نازل کند. حق اجابت کرد و مائده نازل شد.

خداوند به عیسی فرمود: «ما نعمت خود را به خورندگان دادیم اما ما را دوستانی است که در گرسنگی صبر دارند و از ما جز ما نخواهند و جز به یاد ما نیاسایند؛ به خود نپردازند و از عشق ما به دیگری ننگرند.» (داستان‌های عرفانی، ص ۱۷۸)

حال! آیا ما دوست امامان هستیم، و در گرسنگی صبر داریم و از محبوبمان به دیگری میل نداریم و به یاد او می‌آساییم؟!

۲۷۸- جای تأثر

چون عاشق مولایمان حضرت بقیة الله علیه السلام نشدیم به جسم و جسمانیات مشغول شدیم و همیشه گرفتار سردی و گرمی و شیرینی و تلخی زندگی هستیم و مسئلهٔ درد فراق امام و شوق لقاء او از ما رخ برپسته است و این موضوع جای تأثر و تأسف است.

در کنار سفرهٔ احسان تو جام عشقت با لقاء نوشیدنی است

۲۷۹- دیده مجنونی

ای خواننده ما را دیدهٔ مجنونی نیست که دلمان و ذهنمان این طرف و آن طرف می‌رود.

سایهٔ معشوق اگر بر عاشق بیفتد دیگر جای تفرقه نیست. تفرقهٔ ذهنمان از عدم دیدهٔ مجنونی ماست که نمی‌توانیم حالت حضور داشته باشیم. دیدهٔ زلیخایی می‌خواهد که یوسف را درک کند، لذا

زنان مصری معترض وقتی یوسف را دیدند به جای ترنج انگشتان خود را بریدند. ما چکار کنیم که دیدهٔ مجنونی و زلیخایی نسبت به یوسف زهرا پیدا کنیم؟!

۲۸۰- محتاجیم

محبوب عالم مستغنی است و استغناء او سبب می‌گردد تا محبش کار کند و مناجات نماید و تواضع و نیاز خود را نشان دهد. ما محتاج و فقیریم و طلب ما در دوستی‌مان نباید آنی قطع شود. ما به او محتاجیم و او به ما مشتاق است. اگر عنایت و نظر خاص نباشد کارمان پائیزی می‌شود ولی با عنایت خاص او کارمان بهاری و طلب دوستی‌مان لباس واقعیت می‌پوشد.

۲۸۱- ادرکنی!

از پردهٔ غیبت تو برون کی آیی؟

ای مونس جان عاشقان ادرکنی!

۲۸۲- انس از او

زبان حال محبوب به مُحب این است اگر مرا دوست بداری تو را دوست می‌دارم؛ اگر با من انس بگیری با تو انس می‌گیرم و این زبان حال به‌نوعی دیگر بیان می‌شود که حضرت محبوب می‌فرماید چون تو را دوست می‌دارم تو مرا دوست می‌داری، چون تو را مأنوس خود می‌کنم با من انس می‌گیری.

۲۸۳- حبّ یار

حبّ یارمان اصل است و همهٔ محبت‌ها در طول محبت آن ذات یگانه است؛ چه آنکه همهٔ کمالات در حضرت یار جمع است و دیگران در طول محبت او به درجاتی رسیدند، پس اصل را نباید از دست داد و فراموش کرد.

۲۸۴- بذل روح

عشق و محبت به محبوب عالم اقتضاء می‌کند وصال را، و وصال میسر نمی‌شود مگر به بذل روح؛ و انس به جمال هم اقتضاء می‌کند که قلب از التفات به غیر او ممنوع شود؛ پس افراد محب وقتی در محبت صادق‌اند که قلبشان تعلق به محبوب عالم داشته باشند. (آئین مهرورزی، ص ۸۳)

۲۸۵- جمال یار

پنهان مکن جمال خود از عاشقان خویش
خورشید را برای ظهور آفریده‌اند

۲۸۶- اغیار

در دعای عرفه آمده است که امام حسین (ع) به خدا عرضه می‌دارد: «خدایا تویی که از دل دوستان اغیار را از بین بردی و محو نمودی تا غیر تو را دوست ندارند و به غیر تو پناه نبرند.» (مفاتیح‌الجنان) ما هم به حضرت ولی‌عصر عرضه می‌داریم تا اغیار را از دلمان بیرون نکنی نمی‌توانیم تو را دوست بداریم، پس به حق جمال جمیلت دوستی اغیار را به کلی از دلمان بیرون ببر تا آن‌طور که تو می‌خواهی تو را دوست بداریم.

۲۸۷- قلب خالی

خداوند به حضرت عیسی فرمود: «هرگاه بر قلب بنده‌ای توجه کنم و از دوستی دنیا و آخرت خالی باشد، دوستی خودم را در دلش پیر کنم.» (مقامات معنوی ۳/۶۴)

پس اگر امام عصر **علیه السلام** بر قلب شیعه‌ای نگاه کند که از دوستی دنیا خالی باشد، محبت خود را بر آن دل اندازد.
سؤال این است در کره زمین چند نفر دلشان از محبت دنیا خالی است تا مطروف محبتی در آن آید؟!

۲۸۸- جلوه کن

جلوه کن در شام تاریک دلم مهر تو آغشته با آب و گلم

۲۸۹- طفیل او

ای دوستدار امام قائم! وجود تو از طفیل وجود قطب عالم و امام است. اگر به این نکته رسیدی و می‌دانی که سایه از خود چیزی ندارد. این درخت است که سبب سایه می‌شود پس سایه فرع و درخت اصل است. آن کس که در تابستان سایه را دوست می‌دارد، حتماً قوام او یعنی درخت را دوست می‌دارد. هر کس روز را دوست می‌دارد خورشید را که قوام نور روز با آن است دوست می‌دارد.
در نتیجه قوام ما و شما به اصل که امام است می‌باشد. پس باید او را که اصل و موجد و متبوع ماست دوست بداریم که ما وابسته و تابع آن اصل هستیم.

۲۹۰- خسارت بزرگ

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس محبت را در غیر جایگاهش قرار بدهد خویش را در معرض جدایی انداخته است.» (بحارالانوار ۱۸۳/۷۴) پس کسانی که از موذت حضرت صاحب به دورند، معلوم می‌شود نور دوستی حضرتش در دل آن‌ها نیست و دل را برای دوستی اغیار قرار دادند و این خسارت بزرگی است.

۲۹۱- رخ ماه

من که عاشق به رخ ماه توام همچو موری به پناهگاه توام

۲۹۲- سپاسگزاری

بدان هر داده‌ای از حق تعالی به وسیله خلیفه او به مخلوق می‌رسد. چون عطایش نامتناهی است خلق آن را درک نمی‌کند. اما دوستدار حضرت ولی عصر این را درک می‌کند که محبوب معطی است و همه داده حقانی به وسیله حضرتش به او رسیده است؛ پس سپاسگزار و شاکر عطایای حضرت محبوب باشد.

در زیارت جامع آل یاسین (ترجمه نگارنده) از املاء حضرت صاحب الامر خطاب به امامان عرضه می‌داریم: «...از تقدیرهای او این است که به وسیله شما، بخشش‌های نیکوی خویش را که حتمی نمود به بندگان می‌رساند. پس هیچ بخششی انجام نمی‌پذیرد مگر اینکه شما سبب آن و راه رسیدن به آن هستید...»

پس تشکر از معطی و محسن از دوستدار لازم و ضروری است و نباید سپاسگزاری از حضرت محبوب را فراموش نمود.

۲۹۳- ماه تابان

عاشقان روی ماهش را بگو ماه تابان جهان آید همی

۲۹۴- خلوت شب

خداوند به حضرت موسی فرمود: «دروغ می‌گویند کسی که گمان می‌کند مرا دوست دارد، چون شب شود به غفلت می‌خوابد، آیا این‌طور نیست که هر محبی خلوت با دوست را دوست دارد.» (میزان الحکمة ۲/۲۲۵)

عرض می‌کنم اگر ما محب حضرت بقیة الله هستیم، خلوت و راز و نیاز با او را دوست می‌داریم و ابراز می‌داریم. آیا شب‌ها در خلوت با او زمزمه داریم و با دل او را می‌خوانیم یا با خستگی جسمی و روحی تا صبح می‌خوابیم و او را فراموش می‌کنیم؟!

۲۹۵- یک محبوب

لوح دل جای یک محبوب است و این قاعده‌ای است که جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست و این گفته رسیدنی و چشیدنی است.

نیست در لوح دلم جز الف قامت یار
چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم

۲۹۶- آیینۀ نو

عاشقانت همه غرق ناله‌های هجران
تو بیا که عالم از تو شود آیینۀ نو

۲۹۷- سیرت

سیرت، مایه آرامش عاشق می‌شود و البته سیرت محبوبی همراه ما باشد و از او جدا نشود. جوهره وجود آدمی رسیدن به حقایق مهدوی است که معدوم نمی‌گردد. اما آنکه عاشق سیرت نیست، گرفتار الفاظ و صورت و خیال است. راه مهدوی فقط با حقیقت، محب را جلو می‌برد و با مجاز و ظواهر کاری از پیش نمی‌برد.

۲۹۸- تجزیه

شنیدی که عاشقی به معشوق رسید؛ نامه‌هایی را که برای او نوشته بود خواند. معشوق گفت: تو به من رسیدی، خواندن نامه‌های گذشته تلف کردن وقت است. عاشق گفت: من حالت عشق گذشته‌ام را برایت ترسیم می‌کنم که چه بر من گذشت. معشوق گفت: پس من معشوق تو نیستم، بلکه معشوق تو دو چیز است یکی وجود من و دوم آن حالت دوری، پس من جزئی از مقصود هستم. (داستان‌های مثنوی ۹۰/۲)

پس وقتی کسی عاشق حضرت قائم باشد، نباید تجزیه پردازی کند که معشوق مافوق حالت‌هاست و قابل تجزیه نیست و این نکته‌ای بس دقیق است.

۲۹۹- شفاعت

امید شفاعت از تو دارم مولا

عشقت به دلم صحن و سرای دارد

۳۰۰- اکسیر اعظم

ای شیعه! امان از رفقای ناجنس که نیش و زهرشان از مار و اژدها بدتر است که انسان را از مولایش جدا می‌کند و این افراد کم نیستند. بهتر آن است که هم‌نشین محب حضرت را پیدا کنید که آنان به منزله اکسیر اعظم هستند و با آنان دوستی جویند تا با همدلی به حضرتش نزدیکی بجویند و مورد عنایت قرار بگیرند.

ای فغان از یار ناجنس ای فغان
هم‌نشین نیک جویند ای مهان (مثنوی)

۳۰۱- خیال محبوب

یار (محب) از خیال یار (محبوب) قوت می‌گیرد و می‌بالد و حیات می‌گیرد. وقتی مجنون از خیال لیلی قوت می‌گیرد؛ جایی که خیال معشوق مجازی را این قوت و تأثیر باشد که یار او را قوت بخشد، یار حقیقی را چه عجب داری که خیال او قوت‌ها بخشد در حضور و در غیبت؟

چه جای خیال است؟ آن خود جان حقیقت‌هاست؛ آن را خیال نگویند. (فیه ما فیه، ص ۱۰۵)

ای عزیز ای عشق بی‌همتای حق ای یار من
چشم ما دائم به راهت دست‌ها بر آسمان

۳۰۲- مدعیان

متأسفانه عده‌ای مدعی عشق امام زمان علیه‌السلام هستند که خودشان در خودپرستی گرفتار و از اسرار عشق بی‌خبرند.

با مدعی مگوئید اسرار و عشق و مستی

بگذار تا بمیرد در رنج خودپرستی

مدعیان با زبان، مذمت دنیا و مدح عشق کنند و با گریه‌ها و زهد ریایی و الفاظ و اشعار مهدوی دل‌های ساده‌لوحان را صید کنند و از مریدان منافع مادی و ظاهری برند؛ در واقع عشق امام همان حواله‌ها و باغ‌ها و دست‌بوسی‌ها و دعوتی‌ها و مدح‌ها و... می‌شود. بیچاره ساده‌لوحان از ظاهرشان به دام می‌افتند و از باطن و نهانشان هیچ خبری ندارند.

امیرالمؤمنین فرمود: «چگونه ادعای دوستی خدا می‌کنند کسانی که در قلب آنان دوستی دنیا ساکن شده است.» (میزان الحکمة ۲/۲۲۸)

۳۰۳- فروغ دل

ای فروغ دل احباب بیا دل شد از آتش غم آب بیا

۳۰۴- تزکیه

برای رسیدن به محبوب تزکیه روح لازم است؛ چراکه محل تجلی باید از رذایل پاک باشد. ظرف روحی نباید آلوده باشد چون می‌محبت در ظرفی ریخته می‌شود که قابلیت داشته باشد و آن هم بدون تزکیه نمی‌شود.

۳۰۵- گمشده

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «عجب دارم از کسی که گمشده‌اش را دنبال می‌کند درحالی‌که نفس خود را گم کرده و آن را نمی‌طلبد.» (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹) ما دنبال گمشده‌ایم ولی از ساختن خانه برای دلبر و آمدن آن محبوب خود را گم کردیم و نمی‌دانیم چه کار کنیم.

البته وقتی کسی عاشق حقیقی حضرت محبوب شد، گمشده ندارد و خانه دلش جای اوست.

عاشق دل داده را در دل به جز دلدار نیست
نقش بر لوح ضمیرش غیر نام یار نیست

تا به کی در کوچه و بازار جویی یار را
یار ما را مسکن اندر کوچه و بازار نیست

عکس جانان را کجا بینی تو در مرآت دل
گر تو را آیینۀ دل پاک از زنگار نیست

۳۰۶- تیر عشقت

گرچه من لایق بودم صید چشمان تو گردم
سینه ناقابل شد تیر عشقت را نشانه

۳۰۷- آسیبها

داده‌های حق، بندگان را از عطایاست، ولیکن بعضی‌ها عطیه‌ها را در جای خود مصرف نمی‌کنند و افراط می‌نمایند و از عطایای بزرگ غافل می‌شوند. مثلاً خداوند در قرآن درباره همسران فرمود: «از آیات او این است برای شما از خودتان همسرانی خلق کرد تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد...» (روم: ۲۱) بسیاری در مودت زن افراط کردند و آن‌ها را قبله خود ساختند و زن‌سالاری را برگزیدند و از مودت عطایای بسیار بزرگ یعنی حضرت حجت غافل و ساهی شدند و این از آسیب‌هایی است که کسی کمی دقت کند درک می‌نماید.

۳۰۸- مقربین

افرادی که ترس از جهنم و یا شوق به بهشت دارند، دارای حالاتی از خوف و رجا هستند؛ اما کسانی که محبت محبوب را دنبال می‌کنند حالاتشان با آن دو دسته فرق می‌کند چنانکه حضرت عیسی به محبین فرمود: «شما مقربین به خدایید.» (نمونه معارف ۱۱۸/۴) امید است دربارهٔ افرادی که در محبت حضرت حجت فانی هستند مصداق مقربین پیدا کنند.

۳۰۹- بهانه

عقل می‌گوید تو را با حضرتش سنخیتی نیست
پای عشق آمد به میدان دل تو را گیرد بهانه

۳۱۰- حشر با محبوب

ای شیعهٔ حضرت قائم علیه السلام! این حدیث را شنیدی؟ برید بن معاویه عجلی گوید: خدمت امام باقر (ع) بودم که شخصی پیاده از خراسان محضر امام آمد. آن شخص دو پای خود را نشان داد که بر اثر راه رفتن پوست انداخته بود.

پس عرض کرد: به خدا قسم مرا از خراسان به اینجا چیزی جز محبت شما اهل بیت نکشانده است.

امام فرمود: به خدا قسم، اگر سنگی ما را دوست داشته باشد، خداوند او را با ما محشور خواهد کرد، آیا دین جز محبت است؟ (تفسیر عیاشی ۱/۱۶۷)

پس تو ای شیعه! اگر امام زمانت را دوست بداری حتماً با او در دنیا و آخرت محشور باشی، که اساس دین‌داری حقیقی بر تولی بنا نهاده شده است.

۳۱۱- جلوه‌گر

لبلب جان چند داری از غم عشقش فغان
عاقبت آن گل به گلشن جلوه‌گر خواهد شدن

۳۱۲- صفت ممتاز

ای خواننده قرآنی! در قرآن در جاهای فراوان خداوند ابراز می‌دارد که او دارندگان صفات ممتاز را دوست دارد از جمله: محسنین، مقسطین، متقین، متوکلین، متطهرین، توابین، صابرين و ... وقتی شما ملبس به این صفات باشی نأب او حضرت حجت هم شما را دوست می‌دارد، پس باید زحمت بکشی تا به این خصایص ارزنده برسی و موردنظر حضرت محبوب قرار بگیری.

۳۱۳- لایق کن

زنم من لاف عشقت را بیا ما را تو عاشق کن
نباشم لایق وصلت بیا ما را تو لایق کن

۳۱۴- کوی صلاح

کار به عنایت است! تا کدام فیض و تجلی و در چه زمان و مکان، نصیب سائل و فقیر و مسکین باب مهدوی شود. حضرت عیسی را دیدند که از خانه زن ناپارسایی آمده است. عرض کردند یا روح‌الله این خانه جای تو نبود، چطور به این خانه رفتی؟ فرمود: شب برای مناجات با حق تعالی از این کوچه می‌رفتم، ندا آمد به در این خانه رو. چون داخل شدم زن مرا بدید، به خاک افتاد و بنای تضرع گذاشت و با توبه به کوی صلاح آمد. حق تعالی فرمود: ما

می‌خواستیم تو این زن را در رشتهٔ دوستان ما کشی، از این جهت راه را بر تو بگردانیدیم. (داستان‌های عرفانی، ص ۵۲)

یک‌ذره عنایت تو ای بنده نواز

بہتر از ہزار سال تسبیح و نماز

۳۱۵- خزان

ظہور تو دعای عاشقان است ز دوریت بہار ما خزان است

۳۱۶- از باب لطف

بدان کہ دوستی حضرت مہدی بہ دوستانش از باب احتیاج نیست، بلکہ از باب لطف و فیض و مرحمت است، کہ خواستہ آن‌ها را تا بہ درجہ‌ای از محبت خود برساند. چہ آنکہ فیاض دائم در حال فیض رسانی است و این آدم‌ها ہستند کہ باید این نکتۂ بسیار پرارزش را درک کنند.

۳۱۷- آسیب‌پذیری

ای منتظر! اگر معلمی بہ شاگرد، یا پدری بہ فرزند یا سلطانی بہ رعیت و مانند این‌ها دوستی بورزد خواه‌نخواہ روزی آفت بہ این دوستی می‌خورد؛ اما دوستی امام عصر **علیہ السلام** بہ شیعیان هیچ‌گاہ آفت نمی‌خورد، مگر خودشان سبب ہبوط و حجاب شوند، چہ آنکہ فیاضیت او آسیب‌پذیری ندارد و محبین بہ خاطر کردارشان آسیب‌پذیری دارند.

۳۱۸- معشوق

ہست معشوق آنکہ او یکتو بود مبتدا و منتہایت او بود

۳۱۹- صورت حیوانی

یکی از منتظران حضرت حجت به نومی صادقانه دید مردم خدمت امام می‌رسند و متأسفانه بعضی‌ها صورت حیوانی داشتند و امام حاجت آنان را می‌داد. رسولی از جانب امام خدمت رسید و گزارشی از کسی داد. امام فرمود: «ما از آن‌ها انتظاراتی دیگر داریم ولیکن این‌ها گاه‌گاهی دلمان را به درد می‌آورند!»

حال وای بر من! که اظهار دوستی به حضرتش می‌ورزم و سبب غمناکی دل نازنینش می‌شوم!

۳۲۰- قرعاً دوستی

ای دوستدار! اگر نمی‌دانی بدان، که هزاران کس طالب دوستی بودند، اما قرعه به نام تو زده شد، قدر دوستی حضرت قائم را غنیمت بشمار و از حضرتش تشکر کن، که او بود تو را از خواب بیدار کرد و جام می‌محبت به گلویت ریخت و تو را به محبت خودش مشغول کرد.

فکر نکنی که تو مستحق بودی و باید این فیض به تو می‌رسید، بلکه؛ «شاهان بسیار التفات به سوی گدا کنند» معطی مطلق عطایش بدون استحقاق هم می‌باشد!

۳۲۱- ثنای تو

زان شبی کاندرا این دل افکندی

مهر خود جمله در ثنای توام

۳۲۲- پروانه

بعضی ادعای عاشقی امام زمان علیه السلام می‌کنند و فریاد و ناله و شکوه بسیار دارند. اگر کسی عاشق واقعی باشد، عاشقی را، از پروانه بیاموزد که به دور شمع طواف کند و بسوزد و بال و پرش سوخته گردد و خاکستر شود و ناله‌ای هم از او بلند نگردد.

ای شیفته‌دل، عشق ز پروانه بیاموز
 کان سوخته را جان شد و فریاد نیامد

۳۲۳- نیک بختی

ما همه وجود و هستی خود را در راه امامان بدهیم، تا به لقای جمال او لیاقت دیدار پیدا کنیم.

عارفی به صحرا رفت و بعضی را دید (از تشنگی و گرسنگی) در حال جان دادن بودند. عرض کرد خدایا از اینان چه می‌خواهی و در عوض چه می‌دهی؟ فرمود: «جان ایشان بگیرم و دیه بدهم و دیه آنان دیدار جمال ما باشد.» (داستان‌های عرفانی، ص ۱۰۷)

اگر ما هستی خود را بدهیم و در عوض جمال محبوب عالم حضرت حجت را ببینیم برایمان نیک بختی باشد.

دوست دارم به راه مهر تو ماه
 کشته‌گردم که جان فدای توأم

۳۲۴- پیوند معنوی

از تجربیات بعضی اساتید آن است که برای جلب محبت محبوب و ایجاد شعله دوستی، اتصال روحی و پیوند معنوی بسیار مهم است.

یعنی محب شبانه‌روز در فکر عالم باشد و غافل از او نشود.

(حضوری گر همی خواهی مشو غافل از او حافظ)

مقام حضور برای محب خیلی راهگشاست که محبوب را حاضر و ناظر بداند و این مطلب را درک کند.

۳۲۵- ازدیاد معرفت

چون محبت فرع معرفت است، پس هر چه شناخت منتظر نسبت به حضرت قائم بیشتر شود، محبتش بیشتر می‌گردد. پس در ازدیاد معرفت باطنی نسبت به امام باید کوشا بود تا به این حقیقت دست یافت.

۳۲۶- نور محبت

سلام ای مصدر نور محبت سلام ای شعر پر شور محبت

۳۲۷- کیفیت عمل

اصلی است که راه برد آن برای کسی که می‌خواهد به معشوق عالم نزدیک‌تر شود، قابل‌توجه است و آن این است که هر کار و عمل و نیّتی که سبب می‌شود انسان به قرب محبوب برسد آن را اجرا و عملی کند.

منظور کمیت عمل نیست بلکه کیفیت است مانند اخلاص که از نظر کیفی در تمام اعمال، علامت قبولی همراهش می‌باشد.

۳۲۸- زیارت دوستان امام علیه‌السلام

استاد فرمود: «چون دستت به محبوب عالم نمی‌رسد و لقاء او از اسرار

است و از آن طرف باید مٌهر بخورد تا منتظری به دیدارش موفق

شود، پس دوستان امام را زیارت کن و آنان را دوست بدار، تا این مواصلت سبب الطاف بی‌کران حضرت مهدوی به تو شود.»

۳۲۹- منظور محبت

سلام ای نکته پیوند هر عشق که می‌باشی تو منظور محبت

۳۳۰- قرب حضرت علیه السلام

دوستداری پرشش نمود چه چیزی می‌تواند ما را به قرب حضرت محبوب بکشاند. گفته شد دوستی هر عملی که انسان را به قرب او بکشاند. به تعبیر دیگر اعمال شبانه‌روز باید از روی حب باشد نه اکراه، چه آنکه موج حب شخص را به طرف موالات می‌کشاند و موج اکراه حالت توقف و بی‌رنگی پیدا می‌کند.

۳۳۱- طاقت بلاکشی

اگر کسی شنید که مجنون در طواف کعبه دست به دعا برداشت و عرض کرد خدایا عشق لیلی در دلم بیفزای و بلای او یکی هزار کن. (داستان‌های عرفانی، ص ۱۸۱)
آیا ما را طاقت بلاکشی حضرت مهدی است، اگر طاقت داریم تا چه مقدار و اندازه؟ نکند مدعی شویم و در وقت آمدن بلاها از کوره به در رویم و مردود شویم!

۳۳۲- بگشاید (دیده)

دیده بر دوستان چو بگشاید جسم و جان پر ز محتوا گردد

۳۳۳- زیارت حضرت علیه السلام

زیارت حضرت حجت علیه السلام از هر جا و مکان، دور و نزدیک باشد فرقی نمی‌کند، فقط زائر باید شرایط واقعی را در سلام و زیارت و نماز داشته باشد. آن وقت محبوب به محب و زائر خود می‌نگرد. بسیاری به زیارتگاه امامان می‌روند، ولیکن شرایط آنان کم‌رنگ است. اگر شرایط جمع باشد مزور زائر محب خود را مورد لطف محبانه قرار می‌دهد و زیارت بقیة الله که در هر مکان و زمان رواست و انشاء الله محب منتظر، اگر دارای شرایط باشد امواج مهدوی به قلبش می‌رسد.

۳۳۴- حال محبت

از اخبار مرویه برمی‌آید که هر کس، شخصی را دوست می‌دارد ابراز و اظهار کند که مواصلت را پیوند دهد و رشته علاقه را افزون نماید. وظیفه ما در اظهار محبت به حضرت محبوب چگونه باشد؟ قالب‌ها و احوال دوستان با هم فرق می‌کند، نمی‌شود یک قاعده برای همه گفت. پس هر کس با حال محبتی که دارد نسبت به امام عرضه بدارد.

۳۳۵- خوشا

خوش آن کس که در وادی عشق است
که معشوق تو، صهبایش تو باشی

۳۳۶- حشر با محبوب

نوشته‌اند مردی نزد پیامبر (ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا قیامت کی خواهد رسید؟ فرمود: برای قیامت چه مهیا کرده‌ای؟

عرض کرد: من نماز و روزه زیادی تهیه نکرده‌ام، جز آن‌که خدا و پیامبرش را دوست می‌دارم. فرمود: «مرد به آنچه دوست دارد محشور خواهد گشت.» (نمونه معارف ۱۱۷/۴)
 ای منتظر آیا تو برای قیامت دوستی منتظر را در جانت جا دادی تا در آن روز با حضرتش محشور شوی؟!!

۳۳۷- آخرین امام

از پیامبر (ص) دربارهٔ امامان بعد از او پرسیده شد. فرمود: «سوگند به آفرینندهٔ آسمانی که دارای بروج است، به درستی که شمارهٔ آن‌ها چون شماره‌های برج‌های آسمان و عدد ماه‌هاست.»
 سائل پرسید آنان کیستند؟ پیامبر (ص) دست بر سر علی (ع) نهاد و فرمود: «اول آن‌ها این است و آخر آن‌ها مهدی است. هر کس آنان را دوست بدارد، پس مرا دوست داشته و هر کس ایشان را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است.» (العبری الحسان ۳۴۱/۱)

۳۳۸- غایب ز میانه

ای تیر غمت بر دل عشاق نشانه
 خلقی به تو مشغول و تو غایب ز میانه

۳۳۹- سود دوستی

دانسته شود که دوستی دیگران برای امام (ع) سودی ندارد بلکه سود آن برای دوستداران اوست که در دنیا و آخرت نصیب آنان می‌شود. خداوند فرمود: «بگو هر پاداشی از شما خواسته‌ام برای خود شماست...» (سبأ: ۴۷) و پیامبر (ص) فرمود: «...من از شما جز مودت (محبت عملی) خویشاوندانم، مزدی برای رسالت

نمی‌خواهم...» (شوری: ۲۳) پس دوستی حضرت حجت (عج) که یادگار و خویشاوند واقعی پیامبر (ص) است لازم و واجب است و نتیجه این دوستی به خود افراد دوستدار می‌رسد.

۳۴۰- محبت حضرت

وقتی حضرت مهدی شبانگاه در مکه ظهور می‌کند، پس سبب و سبزه مرد گرد او بدون قرار قبلی حضور می‌یابند. ...پس خداوند محبت او را به دل مردم می‌اندازد. (تاریخ پس از ظهور، ص ۲۹۸)

۳۴۱- لوح ضمیر

عاشق دلداده را در دل بجز دلدار نیست
نقش بر لوح ضمیرش غیر نام یار نیست

۳۴۲- نام مهدی

هنگامی که مهدی (ع) ظهور خواهد کرد، نام او بر سر زبان‌ها خواهد بود. وجود مردم سرشار از عشق و محبت به او می‌شود؛ به گونه‌ای که جز نام او هیچ نامی در یاد و زبان آنان نیست و با دوستی او روح خود را سیراب می‌کنند. در آن هنگام گشایش بر مردم می‌رسد به طوری که مردگان آرزوی زندگی دوباره می‌کنند. پس عموم مردم از رأفت و برکات وجودی آن حضرت برخوردار خواهند بود. (آینده جهان، ص ۱۸۰)

۳۴۳- مقام محبت

امام زمان (ع) فرمود: «هر یک از شما باید به آنچه او را به مقام محبت ما نزدیک می‌کند عمل نماید.» (ما یقرب به من محبتنا)

پس اگر عبادتی یا عمل مستحبی یا دعا و یا زیارتی خاص بتواند مقدمه‌ای برای ایجاد محبت بیشتر به امام زمان علیه السلام باشد انجام آن وظیفه خواهد بود که به فرمان صریح به عهده شیعیان قرار گرفته است. (دویست پرسش ۱/۳۴۵)

۳۴۴- منزل یار

تا به کی در کوچه و بازار جویی یار را
یار ما را مسکن اندر کوچه و بازار نیست

۳۴۵- پایداران

پیامبر (ص) فرمود: خوشا به حال صبر کنندگان در غیبت «مهدی (ع)» خوش به حال پایداران بر محبت او! (للمقیمین علی محبته)، آن کسانی که خداوند در کتابش وصفشان کرده «این کتاب هدایت است برای متقین، آنان که به غیب ایمان دارند. (بقره ۲-۳)» (ذهنیت مستشرقین، ص ۳۳)

۳۴۶- معشوق شیعه

هر کسی در این عالم به چیزی انس می‌گیرد و مأنوس می‌شود. محبوب یا مجازی است که محب به آن انس می‌گیرد و یا معشوق حقیقی است که عاشق سرگشته اوست. معشوق شیعه، حقیقی است و چشم عاشقانش همیشه دل به راه مشاهده تجلیات اوست و از راز و نیاز با او لذت می‌برد و انیسی در دل به غیر او ندارد. عکس جانان را کجا بینی تو در مرآت دل
گر تو را آئینه دل پاک از زنگار نیست

۳۴۷- دوستدار مهدی

پیامبر (ص) فرمود: «طوبی لمن أحبّه: خوش به حال کسی که مهدی را دوست داشته باشد.» (کاوشی در مهدویت، ص ۳۲)

۳۴۸- علم تقلیدی

در ایام غیبت کبری دیده و شنیده شده که بعضی که محب حقیقی نیستند و مدعی عشق حضرت حجت هستند، متأسفانه خریداران ساده‌لوح به الفاظ و حالات آنان گرفتار می‌شوند.

علم تقلیدی که آن بی جان بود طالب روی خریداران بود
آن مقلّد صد دلیل و صد بیان در زبان دارد، ندارد هیچ جان
(مثنوی)

مدعیان عشق امام، گاهی به آهی سرد و وقتی به آرام صحبت کردن و سر به پائین انداختن و زمانی به صعقه و بانگ زدن ناگهانی و گاهی تفألی به اشعار و وقتی به گرفتن مقامات و زمانی به فخر و بالایی خود و... می‌پردازند درحالی‌که در مکنون قلب این مدعیان از عشق امام خبری نیست.

۳۴۹- شرب حب

امیر مؤمنان فرمود: «هنگامی‌که منادی آسمانی بانگ برآورد که حق با محمد و آل محمد است، پس نام مهدی بر سر زبان‌ها می‌افتد و محبت او در دل‌ها جای می‌گیرد (یشربون حبه) و دیگر کاری جز یاد نام او نخواهد داشت.» (ظهور مهدی از دیدگاه اسلام، ص ۲۸۷)

۳۵۰- سنخیت

تناسب روحی میان عبد و مولی از واژه‌هایی است که برای بیان سنخیت در زمان غیبت کبری می‌توان استفاده کرد. چه آنکه روح‌های آشنا با یکدیگر الفت می‌گیرند. آیا ما در روزگار عمر خودمان با کارهایی که دوست آفرین است توانستیم تناسبی با امام مهدی علیه السلام داشته باشیم؟

اگر ذره ذره بذر دوستی بکاریم، عاقبت آهن‌ربای محبوب عالم، آهن وجود حبی ما را جذب می‌کند.

۳۵۱- عشق می‌ورزند

حکومت حضرت مهدی بر اساس رفق و مدارا و منطق و اخلاق و تعامل و تراضی با مردم است و رابطه دستانه با دیگران دارد. از روایات برمی‌آید که او محبوب مردم خواهد بود.

پیامبر (ص) فرمود: «خداوند محبت مهدی را در دل‌ها می‌اندازد» «ساکنان آسمان و زمین از او خشنود هستند» «اهل زمین و آسمان به او عشق می‌ورزند».

پس در چنین جامعه‌ای همه مردم به او عشق می‌ورزند و از صمیم قلب دوستش دارند و مطیع اوامر او هستند. (آینده جهان، ص ۱۹۷)

۳۵۲- دل مؤمنان

امام سجاد (ع) فرمود: خداوند به ما علم و حلم و سخاوت و شجاعت و محبت در دل مؤمنان عطا کرده است. (کاوشی در مهدویت، ص ۳۴) از این بیان معلوم می‌شود که محبت امام زمان علیه السلام در دل هر کسی که مؤمن واقعی و قابل باشد، از عطایای حق تعالی است.

۳۵۳- دوستی در سرشت

صفوان بن یحیی گوید روزی خدمت امام رضا (ع) بودم سخن از اهل قم به میان آمد. حضرت برای آنان طلب آموزش کرد و فرمود: خداوند از آنان خشنود باشد. آنان بهترین پیروان ما از بین شیعیان هستند. خداوند سبحان دوستی ما را در سرشت آنان قرار داده است. (عصر ظهور، ص ۲۴۲)

پس این بشارت، برای اهل قم که دوستی امام عصر علیه السلام را دارند، بشارتی ممتاز و جان فزااست.

۳۵۴- دوستی خلیفه‌ات

پیامبر (ص) در خواسته‌ای در باب محبت به خدا می‌گوید: خدایا؛ ۱- مرا روزی کن دوستی خودت، ۲- و دوستی دوستانت، ۳- و دوستی آن کس که مرا به دوستی تو نزدیک گرداند. (جامع السعادات ۱۵۱/۳) ما هم به خداوند عرضه می‌داریم: خدایا؛ ۱- ما را روزی کن دوستی خلیفه‌ات امام عصر (ع)، ۲- و دوستی دوستان او، ۳- و دوستی آن کس که ما را به دوستی حضرتش نزدیک گرداند.

۳۵۵- دوستی عملی

امام عصر علیه السلام فرمود: قصد خودتان را به سوی ما با مودت بر مبنای عمل به سنت روشن قرار دهید. (قصدکم ایلینا بالمودة) (غیبت صغری، ص ۶۷) از این بیان چنین استفاده می‌شود که شیعه برای رسیدن به مقاصد مهدوی عمل به سنت را به اجرا درآورد البته آن با دوستی عملی همراه باشد.

۳۵۶- حقیقت دوستی

اگر مؤمنی حقیقتاً مؤمنی را دوست بدارد در قیامت روی او از خورشید درخشان‌تر است و به حال او فرشته و پیامبر مرسل غبطه می‌خورند. مردم سؤال می‌کنند اینان کیانند؟ گفته می‌شود: اینان برای خدا یکدیگر را دوست می‌داشتند. (جامع السعادات ۱۸۳/۳)

حال ای منتظران امام عصر، شما اگر دوستان امام را دوست بدارید و ابراز مودت کنید، اولاً امام خوشحال می‌شود، ثانیاً اثر وضعی این اظهار دوستی در قیامت به این چنین مقامی خواهید رسید.

۳۵۷- درک قائم اهل بیت

پیامبر (ص) فرمود: «خوش به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و در غیبت و پیش از قیامش پیرو او باشد، و دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد. چنین کسی در روز قیامت از رفقا و دوستان من و گرامی‌ترین امت من خواهد بود.» (فرهنگ‌نامه مه‌دویت، ص ۴۲۱)

در این بیان، تولی و تبری دوستان امام عصر **علیه السلام** مطرح شده است. اگر دوستدارانش این چنین شرافت دارند، خود امام که ولایت مطلقه و مقام جمع‌الجمعی دارد چقدر شیعه در تولی و تبری نسبت به او ابراز کند؟

۳۵۸- ملاقات خدا

پیامبر (ص) فرمود: «هر کس دوست دارد خدا را ملاقات کند درحالی‌که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد.» (فلیتول الحجة صاحب الزمان المنتظر) (پس دوست بدارد حجت صاحب الزمان

منتظر را). (گفتمان مهدویت چهارم، ص ۱۵۵) لقاءالله با ایمان کامل و اسلام نیکو وقتی حاصل می‌شود که دوستی حضرت حجت همراه منتظر باشد و این به لفظ و ادعای مجازی و لقلقه زبان نمی‌شود.

۳۵۹- محب مجازی

کسی پرسید، اگر شخصی فردی را به‌عنوان محب و عاشق حقیقی، مرید و محب شده است و پس از سال‌ها معلوم گردید او مدعی و به مجاز بوده است، آیا این شخص کارهایی را که به خاطر دوستی کرده، همه منتفی و مردود است یا به اجر و ثواب می‌رسد؟ در جواب گوییم؛ امام باقر **علیه‌السلام** فرمود: «اگر شخصی مردی را به خاطر خدا دوست داشته باشد خداوند او را برای دوستی او ثواب می‌دهد اگرچه آن را که دوست دارد در علم خدا از اهل جهنم باشد.» (جامع السعادات ۱۸۳/۳) پس از این بیان معلوم می‌گردد که اعمالش به صواب بوده و ثواب برایش نوشته و مقبول است.

۳۶۰- یاد یار غائب

حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: (امام دوازدهم) از ما، از دیدگان مردم غایب می‌شود ولی یاد او از دل‌های اهل ایمان نماند نمی‌شود. (گفتمان مهدویت چهارم، ص ۱۵۵) همیشه یاد کردن واقعی نشانه‌ای از حب است که ذاکر محبوب غائب خود را یادآوری می‌کند.

۳۶۱- یار همدل

در برخی از روایات از یاران حضرت مهدی به رفقا نام برده شده است که در لغت به معنای دوستان همدل و همراز، با لطف و صفا، دوستان بزم و رزم است.

آن‌ها دوستی‌شان چنان محکم است که گویا برادران تنی‌اند و همه‌شان از یک پدر و مادرند، گویا یک پدر و مادر آنان را پروریده‌اند. (هزار و یک نکته پیرامون امام زمان (ع)، ص ۵۲۸)

۳۶۲- مظهر رحمت

امام زمان **علیه السلام** مظهر رحمت مطلقه حق تعالی و کانون محبت و عاطفه است. اینکه بعضی گفته‌اند امام زمان **علیه السلام** ظهور کند آن قدر انسان‌ها را می‌کشد که خون همه جای زمین را می‌گیرد و تا رکاب سواری حضرت بالا می‌آید، این مطلب اولاً سندش ضعیف و ساخته دشمنان شیعه است و ثانیاً چون دشمنان امام را نمی‌شناسند که چقدر دوست دارد همانند جدش همه هدایت شوند؛ این پرداخته‌ها را به خورد افراد ضعیف می‌دهند.

۳۶۳- اراداً خدا

پیامبر (ص) فرمود: «هرگاه خدا بنده‌ای از امتم را دوست داشته باشد محبت او را در دل‌های برگزیدگان خود و ارواح ملائکه و ساکنان عرش می‌گذارد تا او را دوست بدارند.» (جامع السعادات ۱۵۵/۳) ای دوستدار حضرت بقیة الله، اگر درک کردی که امام خلیفه و برگزیده خدا تو را دوست می‌دارد، معلوم می‌گردد که از قبل اراده خداوند تعلق گرفته بود و در زمان حاضر مورد دوست‌ورزی امام نسبت به تو شده است.

۳۶۴- گنج مهدوی

به دست آوردن گنج مرهون تلاش و رنج است. با زحمت و کوشش هر چیز قیمتی به دست می‌آید. کسی که ادعای عشق به حضرت

حجت (ع) می‌کند باید از خود بگذرد و مانند عود بسوزد و با بلاها دست‌وپنجه نرم کند.

چند در آتشی نشستنی همچو عود

چند پیش تیغ رفتی همچو خُود

(خُود: کلاه‌خود) آنکه قلبش سوز و آه ندارد و صحت را بهتر از مرض و فقر را بهتر از غنی می‌داند، چنین شخصی نمی‌تواند به گنج مهدوی دست بیابد و رنگ و بوی عشاق را نمی‌تواند بگیرد.

۳۶۵- کتمان سرّ

آنانی که لقاء محبوب توفیقشان شد، چون این موضوع سرّ است آن را نزد اغیار نمی‌گویند، چراکه سرّ دوستی نباید فاش شود و نامحرمان در حریم و بساط محبوب عالم راه ندارند.

۳۶۶- عدم اختیار

رؤیت حضرت قائم اگر به معاینه باشد، نباید رائی آن را بازگو کند؛ و عقل هم در حالت وصال حیران است. پس اول ظرف بیننده از پشت پرده حقایق بزرگ کنند، که در حالت رؤیت محبوب از حال نرود.

عقل حیران که چه عشق است و چه حال

من بگریم یا بخندم در وصال (مثنوی)

رمز بین حبيب و محبوب نباید بازگو شود، اگر کسی چیزی گفت، یا از حالت وجد و جذبه بود یا از حال پریشانی، از زبانش بیرون آید که این دو حالت عدم اختیار غالب است.

گویند رمز عشق مگوئید و مشنوید
مشکل حکایتی است که تقریر می‌کنند (حافظ)

۳۶۷- بنده حاجت‌خواه

بدون تعارف همه ما بنده حاجت‌خواه هستیم. از امام عصر (ع) برآورده شدن حاجت‌های خود را می‌خواهیم. اگر کسی در محبت او فانی شود حاجت‌خواهی‌های دنیوی‌اش ساقط می‌شود. بله حاجت محب آن است که همه کارهایش برای محبوبش باشد، و با او باشد و خواسته‌اش فقط خواسته محبوبش است و بس.

۳۶۸- حیرت

عشق تو نهال حیرت آمد
وصل تو کمال حیرت آمد

۳۶۹- امتحان خلیل

خداوند در پیری به حضرت ابراهیم (ع)، اسماعیل را از هاجر بخشید و محبت او را در دل خلیلش نهاد. در نوجوانی مأمور شد تا او را به قربانگاه منی ببرد و دور از چشم مادر، فرزند را به امر حضرت دوست بکشد.

چون کارد بر گلوی اسماعیل کشید، کارگر نشد؛ حق تعالی دستور داد گوسفندی عوض اسماعیل بکشد و به این امتحان خلیلش را نزد ملائکه ثابت کرد که همه‌چیز را فدای حضرت دوست می‌کند. (ریاض المحبین، ص ۲۲۴)

حال ای محبّ حضرت حجت! ما حاضریم همه‌چیز را فدای او کنیم؟
آیا در امتحان قبول می‌شویم، یا در آزمایش محبتی تعلّقات دنیوی ما را به هبوط می‌کشاند؟!

۳۷۰- دوستی اهل بیت

پیامبر (ص) فرمود: مرا برای دوستی خدا دوست بدارید و اهل بیتم را به خاطر دوستی من دوست بدارید. «أَحْبُوا أَهْلَ بَيْتِي لِحَبِّي» (بحار الانوار ۱۱۱/۲۷)

حضرت قائم (عج) از اهل بیت پیامبر (ص) است و بردارنده همه صفات و کمالات جدش می باشد پس او را باید دوست داشت؛ که سلسله پیوند و مواصلت او با رسول الله (ص) را جای هیچ شبهه‌ای نیست.

۳۷۱- سراپرده

دل سرا پرده محبت اوست دیده آینه دار طلعت اوست

۳۷۲- گریه دوستی

ای منتظر حضرت محبوب، شنیدی که شعیب پیامبر (ع) آن قدر از دوستی خدا گریه کرد که بینایی اش را از دست داد. تا چهار مرتبه، خداوند بینایی را به او داد؛ باز از گریه دوستی چشمانش را از دست می داد.

خداوند فرمود: «اگر از ترس آتش یا شوق بهشت می گریی، تو را ایمن می کنم و بهشت را به تو می دهم.»

عرض کرد: «نه از این دو نیست، بلکه دوستیت در قلبم قرار گرفته، صبر ندارم تا تو را ببینم.» (جامع السعادات ۱۵۲/۳)

حال ای دوستدار امام قائم، چقدر من و تو برای عشق به او گریه کردیم تا یکی از جوارح ما آسیب دیده باشد؟!

۳۷۳- دوست نزد دوست

خداوند به حضرت موسی فرمود: دوستی از دوستان من در فلان ویرانه وفات کرد، برو او را غسل بده و کفن کن.

چون موسی بدان ویرانه آمد، دید مردی وفات کرده و خشتی در زیر سر و لباسی کهنه بر تن دارد. موسی گریه کرد و عرض کرد: خداوندا دوست خود را چنین می‌داری؟

فرمود: به عزت و جلال و قدرتم این دوستی است از دوستان ما... چون از کار تدفین او فارغ شد، خداوند فرمود به جایگاه او در (بهشت برزخی) نگاه کن. دوست جز نزد دوست نباشد. پس او را در بهترین جایگاه بهشت دید. (خزینة الجواهر، ص ۳۲۶)

ما که ادعای دوستی حضرت حجت را می‌کنیم اگر چیزی از زندگی ما کاسته شود، به حضرتش شکوه نمی‌کنیم، عریضه نمی‌نویسیم، با کلمات ناصواب به حضرتش خطاب نمی‌کنیم. چهل شب جمعه جمکران نمی‌رویم تا از دست رفته زندگی دوباره بازگردد و ...؟! محب تسلیم محبوب در همه موضوعات است، همانند میّت در زیر دست غسل.

۳۷۴- کنار دوست

مائیم و آستانه عشق و سر نیاز
تا خواب خوش که را برد اندر کنار دوست

۳۷۵- مختص دوستان

در حدیث قدسی خداوند به موسی (ع) فرمود: «أنا خاصة للمحبين: من مختص دوستانم می‌باشم.» (ارشاد القلوب) زبان حال محبوب عالم همه این است، که من مختص به دوستدارانم هستم. کدام

گوش دل این جمله را می‌شنود و درک می‌کند، تا در زمرهٔ دوستان و دوستان واقعی حضرتش شود!

۳۷۶- حبیب خدا

ای منتظر شنیدی که حضرت ابراهیم (ع) خلیل خدا بود و پیامبر (ص) ما حبیب خدا بود و درجهٔ حبیب از خلیل بالاتر است. چنان‌که خواجه عبدالله انصاری در کشف‌الاسرار نوشته است. (داستان‌های عرفانی، ص ۲۵۷) امام قائم علیه‌السلام که وارث همهٔ انبیاء است، جامع خلیلی و حبیبی دارد. پس هر کس او را به معنای واقعی دوست بدارد هم خلیل او می‌تواند باشد و هم حبیب او، که محبوبی او مطلق و حبّ ما مقید است.

۳۷۷- قدر محبت

در مثل گفته‌اند: «انسان به قدر محبتش مبتلا می‌شود» حال ما چقدر محبت حضرت محبوب را داریم، که به اندازهٔ آن به بلاها آزموده شویم؟ آیا در بلاها محبوب را فراموش می‌کنیم؛ اگر هم یادش کنیم، حالت شکوه و اعتراض داریم؟!

۳۷۸- خلوت دوست

در حدیث قدسی آمده که خداوند فرمود: آیا دوست خواستار خلوت دوست خود نیست ... من از دوستانم آگاهم ... با من از راه مشاهده و حضور سخن می‌گویند. (جامع السعادات ۱۵۱/۳)

آری محب حضرت مهدی، سهر و سحر دارد، رازگویی با محبوبش می‌کند؛ در خلوت با معشوقش نجوا دارد و حالت حضور بر او غالب

است؛ می‌گوید، حضور ناظر را ادراک می‌کند و این در حالی است که از سخن همه غایب است و دل به محبوب می‌دهد.

۳۷۹- محبوب ناظر

چون حضرت ابراهیم را نمرودیان در آتش افکندند، جبرئیل حاضر شد و گفت: حاجتی داری که تو را از اینان نجات بدهم. فرمود: حق حاضر است و دوست در فرمان دوست است و قبول نکرد. پس حضرت دوست به آتش فرمود: ای آتش بر او خنک شو و او را به سلامت بدار. (ریاض المحبین، ص ۲۲۰)

حال ای منتظر! ما وقتی در آتش دنیا می‌افتیم به همه متوسل می‌شویم تا نجات پیدا کنیم، درحالی‌که حضرت محبوب را ناظر می‌دانیم!

۳۸۰- می‌سوزد

قاعده‌ای مستحکم نیست، اینکه عاشق باید لاغر باشد و رنگش زرد باشد. چنانکه بعضی شاعران و نویسندگان ادبیات ذکر کرده‌اند، ولی گوییم آن‌کس که عاشق حضرت محبوب است از دل و درون عشق می‌ورزد و می‌سوزد، گرچه اندامش سمین و رنگش سرخ‌گونه باشد.

۳۸۱- اسم فرزندان

ای شیعه حضرت قائم! زلیخا چون در محبت یوسف بی‌قرار بود، هر نامی می‌شنید، زیباترین نام برای او یوسف بود، و دیگر نام‌ها برای او همانند حنظل (هندوانه تلخ) ناگوار بود.

صد هزاران نام اگر بر هم زدی
از همه مقصود او یوسف بدی (مثنوی)

آیا ما چنین هستیم که ادعای محبت امام خود را می‌کنیم ولی اسم پسر و دختر خود را اسم‌های غربی و خارجی می‌نهیم و افتخار هم می‌کنیم!

۳۸۲- دعوی محبت

اگر کسی دعوی محبت واقعی حضرت مهدی (ع) کند باید از اول این نکته را به ذهن خود بسپارد که عالم حبّ و عشق کار ساده و راحت و بدون دغدغه نیست. یا دعوی محبت نکند و اگر کند خود را برای مسائل سخت آماده کند.

حضرت یوسف که در زندان بود مردی دعوی دوستی با او می‌کرد. یوسف به او فرمود: پدرم مرا دوست می‌داشت برادرانم به حسادت من را در چاه افکندند؛ خاله‌ام دوستم می‌داشت مرا زدیدند؛ زلیخا مرا دوست می‌داشت سال‌ها به زندان شدم. دوستی من تو را به چه کار آید؟! (داستان‌های عرفانی، ص ۶۵)

عاشقان در سیل تند افتاده‌اند

بر قضای عشق دل بنهاده‌اند

همچو سنگ آسیا اندر مدار

روز و شب گردان و نالان بی‌قرار (مثنوی)

۳۸۳- غایب مباش

اگر خواهان معشوق عالم امام مهدی علیه‌السلام هستی دو نکته را بدان؛ اول آنکه هرگز از او غایب مباش و حالت حضور داشته باش، دوم آنکه چون به او می‌خواهی بررسی دنیا را رها کن که دنیا دوستی حجاب اکبر بین حبيب و محبوب است.

۳۸۴- وقت امتحان

در شب لیلۃ المبیت امیرالمؤمنین علیه السلام به جای پیامبر (ص) خوابید تا حضرتش به سلامت باشد. خداوند به جبرئیل و میکائیل فرمود: اکنون دوست ما علی بلای دوست را خریده، به او بنگرید. (ریاض المحبین، ص ۱۵۰)

هر چه گویم عشق از آن برتر است

عشق امیرالمؤمنین حیدر بود (مثنوی)

ای دوستدار حضرت ولی عصر آیا بلای او را با جان می خری و حاضری وجود و هستی ات فدای او شود؟ می گویی: آری، ولی در شب امتحان خطورات ذهنی را چه جواب می دهی تا موقع آزمایش عملی!

۳۸۵- بی خبران

افرادی که بی خبر و بی تفاوت اند و در ساحل هستند، به دریای عشق مهدوی راه پیدا نمی کنند و از طوفان این امواج بی خبرند و اینان هیچ خبری از عاشقان حقیقی حضرتش نخواهند داشت.

۳۸۶- فدا شدن

اگر توانستیم مشتاقانه خواسته های حضرت قائم را برآورده کنیم، بسیار برای عشق ورزیدن خوب است. البته درجه عالی، فدایی شدن است که کمال عاشقی این است که در راه محبوب فدا شود.

۳۸۷- دل مرده

چراغ مرده و خاموش از آفتاب تابان هیچ بهره‌ای ندارد و دل تاریک بی‌خبران و دشمنان حضرت مهدی هم هیچ نصیبی از فیوضات و چهره تابان ندارند.

ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنی است
به آب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبا را؟ (حافظ)

۳۸۸- طبع عاشق

در عشق طبع عاشق، معشوق را برای میل خود می‌خواهد؛ اما در عشق به محبوب عالم، عاشق عشق را برای محبوب می‌خواهد. البته میل عشق به حضرتش، باید از طرف جنابش به فیض و جذبه‌ای بر دل خواهنده فرود آید.

۳۸۹- واژه محبت

ما عاشق او نشدیم؛ اما در غیاب حضرت حجت صحبت می‌کنیم، انگار یک گرمی در کلمات ما پیدا می‌شود که شنونده را متأثر می‌کند. یعنی واژه محبت را به گویایی خوب می‌گوییم درحالی‌که از درون عاشق او نشدیم و دیگران هم خیال می‌کنند ما عاشق او هستیم!

۳۹۰- مستغنی

ای عزیز! جمال مهدوی از عشق ناتمام و مجازی ما مستغنی است.

گوهر پاک تو از مدحت ما مستغنی است
فکر مشاطه چه با حسن خدا داد کند (حافظ)

جمال و کمال او احتیاجی به ثنای ما ندارد و او بی‌نیاز است، بله ما محتاج و نیازمند به او در تمام ابعاد هستیم.

۳۹۱- نمی‌میرد

دل‌مرده به عشق مهدوی زنده می‌شود و آنگاه به عشقش، دل‌زنده، دیگر نمی‌میرد.

۳۹۲- عشق حسّی

عشق حسّی به معنای این است که کسی به چیزی یا کسی علاقه وافر دارد. چون منتظر، جمال حسّی امام را نمی‌بیند، نفس او را به عشق حسّی دیگر چیزها مشغول می‌دارد و از تکرار آن لذت می‌برد. چون عشق به حقیقت مهدوی پیدا نکرد، نفس او را به خانه و فرزند و شوهر و همسایه و مسافرت و... مشغول می‌کند.

۳۹۳- مثمر ثمر

کاری کنیم که فرد مثمر ثمر برای افزایش محبین به حضرت قائم باشیم نه آنکه با کلمات و حرکات موزون ما، افراد محب، از دوستی‌شان کاسته شود.

۳۹۴- فروکش

گفت: بعضی‌ها به گفته‌های دیگران عاشق حضرت می‌شوند و بعد از چند سال عشقشان فروکش می‌کند، علت چیست؟ استاد فرمود: آن گفته‌ها از آثار عشقی است که فاقد حقیقت بوده، فقط به شعر و گفته‌ای که جذابیت داشته، او را کشانده است. معطی شی وقتی

به ظرفی که فاقد دریافت است، چیزی مثلاً از محبت می‌ریزد، نتیجه‌اش آن است که زوال می‌پذیرد و از دست می‌رود.

۳۹۵- تزاید

عشق ورزیدن ما به حضرت ولی‌عصر نباید همانند روز اول عاشقی باشد، بلکه پیوند و مواصلت روز به روز افزون شود، و احساس تزاید حب را در خود بیابیم. چون به مرحله ثبات رسیدیم، احساس امنیت می‌کنیم و او را پناهگاه محبین می‌یابیم.

۳۹۶- ناپایدار

عشق مجازی که از حسن صوری ایجاد می‌شود، در کوتاه یا بلندمدت ناپایدار و زوال‌پذیر است. افرادی که در راه رسیدن به محبوب محبت امام عصر علیه‌السلام می‌شوند، بسیاری در درازمدت محبتشان را به اندک مسائلی از دست می‌دهند.

۳۹۷- پاکی

اگر عشق به حضرت پاک باشد، آرام‌آرام نیت خالص و زلال، منتظر را به عشق امام عصر علیه‌السلام می‌کشاند.

۳۹۸- مسجد جمکران

بسیاری از مردمی که مثلاً مسجد جمکران قم می‌روند به قصد دیدار و خواندن نماز امام زمان علیه‌السلام و گرفتن حاجت از حضرت، مشتاق هستند یعنی چیزی ندارند و می‌خواهند. محب در درجه اول شائق است و به دنبال چشمه می‌رود. ولی محب کامل کنار چشمه است و به نوعی واصل شده است.

۳۹۹- ثبت نشده

بسیارند که در بعضی از منته حالت عاشقی پیدا می‌کنند، کم می‌خورند و کم می‌خوابند و ساده زندگی می‌کنند و با کسی انس نمی‌گیرند و مشغول دعا و عبادت و راز و نیازند و
به خاطر آنکه مدارج عالیه محبتی آنان در نفس ثبت نشده است. اسم شائق برای آنان بهتر از عاشق است، چراکه کم‌کم یا این کارها را ترک می‌کنند یا به عادت اعمال را به جا می‌آورند که از کیفیت کم‌رنگ برخوردار است. بعضی عشق‌ها حالت تفننی دارد مانند عشق‌های افراد نوجوان و جوان که زودگذرند؛ یعنی محبتی پیدا می‌کند و کمی جلو هم می‌رود ولی تشنه برمی‌گردد که این حالت به صواب نیست.

۴۰۰- قنطره

چون افراد معشوق زمینی پیدا می‌کنند اگرچه گفته‌اند مجاز قنطره (پل) به سوی حقیقت است اما معلوم نیست که بت زمینی چقدر در نفس شخص جا باز کرده است.
چون کسی معشوق الهی یعنی قائم را خواهان است باید از معشوق زمینی دل بکند و بت زمینی را رها کند تا بتواند با ریاضت و توسل به او برسد.

۴۰۱- شعله عشق

اگر وجود ما، مهدی گونه شود یعنی وجود خود را پاک سازیم تا غیر از او در دل ما جا باز نکند، امید بسیار می‌رود که مورد توجه محبوب عالم شویم.

به تعبیر دیگر نیت و عمل ما برای محبوبمان باشد و سراسر وجود ما را او فراگیرد، در نتیجه شعله عشق او هر چه جز او شود، بسوزد.

۴۰۲- فداکارانه

عشقی به امام قائم علیه السلام خوب است که فداکارانه، بدون چشمداشت باشد؛ یعنی منتظر از خود می‌گذرد و عوض هم نمی‌خواهد.

چون ما از بند سگ طبعی خود رها نشدیم، حالت عوض خواهی داریم و آن مانع و حجاب از عاشق شدن است.

۴۰۳- تمرین

در راه محبت محبوب عالم، تمرین و ریاضت لازم است، چراکه بدون باخت شخص آزموده نمی‌شود. اگرچه باخت محب تکرار شود، ولی چون استقامت ورزد، بلا نوش ره عشق او شود و محبوبیت ملبس او گردد.

۴۰۴- جایگاه

دل جایگاه معشوق است. آن دلی که تزکیه شده و مورد عنایت حضرت حجت قرار گرفته باشد. صرف زهد و ورزی و عبادت خشک و امثال اینها کاربرد جانانه‌ای ندارند، باید آمپول عنایت زده شود تا تزکیه مهدوی شامل حال منتظر گردد.

۴۰۵- افراطی

بدان عشق مهدوی ورزیدن بدون فداکاری راه‌گشا نیست. انسان باید در روشنایی راه رود و تا از جان در ره محبوب بکار نگیرد انگار در تاریکی راه می‌رود.

بعضی محبین حالت افراطی در حبّ امام عصر علیه السلام دارند. از خودشیفتگی شدید نشان می‌دهند و گریه می‌کنند و احساسات خود را نشان می‌دهند و راه افراطی را در پیش می‌گیرند؛ که عده‌ای از اینان در درازمدت ارتباط محبتی‌شان نسبت به امام کم می‌شود، چراکه افراط در بروز عشق بر عنایت نبوده و نفس در اظهارات دخیل بوده است.

۴۰۶- فراتر

جمال حقیقی حضرت مهدی (ع) فراتر از دیدن با چشم سر است. یعنی عاشق می‌خواهد از محسوس به معقول و به معنی برود و گرفتار ظاهر نباشد. اگر دنبال دوست می‌گردیم، نباید حقیقت او را فقط به دیدار تنی و جمال ظاهری به خود القاء کنیم، که معشوق فراتر از دیدگاه ظاهری است. جمال حقیقی حضرت محبوب دیدگاه باطنی می‌خواهد. جمال محبوب مطلق مهدوی را نتوان با عدم شناخت عنایتی عاشق شد. آنکه همه احوال طبیعی‌اش میزان و کارهای زندگی‌اش بر طبق قواعد و محاسبات عقلانی است نمی‌توان این افراد را عاشق حقیقی حضرت حجت شمرد. به گیاه پیچک عشقه گویند که به تنه درخت می‌پیچد و بالا می‌رود و آن را خشک می‌کند و اینان نمی‌توانند به این مقام رسند که احوال طبیعی‌شان سر جایش هست.

۴۰۷- دوطرفه

تصویری که افراد از حضرت محبوب در ذهنشان است فرق می‌کند با تصویری که واصلان به محبوب رسیده‌اند. چه آنکه رفتار محبتی و الطاف مهدوی از دیدگاه اشخاص کم‌محبت که عرفان مهدوی ندارند بسیار در درجات نازل است. عشق دوطرفه محبوب و محب واصل، خارج از محدودهٔ تصویر افرادی است که یک‌طرفه می‌سنجند و می‌فهمند. آنکه عاشق حقیقی حضرت محبوب شد، حیات را در راه محبوب کند و ممات را هم در راه محبوب فدا کند. بسیار کم‌اند که لایق عشق حضرتش شوند و با صلاح قابل کمند حضرت دوست گردند. «مبارک گردنی که در کمند او افتد و فرخنده سری که در راه محبتش به خاک افتد».

۴۰۸- زیادی طینت

چون سرشت ما از زیادی طینت امام خلق شده است پس ما معلول علت خود هستیم یعنی ظهور محبتی ما، از علت حقیقی که حضرت محبوب باشد، است. هر چه ظهور محبتی امام عصر **علیه‌السلام** به ما بیشتر باشد، ادراک ما (معلول) هم بیشتر و شدیدتر خواهد بود و این لطیفهٔ عرفانی را فقط واصلان درک کنند.

۴۰۹- بویی نبرده‌اند

افرادی که عاشق حقیقی امام عصر **علیه‌السلام** نشدند و بویی از آن نبرده‌اند، عاشق را به صورتی ترسیم کنند که می‌خواهند بگویند تغییر و تحولات شیمیایی در مغز آن‌ها رخ می‌دهد. مثل کسی که بیمار می‌شود مانند تپش قلب، حس سرخوشی، سرخ شدن گونه و ... که

همه این مطالب از محدوده عاشق واقعی امام عصر علیه السلام، که نویسندگان آنان را ندیدند، خارج است.

۴۱۰- نه چراغی

ما دیدیم که بعضی‌ها اول دوستدار حضرت حجت بودند، همراه با گرمی فوق‌العاده از گریه و نیاز بود ولی بعد از مدتی نه چراغی روشن شد و نه دیداری؛ فقط از اسم و کلمات مهدوی و چند دعای خشک‌وخالی باقی مانده بود.

۴۱۱- وسط راه

بعضی گفته‌اند: «میانه دوستی انتظار است» یعنی در وسط راه دوستی ورزیدن، محب حالت انتظار دارد. حال او به انتها و آخر دوستی حضرت محبوب می‌رسد یا نه جای سؤال است. اگر محب استقامت نوزد دوستی‌اش کم‌رنگ می‌شود و ادامه آن بی‌رنگ می‌شود.

۴۱۲- مجذوب

پرسیده شد که در کتاب‌ها نوشته‌اند، یکی از مراحل عاشق شدن، مجذوب شدن است و بعضی مواد شیمیایی که پیام‌رسان عصبی هستند به نام «مونوآمین» نقش بسزایی دارند که آن‌ها عبارت‌اند از: «دوپامین، نوراپی نفرین، سروتونین» که افزایش این‌ها در بدن سبب تپش قلب و حالت مستی و دیوانگی دست می‌دهد. استاد فرمود: تا که از جانب حضرت معشوق عالم علیه السلام جذب نرسد این خوردنی‌ها تأثیری برای جذب شدن ندارد.

تا که از جانب معشوق نباشد کششی

کار عاشق بیچاره به جایی نرسد

۴۱۳- ناسنجیده

بعضی‌ها در شعر و مداحی کلماتی در حق قائم می‌گویند که ناسنجیده است و آن اینکه ابراز دوستی خود را به رخ امام می‌کشد تا او جزاء و عوض بدهد.

استاد فرمود: «اینان از ناپختگی خروش کنند. اگر به‌دقت و با ادراک بصیرتی بنگرند، درمی‌یابند که اولاً آنکه سبق محبت از محبوب است، و این محب ضعیف، انگار استکان آبی را در اقیانوس می‌ریزد که برای دریای بیکران هیچ است.»

۴۱۴- ذلیل مجاز

سؤال کرد: کسی امام را دوست دارد و بعد از اتفاقاتی و بلاهایی چند، در محبتش بی‌تفاوت می‌شود. گاهی هم بعضی‌ها قهر می‌کنند، آیا محبت و عشق این شخص از اول مجازی بوده است؟
جواب: اگر بعد از اتفاقات به نفرت و بریدن کامل باشد دلیل مجاز بوده است و الا گفته می‌شود ظرف شخص کوچک است و به قول استاد عارف آیت‌الحق کشمیری این‌ها حکم بچه‌ها را دارند که قهر می‌کنند.

۴۱۵- نور دوستی

اگر دوستدار، در محبت امام عصر علیه‌السلام، به نور دوستی رسید، دلیل است بر اینکه او به مدارجی از حب رسیده است. دوستی بدون نور، انسان را به ناسپاسی و اضطراب می‌کشانند.

چه آنکه دوستی حقیقی به امام، علامت رضا در آن است و چون نور نداشته باشد، معلوم می‌گردد که وفا ندارد، و هوی مانع از آمدن نور دوستی اوست.

۴۱۶- مراقبت

آدم محب از محبت مراقبت می‌نماید و دل خوش به حبّ امام عصر علیه السلام است و میل دارد از این محبت به او لذت ببرد. اگر بخواهد محبتش بیشتر شود باید آگاهی و شناخت نسبت به محبوب را افزون نماید.

۴۱۷- قصه دراز

سؤال شد آیا دوستی با امام انتهایی دارد، یعنی محب به جایی می‌رسد که ساکت و صامت شود؟ استاد فرمود: امام زمان علیه السلام مظهر همه اسماء و صفات و افعال الهی است. کُنه او را کسی نمی‌تواند درک کند. او فراتر از بافته‌های عقلانی است، تا با حساب‌گری فیض او را حساب‌رسی و محدود کند. قصه عشق دراز است و حدو حصر ندارد تا کسی بگوید ما به چندمین درجه محبت او برسیم، آرام می‌شویم.

۴۱۸- شور و شعله

گفت: از کجا بدانیم محبت ما به حضرت حجت در حال ازدیاد و واقعی است؟ استاد فرمود: «اگر شور باشد و شعله داشته باشد، و از آن طرف از اعتراض و سوءظن به دور باشد، و روز به روز احساس بهتری از قبل

داشته باشد، معلوم می‌گردد محبت به او در حال رشد و فزونی است.»

۴۱۹- خاموشی

بعضی محبین امام قائم علیه السلام خاموش‌اند و عبارت و کلماتی ندارند و بعضی ناطق و در بیان و مطالب گویایند. بعضی بی‌اشارت و گروهی با اشارات در محبت‌اند. هر کسی را در عالم وجود ذات و قالبی دادند یکی موسی کلیم‌الله می‌شود و دیگری لقمان کم‌سخن می‌گردد، ما را شاید نمره دادن اینان.

۴۲۰- عنایت محبانه

اگر معشوق عالم، به شیعه‌ای عنایتی محبانه کند، قیود او ساقط می‌شود. این لطف از ولایت او بدون اختیار محب به او می‌رسد. پس این شخص شب همه‌شب و روز همه روز در هوای محبوب باشد و این از عطایای خاصه محبانه بشمار می‌رود، که ان شاء الله خداوند نصیبان نماید.

۴۲۱- حریم محبوب

بدان که حرمت محبت آن است که محب، حریم محبوب را مراعات کند. یک نقش بازی کند، یعنی در دل جای حضرت باشد و بس. اگر پدر و مادر و استاد و ... را دوست می‌دارد در طول محبت امام باشد که امام کل است و بقیه جزء هستند.

۴۲۲- سرّ

بعضی عرفاء در مکتوبات عنوان کرده‌اند که محبت سرّ است و افشاء سرّ ناصواب است؛ البته در وقت غلبه حال محبتی، شخص معذور است؛ چون ظرف وجود محب امام لبریز شود، بعضی مطالب مواصلتی بین حبیب و محبوب را عنوان می‌کند که این از غایت حرارت آتش محبت است!

۴۲۳- اخفاء محبت

چون عموم مردم بعضی مطالب عالیّه محبانه بین عاشق و معشوق را نتوانند هضم کنند، پس اخفاء محبت حضرت ولی عصر علیه السلام از جهاتی بهتر است. چه آنکه پس از افشاء، افراد برای رسیدن به مقاصد خود، برای گوینده مزاحمت ایجاد کنند و تقاضای ناموزون نمایند و سبب رنجش او شوند و....

۴۲۴- نیت خالص

در عشق‌های مجازی عاشقان برای معشوق خود لباس و طلا و خانه و ماشین می‌خرند تا دل معشوق را به دست آورند. اما در عشق به حضرت حجت علیه السلام موضوع دل به دست آوردن به این‌ها نیست. اول در همه‌چیز به نیت خالص احتیاج دارد، تا هدیه‌ای که می‌دهد خالصانه به دست محبوب برسد و اگر این نباشد هدایا پایه‌هایش سست می‌باشد.

۴۲۵- تعلیم و تعلّم

سؤال شد آیا محبت حضرت با تعلیم و تعلّم پیدا می‌شود یا از موهبت مهدوی است؟

استاد فرمود: اول از موهبت و عنایت است و در مرحله دوم یادگیری نزد افراد راهرفته مهدوی که محبت او را چشیده‌اند و ادعایی برای جذب دیگران به خود ندارند، می‌باشد.

۴۲۶- میل

در محبت میل خوابیده است. چون محبی به حال تفرقه و قدم تسویف در افتد، از میل او به حضرت کاسته شود. میل به هر چیزی که شیعه را از امامش باز دارد، سبب کم‌رنگی محبتش به حضرت گردد.

۴۲۷- شناخت امام

اگر ما توانستیم حضرت قائم علیه‌السلام را بشناسیم و همه کارهایمان را بر اساس خواسته او تنظیم کنیم و این سیره ادامه داشته باشد، پیوند محبتی روز به روز زیاد می‌گردد؛ اما اگر، او را نشناسیم، و عجز شویم که او را ببینیم؛ و یک حالت شیدایی و بی‌خویشی در ما ایجاد شود، در مدت کوتاهی پیوند محبتی هم از دست می‌رود.

۴۲۸- نوشیدن

آیا محبت امام عصر علیه‌السلام شنیدنی است یا نوشیدنی، از مسموعات است یا از مشروبات؟ کمال در نوشیدن است و موجب لذت روح می‌گردد؛ و آن از افق آفتاب محبوب بر دل محب طلوع کند.

چون محب جام مهدوی را نوشید جمله اعضاء از تابش دوست منور گردد. آن‌کس که از مسموعات در محبت امام قائم علیه‌السلام

می‌شنود دوستدار می‌شود خوب است ولیکن جزئی است و به اسبابی نقصان و زیادت گردد و این حال قابل اعتماد نیست. اگر بدانیم امام غایب، از چه چیزهایی خوشش می‌آید و لذت می‌برد و خواهان چه اعمالی از ماست، آنگاه بعد از دانایی آمپول محبت را بر آن‌ها می‌زنیم تا موردپسند حضرتش قرار گیرد.

۴۲۹- صفای قلب

بدان که از حضرت محبوب، محبوب را باید جست. سبب حب هر چه از احسان و جمال و... باشد، به پیش او جان‌فشانی باید کرد. علامت حب صفای قلب است از کدورات و خلوص در کارها و بر این دو مطلب محب برای خشنودی محبوب کوشش می‌کند.

۴۳۰- طبعی

بعضی حب‌ها طبعی یا طبیعی است و آن این است که شیعه امام عصر علیه السلام را دوست می‌دارد ولی با اغراض راه می‌رود، خواه میل حضرت باشد و یا نباشد. این حب راه به کمال و جمال نمی‌برد و شخص گرفتار که او را دوست می‌دارد، باید از این محبت طبعی پرهیز کند.

۴۳۱- سرعت بخشی

سؤال نمود که قاعده و میزانی برای سرعت بخشی به رشد محبت به امام منتظر هست تا آن را اجرا کنیم؟ استاد فرمود: «بله، هر چیزی را می‌خواهید و دوست دارید برای شما باشد، اول آن را برای حضرتش بخواهید.

چون مراقب کارها باشید و بدانید که محبوب آن‌ها را می‌بیند، پس برای خوش‌آیندی او کار می‌کنید؛ در واقع شما در حال رشد پیوند عشق به حضرتش می‌باشید.»

۴۳۲- نگاه‌داری

اگر منتظر سودای جهان داشته و در هوای خویش غوطه‌ور باشد، نتواند به هوای حضرت محبوب گام بردارد؛ چون ظهور حب از غیب مهدوی به منتظر رسد، پس از ادراک این دوستی نباید فاصله بگیرد. چون ظرف اشخاص کوچک و بزرگ است. گاهی ظهور غیبی محبت را نمی‌توانند بگیرند یا آن را نگه بدارند، لذا در طول زندگی به خاطر آفات، آن محبت غیبی مهدوی آسیب می‌بیند؛ و بدین موضوع خواننده توجه داشته باشد که مبادا گرفتار این مصیبت شود.

۴۳۳- حمایت

کسی حمایت از امام عصر **علیه‌السلام** از نیت و زبان و عمل کند پس حمایت شونده از محبوب خود می‌شود. به تعبیری هر کس که محب است باید خود واقعی‌اش را در راستای محبوب نشان دهد که خود واقعی رفته و الآن محبوب است که خود واقعی دارد. وقتی احساس خوب از او داشته باشیم و او را بالاتر از همه چیز و کس بدانیم انگار پاسداری هستیم که در حوزه حمایت گری از او هستیم.

۴۳۴- ثبات در دوستی

پرسیده شد وُدّ که در قرآن آمده، بالاتر است یا حُبّ؟

گفته شد که وُدّ، ثبات در دوستی و عشق را گویند. یعنی صاحب وُدّ از حب و عشق دست بردار نیست و دوستی اش زوال نمی پذیرد. خداوند فرمود: «آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند به زودی (در دل های) آنان مهری خواهد نهاد.» (...سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا) (مریم: ۹۶)

پس کسی که مودت امام **علیه السلام** را دارد مقامش بالاتر از کسی است که حبّ او را دارد. انبیاء بودن ایشان اهل وُدّ اتحاد انبیاء ام فهم شد (مثنوی)

۴۳۵- چه وقت؟

رسیدن به این معنی که چه وقتی محبوب عالم شاد و چه وقت ناراحت می شود، چون جسم او را مشاهده نمی کنیم، خبری از حال او نداریم. ولیکن می شود گفت: محب هر کاری از خوب و بد کند به همان اندازه محبوب را مسرور و ناراحت می کند.

۴۳۶- بُعْد و قُرْب

در حبّ بعد و قرب است و در وُدّ قطع و بعد و قرب نیست، زیرا شاهد حب حق الیقین است و شاهد وُدّ عین الیقین. وُدّ وصال است نه مواصلت، زیرا وصل ثابت است و مواصلت موهون دگرگونی های اوقات. (فرهنگ نوربخش ۱/۱۹۳)

با این توضیح بالا، کسانی که مودت حضرت حجت **علیه السلام** را دارند ثابت قدم اند. ولی کسانی که حبّ او را دارند احتمال اینکه گاهی در قرب و گاهی در بُعْد باشند هست. لذا پیامبر (ص) فرمود: خویشانم را مودت کنید (شوری: ۲۳) نه محبت؛ که محبت زوال پذیر است ولی مودت ثبات در دوستی باشد.

مودت چون به خدمت استوار است
از این بهتر تو را دیگر چه کار است (ناصرخسرو)

۴۳۷- مودت

بعضی را عقیده است که اول حب در دل منتظر جای می‌گیرد، چون در مقام محبت آزموده شد به مقام مودت منتقل می‌شود که وصف وصال است. پس خوش به حال کسی که به عنایت مهدوی از حب به مقام ود انتقال یافته باشد که دیگر دگرگونی در این مقام به او راه نمی‌یابد.

۴۳۸- حسرت

ای خواننده آیا ما بر اوقات از دست رفته و ضایع شده خود حسرت خوردیم و در ندامت افتادیم، به نوحه و بی‌قراری افتادیم یا نه چون عمر گذشته چنین بوده، الآن برای رسیدن به محبوب عالم، لازم است با اشک ندامت از گذشته‌مان طلب دوستی حضرت ولی‌عصر **علیه‌السلام** کنیم و اگر به خاطر گذشته، سنگینی در خود احساس می‌کنیم، به حالت محب بودن افتیم و به محبوب تملق کنیم؛ به خاکساری و عرض ادب به او مشغول شویم و به توسل دست به دامن او بزنیم تا شاید به طریقت محبتی پایمان باز شود و عاقبت از کرم حضرت محبوب، اسم ما را در لیست محبین واقعی یادداشت کند.

۴۳۹- آموختنی نیست

عشق آموختنی نیست، بلکه جذبه‌ای که از جانب معشوق بر دل کسی افتد، او عاشق می‌شود.

عشق چون در سینه‌ای منزل گرفت

جان آن کس را ز هستی دل گرفت

با این تعریف، آموختن عشق بدون جذبه از حضرت محبوب عالم، مصداق لفظی و کتابی پیدا می‌کند نه حقیقی، لذا دیده نشده، بدون جذبه، کسی به امام عاشق شده باشد و تا آخر در این وادی استقامت بیاورد.

۴۴۰- دام

گفته‌اند عشق دام است. وقتی کسی محبوبش را دوست بدارد، در دام افتاده و خلاصی از آن نتوان یافت؛ و آن سوزنده عاشق است. عشق به حضرت درد نیست ولیکن شخص را به درد آورد، تا چه اندازه توان کشش این را داشته باشد!

۴۴۱- معشوق مطلق

فرمود: امام عصر علیه السلام نه عشق است و نه عاشق، بلکه معشوق مطلق است که عقل در ادراک آن حیران و دل از فهم آن ناتوان است و او عشق آفرین است.

۴۴۲- دامن آلوده

کسی که می‌خواهد وادی محبت را بپیماید باید بداند که با دامن آلوده نمی‌شود و با آسایش و راحتی عشق طی نمی‌شود.

عشق کجا؟ دامن آلودگی

عشق کجا؟ راحت و آسودگی (نظامی)

بسیار در گذشته بودند که وفات یافتند و در زمان حیات مدعی

عشق حضرت ولی عصر علیه السلام بودند؛ ولیکن دست خالی از این دنیا رفتند. دلیل واضح این بود که محبت حضرت، آن‌ها را نسوزاند و تمام زندگی‌شان بجایش برقرار بوده و با درصد کمی از حب رحلت کردند.

۴۴۳- زیاد خواهی محبت

ازدیاد خواهی، یعنی حرص در مسائل دنیوی مذموم است؛ اما ازدیاد خواهی محبت مذموم نیست مگر خواهنده ظرف وجودی‌اش کوچک باشد. پس در خواسته‌اش از حضرت محبوب در ازدیاد محبت، ظرف (دل) و مظروف (می محبت) مناسب بخواند، تا مبادا اگر بیشتر بخواند، اما ظرفش کوچک باشد، به آفت‌ها و آسیب‌ها دچار گردد.

۴۴۴- تعدیل

شهووت بطن و جنسی بیشتر مردم مبتلا به این دو هستند و هر دو مانع از عشق‌ورزی می‌باشند. پس کسی که دنبال محبت مهدوی می‌گردد باید این دو را به تعدیل برساند تا در گزینش محبانه مورد لطف قرار بگیرد.

۴۴۵- محرم

در حریم خانه دل جز تو دل محرم ندارد
هر که دارد مهر تو در خانه دل غم ندارد

۴۴۶- ارزشمند

اگر کسی سالیان متمادی و دراز، در راه رسیدن به محبوب عالم طی طریق کند و با دو بال مجاهده و عشق پرواز کند تا به او برسد، که البته آخر کار سرگشتگی و بی‌خویشی هم دست می‌دهد بسیار گوارا و ارزشمند و بجاست.

۴۴۷- هبوط

خدا آن روز را نیاورد که عشق مهدوی، به هر سببی از کسی گرفته شود. می‌گوییم امام چیزی ببخشد نمی‌گیرد، نیت و عمل شخص سبب حجاب و هبوط می‌شود.

شاید هم شخص خیال می‌کرد عاشق امام است، در حالی که به مجاز بوده و به هر علتی این مجاز رخت برپندد، آنگاه تیرگی آن رفتن نمایان می‌شود. مانند کسی که بر دندان روکش طلا عاریه گذاشته و سبب زیبایی شده بود؛ حال که روکش طلا بیفتد آن زیبایی هم برود.

۴۴۸- خبری نشد

گفت سال‌ها در طلب حضرت محبوبم اما خبری نشد و سختی‌های زمان و مکان و عمر را طی نمودم باز هم خبری نشد.

استاد فرمود: بازگویی این کلمات دلیل است که او از رنج سفر خبر دارد و از ناکامی سخن می‌گوید و زخم پاها را نشان می‌دهد و ...

اگر این شخص عاشق واقعی بود سختی راه و ناکامی و نشان دادن کف پا و امثال این‌ها را مطرح نمی‌کرده است. نزدیکی و دوری راه معشوق، برای مست محبوب گفتن ندارد؛ چراکه طی طریق جسمانی نیست، بلکه سیر و حرکت روحانی است...

۴۴۹- ممنونم

ای دوست رشته‌ای بر گردنم از مودت افکنده‌ای، از شما ممنونم. خواهش‌م این است، نکند به خاطر سستی و سهو و اشتباهاتم، این رشته را بگسلی، که شما کریم‌تر از آنی که با این دوستدارت، چنین کاری نمایی.

۴۵۰- احتیاج

مهدی جان! شما می‌دانی که من در محبت شما کور و کرم. احتیاج به لطف خاص شما دارم ای مطاف نیازمندان! من کاری از دستم برنمی‌آید مگر در اطراف کوی شما که تابلوی کوی شما «عادتکم الاحسان: روش شما نیکویی و بخشش است» نوشته، می‌گردم.

۴۵۱- مواهب

ای محبوب عالم! ما را به یادت مشغول بدار و از مواهبت روزی‌مان کن و از افزون بخشیت نصیبمان کن و ما را در زمرهٔ دوستان واقعی ات قرار بده.

۴۵۲- فنای بعد فنا

یاوران حضرت قائم علیه‌السلام در زمان غیبت کبری که سر تا پا عشق او آن‌ها را احاطه کرده، گویند: «خداوندا اگر مرگی که بر بندگانت قرار دادی، میان من و امام مانع شود، پس بیرون آور از گورم، درحالی‌که کفن به تن دارم، بر کشیده شمشیرم، برهنه نیزه‌ام دعوت کننده به سوی او را در شهر و بادیه اجابت‌کننده...» (دعای عهد) اینان عاشقان پاک‌باخته فنای بعد فناء، مرگ متولی در راه عشق امام را خواهند.

۴۵۳- کشش

بدان که هر چاره‌جویی و یا ذکر و دعایی و سوزی از ما نسبت به محبوب عالم سر می‌زند همگی از کشش او به ماست. عشق ما به منزله تور و کمندی است که الطاف محبانه او را صید می‌نماید. پس وقتی او را صدا می‌زنیم، انگار لبیک حضرت نهفته است، البته برای کسی به حقیقت او را جام محبت داده شده باشد.

۴۵۴- بهترین دوست

یا أَحَبَّ مِنْ كُلِّ حَبِيبٍ: ای دوست‌تر از هر دوست، یا نَعَمَ الْحَبِيبِ: ای بهترین دوست، از تو می‌خواهم مرا از جانب خودت مخصوص گردانی به یاد محبوبی. ذکر حُبِّی به من عطا کن، تا در شبانه‌روز به وسیله آن ذکر، محبت در دلم افزون گردد.

۴۵۵- هزاران نفر

بدان هزاران نفر تقاضای عشق مهدوی کنند، «تا یار که را خواهد و میلش به که باشد» آنکه هم مبتلا به عشق او شد از خودش نبوده، بلکه از محبوب عالم بوده است.

آن محبت‌های لیلی کرد مجنون را اسیر
ور نه آن بیچاره را میل گرفتاری نبود

۴۵۶- دل و عقل

دل و عقل انسان را به سویی و نفس اماره به سوی دیگر می‌کشاند. ما در واقع هم مضطر و هم منکسر و هم منقطع هستیم. مولای ما

حضرت حجت علیه السلام هم مجیب و گنج و شکسته‌بند و جایگاه ما آوارگان است. طلب ما ازدیاد معرفت و محبت از حضرتش باشد با نفخهٔ محبوبیتش دل ما مغلوب نفس نگردد و ما را به طرف وصال او بکشاند.

۴۵۷- در دوست

صبا اگر گذری افتدت به کشور دوست
بیار سوی محبان پیامی از در دوست

۴۵۸- نائب و منوب

وقتی تو، امام عصر علیه السلام را دوست می‌داری انگار خدا را دوست می‌داری، چراکه نائب و منوب عنه از همه جدا نیستند و امام دارنده و مظهر همهٔ اسماء و صفات ربوبی است و او مظهر عشق گران‌بهای حضرت حق است. پس دوستی تو بسیار ارزشمند و پاینده است.

۴۵۹- درخت محبت

یابن الحسن! در دل‌های ما درخت‌های محبت را بنشان و دوستی دنیا را از دل‌های ما بیرون کن همان‌طوری که به اوتاد و ابدال از شایستگانت این کاشت و اخراج را کردی.

۴۶۰- شیفتگی حقیقی

بعضی حضرت را دوست دارند و حالت شیفتگی هم نشان می‌دهند اما نه پای رفتن دارند و نه اسبی که بر آن بنشینند و حرکت کنند.

یعنی صرف ابراز دوستی که ابزار طی طریق ندارند و اینان هیچ‌گاه به گرد محبان واقعی امام نمی‌رسند.

۴۶۱- جان ما

تا بود عشقت میان جان ما جان ما در پیش ما ایثار ماست

۴۶۲- حشر با محبوب

این آیه را در سوره اسراء آیه ۷۱ خواندی؛ «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ...» روز قیامت روزی است که هر دسته‌ای را با پیشوایانشان فرامی‌خوانیم...» اگر در دنیا محب و عاشق حضرت مهدی علیه‌السلام بودی پس در قیامت حشرت با او که محبوب و معشوق می‌باشد هست. خوش به حال تو ای محب و عاشق حقیقی حضرتش.

۴۶۳- حصن یار

ای مولایم! این محب ناتوان به تو ای پناه پناهندگان و ای پناه پناه جویان و ای نجات‌دهنده هلاک‌شوندگان و ای نگه‌دارنده بیچارگان و ای دلسوز بینوایان، پناه آورده تا او را در حصن خودت نگهداری و او را در از بین رفتن محبت حفظ کنی.

۴۶۴- نسیم جان‌بخش

یا ابالصالح از تو درخواست می‌کنم اینکه به من برسانی از نسیم جان‌بخش خشنودی‌ات و ادامه دهی بر من نعمت‌های معنوی را پس برای وزش‌های آلاء باطنی‌ات دست به سویت دراز می‌کنم و به

ریسمان محکمت چنگ می‌زنم که این محب را از آن نفحات محبوبی بهره‌مند بفرمائید.

۴۶۵- دوستی واقعی

کسی که دنبال دوستی واقعی حضرت حجت علیه‌السلام است، از دوستی ورزیدن به آدم‌های بی‌اساس و شیفتگی به آن‌ها نشان دادن باید پرهیز کند، چون دوستی غیر او چون جنبه مهدوی ندارد، کم‌کم نفس آن‌ها را تزیین می‌دهد و جلوه‌گر می‌کند تا کاملاً به دنبال آن‌ها برود.

۴۶۶- تولای یار

مولای من! چطور شده که دوستی‌ات را به اندازه خودم دارم، ولی هر وقت آماده می‌شوم برای کارهای عبادی که مربوط به تولای تو می‌شود بر من چرتی و سنه‌ای غالب می‌شود که حال راز و نیاز با تو را ندارم و در جا می‌زنم.

۴۶۷- طبع خام

متأسفانه بعضی پیروان امام، در طول زندگی دوستان خالص او و احوال آن‌ها را دیده‌اند و عمری را با سردی و گرمی روزگار دست‌وپنجه نرم کنند اما در این موضوع مودت مهدی ناآزموده، خام ماندند شاید طبع آن خام بوده که تکاپو داشتند ولی نیم‌پز هم نشدند.

۴۶۸- نَقَال

بعضی که در طریق مهدوی عشق می‌ورزند، دنبال حکایت آنان که امام را دیدند و شرح احوال هستند و نقال‌اند. چون خودشان به قول استاد عارف سید عبدالکریم کشمیری (ره) زحمت نمی‌کشند دنبال نقل حکایت‌اند. درحالی‌که خودش باید به جایی از عشق مهدوی برسد که دیگران حکایت او را بازگو کنند.

۴۶۹- سوق به حقیقت

در مکتب تربیتی فرهنگ مهدی گفته می‌شود اگر کسی به مجاز گرفتار محبت و عشق حضرت حجت علیه‌السلام شده است و مطالبی می‌گوید که استخوان‌دار نیست، نباید او را تحقیر کرد، بلکه او را باید از مجاز به طرف حقیقت سوق داد. چون استعداد دارد، رشد می‌کند، آن‌وقت از محبت مجازی دست می‌کشد و به محبت حقیقی کشانده می‌شود.

۴۷۰- محافظت کن!

ای معشوق عاشقان حضرت حجت! از آنچه از محبت مرا بخشیدی به خاطر کردار ناپسندم از من مگیر. پس پاسداری کن مرا به پاسداری‌ات و نگهداری کن مرا به نگهداری‌ات و حفظ کن مرا به محافظت به آنچه از مودتت به من بخشیدی.

۴۷۱- یار ماست

عاشقی و بی‌نواپی کار ماست

کار کار ماست چون او یار ماست

۴۷۲- خجل باشم

درست است که عشق تعریف کردنی نیست چون همانند دریایی بیکران است؛ پس اگر عاشقی از عشق حضرت مهدی علیه السلام هم شرح و تفسیر کند کلماتی است که بیانگر است نه ادراک شونده. «چون به عشق آیم، خجل باشم از آن» (مثنوی) چون قلم به نوشتن عشق مشغول می‌شود «قلم بر خود شکافت» یعنی در عشق حضرت محبوب قلم هم در مانده می‌شود و بر خود می‌شکافت.

۴۷۳- افزون نمایید

یا صاحب‌الزمان غیاب هر مضطری هستید و پناهگاه گریختگانی، چون فاصله‌ام از شما زیاد شده در نتیجه دوستی غیر شما مرا به خود مشغول کرده و این از خسارت نفسم می‌باشد که بر من وارد کرد. حال مضطر و مستکین (زاری کننده) هستم و به شما پناه آوردم تا حب غیر خودتان را از دلم بیرون کنید و مودت خودتان را در دلم افزون نمایید.

۴۷۴- همانند آفتاب

وصف او به گفتگو نمی‌گنجد. یار کجا و ما کجا؟ محبوب همانند آفتاب است و نور افزونی می‌کند، اما ما در کدامین جایگاه قرار داریم تا نور محبتش را بگیریم، در خوابیم و یا چتری بالای سر خود گذاشتیم که نور آفتاب او به ما نرسد.

۴۷۵- شراب مودت

مهدی جان! محبت شما از من کم شده، دلیلش آن است که گناهانم لباس خواری بر من پوشانده و قلبم را خطایا مرده ساخته، پس لباس دوری بر تنم کرده است. امید دارم ای آرزوی من و مطلوبم، که غیر شما بخشنده‌ای و چاره‌سازی ندارم؛ اینکه با شراب مودتتان مرا از این احوال سوء به طرف دوستی پایدارتان بکشانی.

۴۷۶- برآورنده نیاز

یا صاحب‌الزمان! شما سرپرست هر نعمتی و دربرگیرنده هر نیکی و نهایت آرزوی هر علاقه‌مند و برآورنده هر نیاز هستی. مهربانی کن بر من در تمام حالاتم به آنچه دوست داری و خشنودی.

۴۷۷- بوی تو

یکی از خواسته‌های ما نسبت به حضرت بقیةالله (ع) این است که ای محبوب! ما را با دوستان و عاشقانت هم‌نشین و همدم فرما تا از هرکدام آنان که دارای کمالاتی و حالاتی خاص در رشته محبت تو هستند، بهره ببرم و بوی تو را از آنان استشمام کنم.

۴۷۸- خریدار مودت

تبلیغ و دعوت شیعه به معرفت و محبت مهدوی لازم و ضروری است البته اگرچه آنان بی‌حال و ذوق‌اند. طالب مودت مهدوی باید با سرمایه و مایه‌ای خریدار مودت باشد اگر طالب سست هم باشد، ابلاغ و رساندن، خود کار انبیاء است خواه بخواهند و یا نخواهند.

۴۷۹- چراغ مهدوی

وقتی چراغ مهدوی در دل کسی افروخته شد، اوصاف مذموم و تمایلات طبیعی کم‌کم زایل می‌شود و سوخته می‌گردد و این لطف، به عنایت برای دوستدار او شود نه از باب استحقاق.

۴۸۰- التجاء

زبان حال امام زمان علیه‌السلام به من و تو این است:

ای عاشقان برای ظهورم دعا کنید

روز و شبان به‌سوی خدا التجاء کنید

۴۸۱- بی‌قراری

گفت علامت عاشق چیست؟ استاد فرمود: بی‌قراری دل، که همانند سنگ آسیا روز و شب در راز و نیاز و گردش و هجران است. یعنی عاشق امام در قبضه حضرت است و تسلیم حکم عشق اوست. به تعبیر دیگر، اگرچه ما آن‌ها را آرام می‌بینیم ولی از دل سیال‌اند و در حرکت و به‌سوی محبوب عالم در تکاپو هستند.

۴۸۲- نور مطلق

سلام ای صبح صادق، نور مطلق

که مهتر در دل و برتر ز جان است

۴۸۳- همت

ای طالب دوستی حضرت ولی‌عصر! به همت خود بنگر و آن را

کوچک مشمار. جام آب محبت را جستجو کن إن شاء الله به همت به آن می‌رسی. لب خشک تو از یک طرف و حال عطش تو از طرف دیگر پیغام دوستی تو را به آب حیات مهدوی می‌رساند و به تو گواهی می‌دهد که صبح امید نزدیک است.

۴۸۴- تولای ما

ای به ولای تو تولای ما مهر تو آیینۀ دل‌های ما

۴۸۵- عاشق حال خود

نکتۀ دقیق آن است که بعضی‌ها ادعای عشق امام عصر علیه السلام می‌کنند، در واقع عشق آنان به حضرت به خاطر او نیست؛ به خاطر حالی است که به آن‌ها دست می‌دهد یعنی شخص عاشق خودش است نه امام؛ یعنی از عشق امام به حالی می‌رسد که آن حال مطلوب اوست. پس اگر شخص به چنین حالی نرسد، به چیز دیگر روی می‌آورد و مشغول می‌شود.

۴۸۶- یک نگاهی

اگر دلی همچو مس باشد، حضرت قائم علیه السلام به نگاه و نظری می‌تواند آن را به طلای محبتش تبدیل کند، پس عاجزانه خواهانیم که این عنایت نصیب ما شود.

عزیزا یک نگاهی سوی ما کن مس قلب مرا چون کیمیا کن

۴۸۷- شاخه تر و خشکیده

کسی گفت امام زمان علیه السلام به خوبان و دوستانش نگاه می‌کند، اگر به من بد نگاه کند کاری کرده است. در جواب گفته شد: درخت

شاخه‌های تر و خشکیده دارد آفتاب که به شاخه‌تر می‌رسد سبب باروری او می‌شود ولی به شاخه‌ خشکیده می‌رسد سبب عدم ثمر و رشد می‌شود.

۴۸۸- بهانه

عقل می‌گوید تو را با حضرتش سنخیتی نیست
پای عشق آید به میدان دل تو را گیرد بهانه

۴۸۹- نکته‌ها

از دل تو در دل من نکته‌هاست آه چه ره است از دل تو تا دلم
یابن الحسن! دلم به سوی تو می‌رود و موج می‌زند ولی محبی هستم
که بال و پرم شکسته است و مقهور و بند حکم قضا و قدرم.
گر نکنی بر دل من رحمتی وای دلم وای دلم وای دلم (مثنوی)

۴۹۰- فیض خاص

قرب حضرت محبوب با عموم همانند فیض رسانی عموم به تقدیر یکسان است؛ اما قرب او به دوستانش خاص است. فیض عمومی گرچه مراتب دارد، اما به همه به اندازه تقدیرشان می‌رسد اما فیض خاص، همانند محبان و عاشقان به عنایت ازلی و به مجاهده و متخلق به صفات پسندیده مهدوی می‌باشد.

۴۹۱- به خاطر تو

یا حجت قائم، چه عافیت‌هایی که بر من پوشاندی و چه گرفتاری‌هایی که از من برگردانی و چه بدی‌هایی که از من صادر گشت و تو درگذشتی. همه این‌ها به خاطر این بود که شما دوستدار

آن که دوستداری غیر تو برایش نبود، هستی. فضل شما واسع است حتی کسانی را که در کمترین درجه حب شما قرار دارند از افزون بخشیات بهره‌مند می‌کنی.

۴۹۲- صید چشمان

گرچه من لایق نبودم صید چشمان تو گردم
سینه ناقابل شد تیر عشقت را نشانه

۴۹۳- محافظه‌کاری

ای کسی که عشق حضرت حجت علیه السلام را می‌طلبی بدان که عشق با محافظه‌کاری‌ها و عافیت‌طلبی‌ها و کاسب‌کارانه سازگاری ندارد. اگر طالب میدان عشق او هستی باید قید هست و نیست را بزنی و در اندیشه نام و ننگ نباشی. اگر مرد نیستی سر جایث بنشین و بیهوده خود را به درد سر نینداز. (شرح جامع مثنوی ۷/۵۷۴)

۴۹۴- مگردان

ای غایت آرزوی محبین! بندهات هستم و به درگاہت آمدم و با دعا، در نیکیات را می‌کوبم، پس با روی جوانمردی‌ات روی از این محب ضعیف مگردان که امیدوارم از رأفت و رحمتت با دوستی ورزیدنت مرا در زمره محبین واقعی قرار دهی.

۴۹۵- جاودانه

ای به دل‌ها درد عشقت جاودانه جاودانه
می‌کشم بار غمت را عاشقانه عاشقانه

۴۹۶- دل خوشی

مهدی جان! گویند پیرزنی کلاف نخی آورده بود تا یوسف را بخرد. به او گفتند یوسف قیمتش بی‌اندازه است، چطور با این ناچیز خریدار او شدی؟ گفت: می‌خواهم اسمم در لیست خریداران یوسف باشد! ما هم عرضه می‌داریم ما را موکلین شما در لیست خریداران عشق شما بنویسند تا یک دل خوشی داشته باشیم.

۴۹۷- مهمانی

یا بن الحسن!
چه شود ما را گر کنی مهمان
بر سر کویت ماه تابانم
محبی ناتوان همچو من تقاضای مهمانی سر کوی می‌کند، درحالی‌که یک عمر مهمان شما بوده‌ام و از باب مودت ما را از سر سفره‌ات بیرون نکردی.

۴۹۸- عذرخواهی

یا بن الحسن! معذرت از جناب قدسی شما دارم از اینکه محبتی را که به من ارزانی و مرحمت فرمودی، من آن را نتوانستم خوب نگه دارم و مصرف کنم و نفس اماره مرا به محبت‌های دیگر مشغول کرد و آن هدیهٔ قدسی شما از من کم‌رنگ گردید.

۴۹۹- بزم عشاق

قدم کن رنجه در این بزم عشاق
معطر کن ز بویت این فضا را

۵۰۰- عاجزانه

خداوند ما را امر به فرمان برداری از شما کرده و وظیفه آن است که طاعت پذیر از شما باشیم. متأسفانه نه آنکه در اطاعت پذیری ضعیف بودیم، بلکه به تشویق و تسویف نفس گرفتار شدیم، پس محبوبانی را دنبال کردیم و دوست داشتیم که بیچاره‌ها خودشان مسکین و مفتقر بودند؛ پس عاجزانه طلب مودت شما را به عنایتتان داریم.

۵۰۱- الهام

ما در خلوت و آشکار و شب و روز و پیدا و نهان در خوشحالی و بدحالی احتیاج مبرم داریم که الهام حضرت محبوب برای ما باشد که او را یاد کنیم و اگر این لطف نباشد نام ما در لیست افراد اهل ظاهر نوشته می‌شود که کیسه حرمان را به همراه دارند.

۵۰۲- دل‌های شیفته

یا بقیه‌الله! دوستانت کسانی هستند که دل‌های شیفته آنان به تو باخته است و بر معرفت تو گرد آمده و دل‌هایش جز یاد شما که محبوب آنان هستی آرامش نگیرد و جز وقت دیدار تو جان‌هایشان آرام نشود.

۵۰۳- عقل جزئی

نوشته‌اند زنان مصر چون جمال حضرت یوسف (ع) را دیدند، عقل جزئی را رها کردند و به محبت وی درآمدند. حال ما آن قدر در عقل جزئی غوطه خورده‌ایم که اگر جمال حضرت ولی‌عصر علیه السلام را ببینیم، نتوانیم عقل جزئی را رها و به محبت وی درآییم. چون عقل

جزئی خطورات بسیاری را به بار آورد و نمی‌گذارد در محبت او یا برجا باشیم.

۵۰۴- به اندازه خودم

ای محبوب عالم! یاد کردنم تو را به اندازه خودم است نه به اندازه شما. البته از بزرگ‌ترین نعمت‌ها بر من جاری شدن زبانم به یاد شما می‌باشد. محب بسیار دوست دارد از محبوبش یاد کند و این از اذن شماست که بتوانم به اندازه خودم تو را یاد کنم.

۵۰۵- منور کن

بیا در مجمع اهل محبت
منور کن دل اهل ولا را

۵۰۶- سیال

بعضی‌ها گویند عشاق حقیقی امام زمان علیه‌السلام، کم حرف می‌زنند و بازگویی ندارند و نمی‌شود از آنان استفاده کرد. استاد فرمود: «آنان خودفروش نیستند و عشق آنان سیال است به این معنی که هر ساعت و روزی جلوه‌ای تازه دارد و وقت آنان تنگ است. اگر ما لایق باشیم آن‌ها افاضاتی می‌فرمایند و گرنه سؤال زیاد سبب جریحه‌دار شدن دل آنان می‌گردد.»

۵۰۷- مزه دوستی

مهدی جان! چه خوش است مزه دوستی‌ات و چه گواراست نوشیدن مقام قربت، پس قرار بده ما را از محبان ویژه‌ات که به عنایت قضا و سرنوشت آن‌ها را امضاء نمودی.

۵۰۸- روح مترصد

آن کس که عاشق حقیقی حضرت مهدی علیه السلام باشد مستغرق در معشوق عالم می‌باشد، پس آنان در مقام بازگویی حال خود به دیگران نیستند، پس کسی با سؤالات ناهموار و ناصواب آنان را مورد ناراحتی قرار ندهد، چراکه روحشان مترصد حضرت می‌باشد و احوال چشیدنی خاص کسی با گفتار قابل لمس نیست.

۵۰۹- عاشق کن!

زنم من لاف عشقت را بیا ما را تو عاشق کن
نباشم لایق وصلت بیا ما را تو لایق کن

۵۱۰- یاری کن!

خداوندا! برسان مرا به محبتین امام عصر علیه السلام که وفات کردند و قرار ده مرا از محبان و لازم گردان به من راه دوستداران امام را و یاری کن مرا در انجام افعال و طاعاتی که مرا به درجات آنان می‌رساند.

۵۱۱- عمرها

عمرها بایست تا کسی با عنایت و مجاهدت کامل درونش از اوصاف مذموم و نفسانی پاک شود تا مورد عشق مهدوی قرار بگیرد؛ اگر چنین شخصی به این مقام رسید، جز خیال وصال حضرت چیز دیگری در دلش نباشد.

۵۱۲- درخواست

خداوندا از تو درخواست می‌کنم که دلم را از دوستی خلیفه‌ات حضرت حجت علیه‌السلام پر کنی و شوق و علاقه‌مندی و دوستی دیدارش را روز به روز افزون فرمایی.

۵۱۳- وسواس

کسی که مرض وسواس دارد نتواند راه عشق مهدوی را ببیماید. چون دهان‌بند وسوسه، عشق است و میان وسوسه و عشق هیچ نوع سازگاری نیست.

۵۱۴- به کرمت خواهمت

یا بقیه‌الله! به عزت و جلالت قسم اگر مرا بازخواست کنی به خطاهایم، من تو را به گذشتت باز خواهمت. اگر مرا به فرومایگی‌ام بازخواست کنی تو را به کرمت بازخواهمت. چون در دلم ذره‌ای از محبت شما هست که نمی‌گذارد با خطا و بدی شما را رها کنم. پس بر من که طلب ازدیاد محبت دارد ببخشا و دوستی‌ات را افزون بفرما.

۵۱۵- نگارستان

ای خوشا روزا که ما معشوق را مهمان کنیم
دیده از روی نگارینش نگارستان کنیم

۵۱۶- حجاب اکبر

متأسفانه بعضی دارای علم ظاهری و دینی هستند و مدعی برتری بر دیگران هستند از آن طرف توسلاتی به حضرت امام زمان علیه السلام هم دارند و در کلمات ادعای دوستی به امام را دارند. بزرگی فرمود: «علم این چنینی حجاب اکبر است، لذا توقف را طلب می کند و احجاب نمی گذارد امواج محبتی به سوی این افراد برسد.»

۵۱۷- تماشای محبوب

بارها! ما را از کسانی قرار ده که روشن گشته چشمانشان به تماشای محبوبشان حضرت مهدی علیه السلام و برقرار گشته به دریافت خواسته و رسیدن به آرزو آرامش شان.

۵۱۸- کشته گردم

دوست دارم به راه مهر تو ماه کشته گردم که جان فدای توام

۵۱۹- پرتو جمال

محبوب عالم، پنهان از دیدگان است ولی دوستی اش ظاهر و آشکار است. معشوق خارج از دیده و شنود حسی ماست، اما محبتش در دل جای دارد. آنچه بدان ما محبت می ورزیم صورت نیست، آن محبت متوجه معشوق حقیقی است که هر حبّی پرتوی از جمال و کمال حضرت می باشد.

۵۲۰- به فریادم برس!

مهدی جان! محبتم به شما روز به روز کم‌رنگ می‌شود و این نمی‌باشد مگر به خاطر کردارم؛ و این مسئله مرا رنج می‌دهد و خسارتش بر من سنگین است. پس به فریادم برس و برایم گشایشی باز کن تا روز به روز درجات محبتم به شما افزون گردد.

۵۲۱- نسوختن دل

خداوندا اگر دلمان برای خلیفه‌ات حضرت مهدی علیه‌السلام نمی‌سوزد به خاطر آنکه رنگ محبتمان به ایشان کم‌رنگ است پس تغییر ده بدحالی ما را با خوش‌حالی، تا او را دوست بداریم و دلمان برای او بسوزد.

۵۲۲- تناسب نیست

بعضی دل‌بسته علمی که یاد گرفته‌اند می‌باشند و به قیل‌وقال مشغول‌اند و پای‌بند اصطلاحات و رسوم‌اند. از طرفی می‌گویند می‌خواهیم امام زمان علیه‌السلام را ببینیم و دوستش داشته باشیم. حکیم فرمود: تناسبی بین آن و این نیست. «سر به سر فکر و عبارت را بسوز» تا بویی از امواج محبت مهدوی به مشامشان برسد.

۵۲۳- بمیران!

خداوندا! مرا زنده بدار بر محبت خلیفه‌ات حضرت حجت (ع) و بمیران مرا بر عشق او و مرا در قیامت برانگیز با داشتن مودت حضرتش.

۵۲۴- جلوه

بدان ای منتظر! عشق به چیزی، آن چیز را در نظرت بزرگ جلوه می‌دهد اگرچه در نظر دیگران خیلی مهم نباشد. پس تو عشق به امام زمان (ع) را در ذهن و قلبت پدید بیاور تا کم‌کم بر اثر تمرین، مطالب مهدوی ارزشمند در اندیشه‌ات بارور شود.

۵۲۵- فاصله

یکی خیال می‌کرد همین زهد و عبادت و توی و تبرّی عاشقی است درحالی‌که آیین و مقام و احوال عاشقان مهدوی غیر احوال زهاد و عبّاد است و فاصله بسیار دارد.

۵۲۶- تسکین

فکر می‌کردم با اختیاری که دارم، ابزار و اسباب محبت را بکار می‌بندم تا به دریای ودّ مهدوی برسم. حالا پس از سپری کردن عمری فهمیدم که این اختیاریها، سبب تسکین و تشفی خاطر بوده نه درمان. خطاب به حضرتش عرضه می‌دارم:

ما را به زور هم که شده سر به راه کن
خیری ندیده‌ایم از این اختیاریها

۵۲۷- نجوا

یکی از اسرار رشته محبت، نجواست و آن اینکه در شبانه‌روز عاشق با معشوق گفتگوی درونی کند. اگر آن معشوق حضرت قائم علیه السلام باشد، مطلوب و بسیار قابل‌تکریم است.

بر اثر نجوای در سال‌های متمادی یک زبان حال پیدا می‌شود که معشوقت می‌گوید: آیا من معشوق تو نیستم و عاشق امام می‌گویم: چرا و این زبان حال و این سؤال و جواب همیشه در نجوای عاشقانه تکرار می‌شود و بسیار مطلوب است.

۵۲۸- واقعی باشد

سنخیت عاشق به معشوق، از عشق پیدا می‌شود. نشانه‌هایی که در حضرت مهدی علیه‌السلام از عشق به خداست از حیطة درک ما خارج است؛ ولیکن عشق ما به حضرتش اگر واقعی باشد، نشانه‌هایی از او در ما بیدار می‌شود.

۵۲۹- سائل

یا حضرت قائم! خداوند در قرآن فرمود: «سائل را از درت مران» (ضحی: ۱۰) و من سائل موذت شمایم، پس مرا دست‌خالی از این تقاضا مران.

۵۳۰- ریشه دوانده

خداوند قرار ده ما را از آنان که ریشه دوانده درخت‌های شوق به‌سوی خلیفاهات حجت قائم در باغ‌های سینه‌هاشان و در برگرفته سوز محبتش به سراسر دل‌هایشان و در باغ‌های مقام قرب و مکاشفه می‌خرامند و از حوض‌های محبتش با جام مهربانی می‌آشامند.

۵۳۱- التفات

علم عشق و دانش محبت نمی‌تواند عشق مهدوی را به بار آورد. چراکه علوم ناقص‌اند و نمی‌توانند انسان را به حقایق چشیدنی برسانند.

اول التفات و عنایت از طرف حضرتش وزیدن می‌گیرد و سپس شخص به جذبۀ محبتی به حرکت و ادراک و هوش، طی طریق محبانه می‌کند.

۵۳۲- پناه می‌برم

یا امام عصر! فزونی محبتت را خواهانم ولیکن بعضی صفاتم مرا از رشد حُبّت بازمی‌دارد پس به تو پناه می‌برم از کسالت و تنبلی و کاهلی و اندوه و ترسویی و تنگ‌چشمی و بی‌خبری و سنگدلی و بیچارگی و نداری و درماندگی و هر گرفتاری و کارهای زشت.

۵۳۳- افکندی

زان شبی کاندر این دل افکندی مهر خود جمله در ثنای توام

۵۳۴- شفابخش

ای طبیب دردها، ما به خاطر آنکه دوستی‌مان به تو به لقلقهٔ لسانی گیر کرده، دلمان برایت تنگ نمی‌شود و نمی‌سوزد؛ پس با داروی محبتت این چشمان کور ما را مداوا کن که طبیب دردمندانی و شفابخش کورانی.

۵۳۵- دل تنگی

یا بقیة الله فکر می‌کنم که چرا دلم برای محبت به تو تنگ نمی‌شود و نمی‌سوزد، می‌بینم نفسم به بهره‌اش راضی نیست و قلبم خشوع ندارد و عملم سودی نمی‌دهد و دعایم شنیده نمی‌شود؛ پس به حق بزرگواری‌ات مرا از این‌ها نجات بده تا قلبم برایت تنگ گردد و بسوزد.

۵۳۶- فغان

بلبل جان چند داری از غم عشقش فغان
عاقبت آن گل به گلشن جلوه‌گر خواهد شدن

۵۳۷- قلب نسوخته

عشق سوزندگی دارد پس کسی که ادعای عشق امام عصر علیه السلام می‌کند، ولی قلبش نسوخته باشد و حالت سوختگی در احوالش نباشد، معلوم می‌گردد که او هنوز در کوره آتشین عشق نرفته و احساس شدت سوزندگی آن را ننموده است.

۵۳۸- ثواب کارها

بعضی اساتید فرمودند: «که برای رسیدن به مودت امام زمان علیه السلام هر کاری که می‌کنید ثواب آن کار را برای ظهور و سلامتی آن حضرت قرار دهید.» پس خداوندا هر عملی از من که دارای ثواب باشد همه را تقدیم جنابش بفرما و ما را در این سیره پایدار بفرما.

۵۳۹- عقل عاجز است

یا صاحب العصر و الزمان! اگر تو را دوست می‌دارم به اندازه خودم می‌باشد. زبانم نمی‌تواند آن‌طور که شما هستید، ستایششان کند و

عقلم از درک گنه جمالت ناتوان است و دیده‌ام در برابر نگاهت وامانده است.

تو محبوبی و من محب ناتوان، پس چطور توصیف کنم شما را که زبان و عقلم عاجز است که ادراک محبوبی تو نماید.

۵۴۰- گردنه‌ها

گفته شد، که در مسیر حبّ مهدوی که تکامل معنوی را طلب می‌کند، شخص محب باید از گردنه‌هایی بگذرد. از این گردنه‌ها جز با مراقبت و ریاضت نمی‌توان گذر کرد. چون توفیق حاصل شد شایستگی پیدا نماید. آنگاه به عنایت، الطاف محبت وزیدن گیرد و شامل حال این رونده شود.

۵۴۱- سرخوشم

خرّم با عشق جانان سرخوشم با مهر دوست روزگارم در وصالش خوب‌تر خواهد شدن

۵۴۲- سبب دور شدن

عده‌ای توجه تام به ریاست و مال و ملک و آقایی دارند و تمام تلاش و همت خود را در این موضوعات روا می‌دارند. گرچه این‌ها صورتاً مطلوب و شیرین است، ولی سیرتاً این سیره سبب دور شدن از عطایای محبتی حضرت مهدوی می‌شود و این نکته بر ارباب معرفت پوشیده نمی‌باشد.

۵۴۳- خودبینی

بدان ای عزیز! که معراج مهدوی برای کسی میسر است که انایت و خودبینی را از خود دور کرده باشد چراکه واصلان حضرت حجت علیه السلام با خاکساری و دفع موهوم وجود مجازی خود به مرتبه وصل رسیده‌اند که گفته‌اند عشق با خودبینی جور در نمی‌آید.

۵۴۴- چشیده باشند

در هر چیز و کاری انسان باید ذوب همان چیز و کار شود تا آن را درک کند پس کسانی که ذوب در مودت مهدوی شده‌اند، از عشق آن‌ها شعله‌ها بلند می‌شود و کسانی می‌توانند این احوال ایشان را درک کنند که خودشان یک ذره عشق مهدوی را یافته و چشیده باشند.

۵۴۵- مهار نفس

ای شیعه، گردن نفس خود را بگیر و به وسیله راهدانان مهدوی او را به طرف معرفت و محبت حضرت بقیه الله علیه السلام بکش، چراکه نفس میل به دنیا و غفلت دارد، فقط با مهار پیران طریق مهدوی او را می‌توان مهار کرد تا کم‌کم دچار محبت حضرت مولا شود.